

فهرست

- پیش‌گفتار ۶
- مقدمه ۱۰
- معرفی طرح آموزش جامع قرآن ۱۱
- درس ۱: مباحثی از علوم قرآن (۱) ۲۵
- هدف از نزول قرآن ۲۵
- درس ۲: مباحثی از علوم قرآن (۲) ۲۸
- چگونگی نزول قرآن ۲۸
- درس ۳: مباحثی از علوم قرآن (۳) ۳۴
- مراحل چهارگانه تحول اسلامی و رابطه آن با قرآن ۳۴
- درس ۴: مباحثی از علوم قرآن (۴) ۳۸



- گردآوری، کتابت و قرائت قرآن ۳۸
- درس ۵: مباحثی از علوم قرآن (۵) ۴۷
- شیوه آموزشی پیامبر ﷺ ۴۷
- درس ۶: سوره علق (۱) ۵۷
- درس ۷: سوره علق (۲) ۶۳
- درس ۸: سوره علق (۳) ۶۶
- درس ۹: سوره علق (۴) ۶۹
- درس ۱۰: سوره قلم (۱) ۷۷
- درس ۱۱: سوره قلم (۲) ۸۲
- درس ۱۲: سوره قلم (۳) ۸۷
- درس ۱۳: سوره قلم (۴) ۹۳
- درس ۱۴: سوره قلم (۵) ۹۹
- درس ۱۵: سوره مزمل (۱) ۱۰۵
- درس ۱۶: سوره مزمل (۲) ۱۰۹
- درس ۱۷: سوره مزمل (۳) ۱۱۴
- درس ۱۸: سوره مزمل (۴) ۱۱۹
- درس ۱۹: سوره مدثر (۱) ۱۲۷
- درس ۲۰: سوره مدثر (۲) ۱۳۱
- درس ۲۱: سوره مدثر (۳) ۱۳۵
- درس ۲۲: سوره مدثر (۴) ۱۴۱



- درس ۲۳: سوره مدثر (۵) ۱۴۵
- درس ۲۴: سوره حمد (۱) ۱۵۱
- درس ۲۵: سوره حمد (۲) ۱۵۶
- درس ۲۶: سوره حمد (۳) ۱۵۹
- درس ۲۷: سوره مسد ۱۶۲
- درس ۲۸: سوره تکویر (۱) ۱۶۹
- درس ۲۹: سوره تکویر (۲) ۱۷۲
- درس ۳۰: سوره تکویر (۳) ۱۷۶
- درس ۳۱: سوره اعلیٰ (۱) ۱۸۱
- درس ۳۲: سوره اعلیٰ (۲) ۱۸۴
- درس ۳۳: سوره اعلیٰ (۳) ۱۸۸
- درس ۳۴: سوره لیل (۱) ۱۹۴
- درس ۳۵: سوره لیل (۲) ۱۹۹
- درس ۳۶: سوره لیل (۳) ۲۰۳
- درس ۳۷: سوره فجر (۱) ۲۱۱
- درس ۳۸: سوره فجر (۲) ۲۱۴
- درس ۳۹: سوره فجر (۳) ۲۱۹
- درس ۴۰: سوره فجر (۴) ۲۲۴
- درس ۴۱: سوره عصر ۲۲۸
- درس ۴۲: سوره عادیات ۲۳۳

درس ۴۳: سوره تکوین ۲۳۸

درس ۴۴: سوره ماعون ۲۴۴

درس ۴۵: سوره توحید ۲۵۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الرِّكَابُ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى

صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهيم ۱)

قرآن کتاب تحول است، تحول از جهالت به عقلانیت، از کور باطنی به بصیرت و روشن بینی، از شرک به توحید، از کفر به ایمان، از سرکشی به تقوا، از دنیاگرایی به معناطلبی، از ستمگری به عدالت خواهی و... این کتاب اگر به دست مریبان شایسته از زن و مرد قرار گیرد، قدرت شگرف ایجاد تحول در مردم را موجب می شود. مردم را علیه تیرگی های خود می شوراند و برای تغییر و تحول خود، راهبری می کند. دعوت کنندگان به خیر با این کتاب می توانند، اهل مردم را از تیرگی های بینش و گرایش و رفتار خارج کرده، با کانونی از نور بینش و باور و ذائقه های پاک و رفتار شایسته در راهی استوار که ستودگی و پیروزی را به دنبال دارد، قرار می دهد.

حوزه های علمیه با کمک این کتاب بزرگ، توانا می شود تا معجزه ی تحول و تعالی مردم به مؤمنان شایسته عمل و تحصیل زندگی پاک و خوش رایحه دنیا و

عدالت‌گستری در اجتماع را پیگیری کند و کارستان انسان‌سازی را به منصفه ظهور برساند.

قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع اسلام که راهبر و عیار دیگر منابع اسلامی یعنی سنت و عقل و اجماع است، باید کانون فعالیت حوزه‌ها باشد، تا تربیت قرآنی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی رنگ و بوی خدایی پیدا کند: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره / ۱۳۸).

حوزه علمیه از سال‌ها پیش تدریس قرآن را در ساحت‌های روخوانی، تجوید، دیگر مباحث علوم قرآن، آشنایی با مفاهیم، تفسیر ترتیبی و موضوعی پیگیری کرده است. سعی مشکور گذشتگان را ارج می‌نهیم و بر تسهیلی که برنامه‌ریزان حوزه‌ها فراهم کردند، تقدیر و سپاس داریم.

تلاش همه برنامه‌ریزان و مدیران با عیار اثربخشی سنجه می‌شود؛ ظاهراً تا رسیدن به انس پایدار طلاب با قرآن و به تعبیر پروردگار، توان طلاب در محور قرارداد قرآن برای استقامت شخصیت خود و دیگران «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ، لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ»، (تکویر/ ۲۷-۲۸) فاصله وجود دارد. متن حاضر تجربه‌ای نوین به منظور تحقق این هدف بزرگ است. در متن پیش رو، ترکیب آموزه‌های قرائی محتوایی قرآن، تمرکز بر نگاه تربیتی به مباحث قرآنی، پیگیری تحول مردم همگام با نزول سوره‌های قرآن، و بالابردن توان تربیت اعتقادی، اخلاقی، رفتاری قرآن بنیان دانش‌آموختگان مباحث قرآنی حوزه مورد توجه بوده است.

امیدوارم تلاش صورت‌گرفته، مورد توجه طبع دانشور و تعالی طلب استادان درس‌های قرآن و تفسیر و طلاب عزیز قرار گیرد و آثار مورد انتظار از اجرای این روش مؤیدی بردرستی آن باشد. این متن فعلاً به شکل جزوه تقدیم می‌شود تا در بوته آزمایش استادان و طلاب و مدیران قرار گیرد و پس از تدریس و ارزیابی‌های لازم، مراحل تکامل‌یافته آن در قالب کتاب عرضه شود. در اینجا لازم می‌دانم مراتب تشکر خود را از همه عزیزانی که در برنامه‌ریزی و تهیه محتوا و ساختار متن تلاش



کردند، به خصوص حجج اسلام، سید احمد مشرف، محمد صافی، حامد معرفت، اعلام و از پروردگار نازل‌کننده قرآن، اجر و پاداش این عمل نیک را برای ایشان طلب کنم.

عبدالکریم بهجت پور

مدیر گروه قرآن حوزه علمیه خواجه‌رازان

۹۸ / ۶ / ۲۸



معرفی طرح آموزشی جامع قرآن

اهداف و ضرورت‌ها

اثر حاضر، جلد نخست از مجموعه درس‌نامه‌هایی است که برای آموزش جامع قرآن، جهت ارائه در شش نیم‌سال، تدوین شده است.

مخاطبان این طرح علاوه بر کسب مهارت صحیح‌خوانی و زیباخوانی قرآن کریم، با مفاهیم کلی سوره‌ها و ترجمه آیات و اهم نکات تفسیری و محوری سوره و علوم قرآنی مرتبط، آشنا شده و سبک زندگی خود را براساس معارف کاربردی سوره‌ها تغییر می‌دهند.

این طرح از روش آموزشی پیامبر اکرم ﷺ^۱ الهام گرفته و ضمن بازخوانی شیوه‌های رایج آموزش قرآن، بهره‌گیری از نقاط قوت و دوری از آسیب‌های این

۱. در درس پنجم با روش آموزشی پیامبر اکرم ﷺ آشنا خواهیم شد.

شیوه‌ها را مد نظر قرار داده است. در نتیجه شیوه‌ای نوین و کارآمد در آموزش قرآن را پیش‌روی اساتید و فراگیران قرار می‌دهد.

متأسفانه با وجود تجربه شیرین و موفق آموزش پیامبر ﷺ در عصر نزول قرآن که به دستور خدا انجام می‌شد و سال‌ها در جوامع مسلمانان رواج داشت، کم‌کم جلسات قرآن به آسیب‌هایی مبتلا شد که آموزش قرآن را از اهداف خود دور کرد. برخی از این آسیب‌ها که در زمان حاضر نیز قابل مشاهده است عبارت‌اند از:

۱. کم‌رنگ بودن آموزش‌های مهارت‌محور در کلاس‌های قرائت و تجوید و بسنده کردن به آموزش تئوری قواعد و تمرین بر کلماتی از کل قرآن.
۲. عدم توجه به آشنایی مخاطب با ساختار سوره‌ها و مفاهیم کلی واقع در سوره‌های قرآن.

۳. عدم آشنا کردن شاگردان با مفاهیم آیات و کلماتی که قرائت یا حفظ می‌شوند، مخصوصاً در جوامعی که زبان مادری غیر عربی دارند مانند ایران. معلوم است که در این فضا، جایگاهی برای عمل به معارف و دستورات قرآن باقی نمی‌ماند، زیرا شاگرد فقط با الفاظی آشنا می‌شود که معنای آن را نمی‌فهمد.

۴. عدم انس جامعه مسلمانان با قرآن. وقتی فراگیران فقط الفاظی بی‌معنا و غیر قابل استفاده را یاد می‌گیرند، کم‌کم انگیزه ادامه قرائت و انس با قرآن را از دست خواهند داد و حتی پس از رسیدن به مهارت‌های قرائت یا حفظ، از قرائت روزانه و مداوم این کلمات نورانی نیز فاصله خواهند گرفت، زیرا بهره‌ای از آن ندیده و فایده‌ای از آن تجربه نکرده‌اند.

لذا برای رفع مشکلات و آسیب‌های فوق لازم است که با کمک گرفتن از روش آموزش پیامبر ﷺ، جامعه را به سمت قرآن دعوت کرده و تا جایی که توان داریم، جلسات آموزش قرآن در کشور را با این روش هماهنگ کنیم.



اصول حاکم

طراحان و نویسندگان آموزش جامع قرآن، برای رسیدن به اهداف آموزش جامع قرآن، اصول زیر را در هنگام تألیف مد نظر داشته‌اند:

۱. آموزش سوره محور و به روش کلی (در این روش، مطالب آموزشی، هدف گذاری شده و به صورت اقتضایی در ضمن مرور سوره، آموزش داده می‌شود).
۲. توجه به سیر تربیتی مسلمانان توسط پیامبر ﷺ بر اساس نزول تدریجی قرآن
۳. گزینش سوره‌ها و بخش‌هایی از سوره بر اساس معیارهای سه‌گانه: الف. گام تحول و تربیت مؤمنان (مواردی که به پیامبر ﷺ و یا دشمنان ایشان اختصاص دارد، در اولویت حذف قرار گرفته‌اند)؛ ب. غرض سوره؛ ج. معارف ضروری مورد نیاز جامعه هدف (طلاب خواهر سطح ۲).
۴. آموزش جامع سوره (قرائت سوره، شناسه و ساختار سوره، مفاهیم و نکات تفسیری گزینش شده سوره و علوم قرآنی مرتبط).
۵. توجه به تمامی اهداف و حیطه‌های آموزشی: شناختی (افزایش دانش و معرفت) روانی - حرکتی (ایجاد مهارت) عاطفی (ایجاد انگیزش برای تغییر رویکرد).
۶. انتخاب رسم الخط مصری به عنوان رسم الخط مبنای آموزش.^۱
۷. آموزش قرائت سوره به روش «إقراء» (استماع، همخوانی با قرائت الگو و در نهایت قرائت صحیح و فصیح سوره برای استاد).^۲

۱. انتخاب این رسم الخط، به جهت رواج آن در جهان اسلام است. در ایران نیز بیشتر قرآن‌های چاپ شده در سال‌های اخیر با خط عثمان طه بوده که بر اساس همین رسم الخط نگارش شده است.

۲. توضیح روش «إقراء» در درس پنجم خواهد آمد.



۸. تأکید بر آموزش مهارت محور (تمرین، پرخوانی و پرهیز از افراط در قاعده‌گویی).
۹. توصیه و تشویق به حفظ آیات و سوره‌های گزینش شده به روش کلی (با کثرت تکرار و قرائت مستمر برای حفظ).
۱۰. تأکید بر آموزش معرفت محور (توجه به مفاهیم و معارف سوره و عدم اکتفا به قرائت).
۱۱. تأکید بر آموزش تربیت محور (تلاش برای تبدیل آموزه‌های قرآنی به سبک زندگی) با تأکید بر جامعه هدف.
۱۲. پرهیز از انعکاس مباحث پیچیده نظری و اختلافات علمی و بسنده کردن به عرضه نتایج، با عبارات روان، استوار و دقیق و هماهنگ با نیاز جامعه هدف.
۱۳. تأکید بر بازگویی مطالب از منابع معتبر و پرهیز از مطالب ذوقی و بدون پشتوانه.



آشنایی با بخش‌های کتاب

هر درس شامل دو بخش است که آموزش مطالب مربوط به هر سوره در این دو بخش ارائه می‌شود:

یک. آموزش قرائت

اساس آموزش قرائت در این طرح، مبتنی بر استماع مکرر و هم‌نوایی با قرائت الگو است، تا فراگیران در اثر تکرار شنیدن و همخوانی، روش صحیح قرائت این آیات را فرا بگیرند.^۱ این بخش در قالب قسمت‌های زیر ارائه شده است:

الف. متن آیات منتخب سوره با رسم‌الخط معیار و تشابه حداکثری با صفحه‌بندی قرآن

هدف از این کار، یکسان‌سازی رسم‌الخط برای تمام فراگیران و بی‌نیازی ایشان از تهیه مصحف در کلاس بوده است.

ب. قرائت سوره

در این قسمت با ارجاع فراگیران به فایل صوتی قرائت الگو به وسیله پرسشی که در ابتدای جلسه مطرح می‌شود، گوش آن‌ها را نسبت به نکته مورد نظر حساس کرده و در ادامه با بیانی ساده، روان و کاربردی و به‌دور از اصطلاحات فنی، نکته درس بیان می‌شود. باید توجه داشت، انتخاب نکته مهارتی بیان شده در این بخش، متناسب با کلماتی است که در سوره به کار رفته است؛ در نتیجه با ترتیب مطالبی که در کتاب‌های مرسوم آموزش قرائت بیان شده متفاوت است.

ضمناً در برخی از درس‌ها، برای آشنایی با شیوه‌های حفظ قرآن نیز مطالبی بیان شده است.

۱. این شیوه را اصطلاحاً «اِقراء» می‌نامیم که در درس پنجم توضیح داده خواهد شد.

ج. مهارت افزایی

برای رسیدن به مهارت قرائت، تکرار و تمرین امری ضروری است. در این قسمت تلاش شده است با تمرکز بر قرائت سوره فعلی یا سوره های قبلی، حتی المقدور از کلمات و عبارات سوره هایی که هنوز تدریس نشده استفاده نشود.

دو. آموزش مفاهیم

همان گونه که گذشت یکی از اصول حاکم بر آموزش جامع قرآن کریم، آموزش جامع سوره و توجه به ابعاد مختلف آن است. این مهم با آموزش قسمت های زیر محقق خواهد شد:

الف. آشنایی با سوره

در این بخش، به صورت مختصر و اجمالی با ویژگی های ظاهری و درونی سوره آشنا خواهیم شد:

۱. شناسه سوره

این قسمت در جدولی ارائه شده که شامل: نام سوره، وجه تسمیه، مکی و مدنی، آیات استثنایی، شماره سوره در ترتیب نزول و مصحف و تعداد آیات آن می شود.

۲. غرض سوره

با بیان هدفی که خدای حکیم از نزول سوره در پی تحقق آن بوده است، می توان تمام معارف سوره را در راستای آن هماهنگ کرد. توجه به این غرض در فهم درست مفاهیم سوره بسیار حیاتی است.

۳. گزارش محتوای سوره

برای تحقق غرض الهی از نزول سوره، این آیات نورانی در قالب بخش ها و قسمت های مختلفی نازل شده است. با یک نگاه اجمالی می توان به مجموعه معارف سوره به صورت اجمالی مسلط شد و ارتباطش را با غرض سوره به خوبی فهمید.



۴. ارتباط سوره

در این قسمت به ارتباط سوره با سوره‌های قبل، اشاره می‌شود. توجه به این ارتباط، ما را در فهم بهتر سوره یاری خواهد کرد.

۵. سبب نزول و فضیلت سوره

به دلیل این‌که روایات مربوط به این دو موضوع معمولاً دارای اسناد ضعیفی هستند، در اکثر سوره‌ها مطرح نشده‌است. اما در برخی سوره‌ها (مانند مزمل و حمد) در حد نیاز مطالبی ارائه شده‌است.

ب. در محضر آیات سوره

در این قسمت ترجمه آیات قرائت شده به صورت جمله‌ای و بر اساس ترجمه استاد رضایی اصفهانی و همکاران با تغییراتی اندک ارائه شده‌است. تأکید این قسمت بر آموزش واژه‌های آیات است. از آن‌جا که معنای اکثر واژه‌ها با توجه به ترجمه واضح می‌شود، تنها در موارد نیاز، توضیحاتی در پاورقی مطرح شده و یا به ریشه‌یابی و ساختارشناسی آن پرداخته شده‌است.

ج. درسی از سوره

این قسمت به بیان نکات تفسیری مهم و کلیدی سوره اختصاص یافته‌است.

د. بیشتر بدانیم

برخی از مطالب مورد نیاز و کاربردی که پس از فهم محتوای آیات، مطرح می‌شود (فرا تفسیر) با این عنوان ارائه شده‌است.

ج. آموزه‌های زندگی

از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین اهداف این طرح، تبدیل معارف سوره به سبک زندگی است، در قسمت پایانی درس با طرح سؤالاتی چند، تلاش شده‌است ذهن فراگیران به دنبال کاربردی کردن آموزه‌هایی باشد که از سوره آموخته‌اند.



و. مباحثی از علوم قرآن در پنج درس ابتدای جلد نخست، مطالبی از علوم قرآن که برای ورود به فضای آموزش و انس با قرآن نیاز است ارائه شده است. ضمن این که در درس های بعدی نیز، به تناسب مطالب سوره، مباحثی از علوم قرآن مطرح شده است.

فوائد و نتایج مورد انتظار

در صورت اجرای دقیق طرح آموزش جامع قرآن امید می رود نتایج زیر به دست آید:

۱. کسب مهارت قابل قبول در قرائت صحیح و فصیح قرآن به دلایل زیر:
 - یک. تدریج در آموزش
 - دو. استماع مکرر فایل صوتی استاد معیار
 - سه. تکرار و تمرین زیاد بر متنی محدود (آیاتی مشخص از سوره در هر جلسه)
 - چهار. مداومت تکرار و تمرین قرائت در طول ۶ نیم سال
 - پنج. تاکید بر پرخوانی و به حداقل رساندن آموزش قواعد ثنوری شش. حفظ شدن برخی آیات سوره ها بر اثر تکرار فراوان آن ها
۲. تسلط بر قرائت صحیح و فصیح نماز و توجه ویژه به این امر (مخصوصا در نیم سال اول)
۳. آشنایی با معنای عمده واژگان آیات قرآن در طول این طرح
۴. آموزش عمیق تر لغات قرآن و ترجمه آیات، بدلیل همزمانی با تکرار زیاد این آیات در بخش قرائت
۵. انس بیشتر با سوره های قرآن بدلیل همراهی قرائت و ترجمه و نکات تفسیری و آشنایی مختصر و عمومی با متن و موضوعات مطرح شده در سوره
۶. تسلط بر معارف بسیاری از سوره های قرآن در سطح مختصر و فهم عمومی



۷. افزایش علاقه به قرآن پس از درک حلاوت فهم منسجم معارف سوره
۸. ایجاد انگیزه بیشتر برای به کار بستن معارف قرآن در زندگی پس از آشنایی با نکات کاربردی آیات منتخب
۹. قرار گرفتن در فضای تربیتی گام به گام سوره‌ها مطابق با سیر نزول تدریجی قرآن

سخنی با اساتید

محتوای کتاب برای چهل و پنج جلسه آموزشی تدوین شده است. زمان هر جلسه درسی، پنجاه دقیقه است که آموزش هر درس در دو بخش ارائه می‌شود:

بخش اول: قرائت سوره

در آموزش قرائت رعایت نکات ذیل مورد انتظار است:

۱. اختصاص بخشی از زمان کلاس در پنج درس نخست، به ارزشیابی تشخیصی از سطح قرائت طلاب

۲. اختصاص نیمه نخست زمان کلاس به آموزش قرائت در بقیه درس‌ها لازم به ذکر است که هر دو بخش قرائت و مفاهیم، از ارزش یکسانی برخوردار بوده و نبایستی از زمان یک بخش به نفع دیگری استفاده شود.

۳. فرایند سه مرحله‌ای آموزش قرائت:

(الف) استماع قرائت الگو، جهت دریافت نکات آموزشی،

(ب) فراگیری نکات آموزشی با راهنمایی استاد و مشارکت فراگیران،

(ج) تمرین و تکرار، جهت کسب مهارت نکات آموزش داده شده.

۴. تشویق طلاب به حفظ سوره یا آیات منتخب و ارائه برنامه حفظ (در این روش با توجه به تکرار زیاد آیات سوره، با کمی همت و تمرین بیشتر، می‌توان این آیات را به آسانی در حافظه نگاه داشت.)

۵. تشویق طلاب برای قرائت و مطالعه ترجمه و مفاهیم سوره‌هایی که به دلیل کمبود وقت، حذف یا تقطیع شده‌اند. در صورت امکان تشکیل کلاس فوق برنامه نیز توصیه می‌شود.

بخش دوم: مفاهیم سوره

در آموزش مفاهیم رعایت نکات زیر مورد انتظار است:

۱. رعایت تمام تذکرات مهارتی که در کارگاه مهارت‌های بیان تفسیر بیان شد.
۲. تنظیم وقت با توجه به تفاوت حجم مطالب در درس‌های مختلف
۳. تأکید بر فراگیری ترجمه تمام آیات بخش مورد نظر توسط فراگیران
۴. عدم ورود به اختلافات مفسران در بخش تفسیر و فراتفسیر
۵. توجه ویژه به بخش آموزه‌های زندگی و اختصاص حداقل ۵ دقیقه به آن در

انتتهای کلاس

ارزشیابی

طرح به گونه ای تنظیم شده است که با مدیریت استاد و مشارکت منظم و فعال طلاب، اهداف آموزشی به صورت طبیعی، در ذهن و جان طلاب نقش خواهد بست. به گونه ای که حتی اگر آزمونی هم برگزار نشود، بسیاری از اهداف آموزشی طرح محقق خواهد شد. بنابراین اجرای منظم و مدیریت شده فرایند آموزشی و مشارکت دادن طلاب در طول ترم مورد تأکید است و از محور قرار دادن آزمون پایانی احتراز شود.

برای تحقق این اهداف توجه به نکات زیر مورد تأکید است:

۱. ملاک اصلی در برگزاری آزمون قرائت، آزمون شفاهی است، که در چند نوبت در طول ترم انجام می‌شود. (ریز نمرات هر آزمون در آیین نامه آموزشی آمده است).
۲. بخش اندکی از نمره قرائت به سوالات کتبی پایانی اختصاص داده شود تا آموخته‌های نظری طلاب نیز سنجیده شود.
۳. حداکثر ۲ نمره تشویقی برای حفظ آیات سوره در نظر گرفته و از ابتدای ترم به فراگیران اعلام شود.
۴. سوالات تفسیر به گونه ای سامان یابد که مشخص کند آیا طلبه توانسته



است با سوره ارتباط برقرار کرده و از آن درس گرفته باشد یا خیر. بنابراین، از سؤالات جزئی حتی المقدور اجتناب شود.

۵. در طراحی سولات از همه قسمت‌ها، به جز آموزه‌های زندگی، سوال طرح شود، اما تاکید اصلی بر قسمت «درسی از سوره» باشد.

۶. بخشی از نمره تفسیر نیز باید به فعالیت‌های کلاسی، به ویژه مشارکت فعال در بخش آموزه‌های زندگی، اختصاص یابد.

سخنی با فراگیران

از آن جا که قرآن کتاب هدایت است و تربیت انسان و رشد و تعالی او در سایه انس با قرآن شکل می‌گیرد؛ پس یادگیری قرآن و آموزش و ترویج قرآن از وظایف همه مسلمانان به ویژه طلاب علوم دینی است. خدا را شاکریم که به ما و شما توفیق داد که بر سفره قرآن نشسته و برای رسیدن به بهترین جایگاه‌ها طبق فرموده رسول اکرم ﷺ تلاش کنیم: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد».^۱

در این طرح بنا داریم به سطح بالایی از مهارت قرائت و فهم آیات قرآن دست یافته تا زمینه برای تدریس آن به همین شیوه برای ما فراهم گردد. برای دستیابی به این هدف، یکی از مهم‌ترین ارکان مشارکت شایسته فراگیران است. این مهم با حضور منظم در کلاس و جلسه درس قرآن و استماع دقیق قرائت الگو و تکرار و تمرین و مطالعه مباحث تفسیری بر اساس راهنمایی استاد میسر می‌شود. ضمن این که توجه به این توصیه‌ها برای رسیدن آسان‌تر به درجات بالای مهارت ضروری است:

الف. قرائت

۱. برای رسیدن به بهترین سطح از مهارت قرائت، بهتر است علاوه بر تمرین در کلاس، زمان دیگری را نیز به صورت روزانه برای تمرین در خارج از کلاس در نظر گرفت.

۲. از آن جا که بر اثر تکرار زیاد آیات سوره، حفظ آیات ساده و دست‌یافتنی می‌شود، بطوری که با کمی همت و تمرین بیشتر، می‌توان این آیات را برای مدت بیشتری در حافظه نگاه داشت؛ بنابراین توصیه می‌شود با اختصاص زمانی مناسب به حفظ سوره‌ها و حداقل آیات کلیدی آن‌ها تحت نظارت استاد همت گمارید.

۱. «خیرکم من تعلم القرآن و علمه» امالی، شیخ طوسی، ص ۳۵۷، دار الثقافة، ۱۴۱۴.



۳. به دلیل زمان محدود کلاس، ناگزیر از حذف یا تقطیع برخی سوره‌ها شدیم، اما توصیه می‌شود طلاب محترم در زمانی خارج از کلاس نسبت به قرائت و مطالعه مفاهیم آن سوره‌ها اهتمام داشته تا از مهارت‌های مرتبط و مفاهیم متعالی آن محروم نگردند.

ب. آشنایی با سوره

غرض و گزارش محتوای سوره مهم‌ترین مباحث این بخش است که در صورت مرور آیات با توجه به آن، فهم منسجم و ساختارمندی از سوره به دست می‌یابد.

ج. ترجمه

توصیه می‌شود در فراگیری ترجمه، ضمن دقت به معادل فارسی واژه‌های مهم، تلاش کنید آن‌ها را در قالب جمله به خاطر بسپارید. در این صورت حفظ ترجمه آسان‌تر و ماندگارتر می‌شود.

د. درسی از سوره، بیشتر بدانیم و علوم قرآن

بدیهی است که به دلیل فرصت اندک، مجبور به انتخاب مهم‌ترین و کلیدی‌ترین معارف سوره‌های قرآن شدیم. اما برای علاقمندان به فهم معارف کلام الهی، مراجعه به منابع معرفی شده در انتهای مقدمه راه‌گشاست.

ه. آموزه‌های زندگی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های درس است که به کاربردی کردن آموزه‌های سوره اختصاص دارد. با عنایت ویژه به این بخش، علاوه بر زمانی که در کلاس به آن اختصاص می‌دهید، تلاش کنید تا این معارف در خانواده و اطرافیان شما نیز ترویج شده تا شما نیز قدمی در گسترش این آموزه‌ها در سطح جامعه بردارید.

منابع مورد استفاده در نگارش این درس نامه

در نگارش این درسنامه، از منابع متنوع و معتبری استفاده شده است و به جهت آموزشی بودن، به جز در موارد ضروری، از ذکر آدرس منابع اجتناب شده است. خوانندگان محترم در صورت نیازی توانند به منابع مربوطه مراجعه فرمایند. در ادامه به اهم منابع استفاده شده در هر بخش اشاره می شود:

بخش قرائت: حلیة القرآن (سید محسن موسوی بلده)، آموزش روان خوانی و تجوید (علی حبیبی، محمدرضا شهیدی پور)، پژوهشی در علم تجوید (ابوالفضل علامی)، آموزش روخوانی (سید مهدی سیف)، آموزش قرائت قرآن (علی قاسمی) رسم المصحف و ضبط المصحف (مرکز طبع و نشر قرآن کریم)، پژوهشی در رسم المصحف و شیوه های علامت گذاری قرآن (حسن تفکری)، درس نامه ضبط المصحف (ابوالفضل علامی)، تهذیب القرائة (ابوالفضل پورفرزب)، قواعد وقف و ابتدا (محمدرضا شهیدی پور) و ...

بخش لغات: العین (فراهیدی)، معجم مقاییس اللغه (ابن فارس)، لسان العرب (ابن منظور)، مفردات (راغب اصفهانی) و التحقیق (مصطفوی) و ...

بخش تفسیر: جامع البیان (ابن جریر طبری)، مجمع البیان (طبرسی)، المیزان (علامه طباطبایی)، نمونه (آیه الله مکارم شیرازی)، التحریر و التنویر (ابن عاشور) و همگام با وحی (عبدالکریم بهجت پور) و ...

بخش علوم قرآن: الاتقان (سیوطی)، البیان (آیه الله خویی)، مناهل العرفان (زرقانی)، التمهید (آیه الله معرفت)، علوم قرآنی (آیه الله معرفت)، تفسیر تنزیلی (عبدالکریم بهجت پور)، و آشنایی با قرآن (علیرضا محمدی فرد) و ...



هدف از نزول قرآن

در این درس با کلیاتی پیرامون هدف از نزول قرآن و نیز چگونگی تحقق آن آشنا خواهیم شد.

هدف پروردگار عالم از نزول قرآن چیست؟

انسان با اندک توجهی به ندای درون خود درمی یابد که خواهان رفع نقص های خود، و استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت های درونی خویش و نیز نعمت های هستی است. رهایی از «شقاوت»، رسیدن به «سعادت» و کسب «کمال»، از مفاهیمی است که اشاره به همین خواسته های درونی بشر دارد.

تمام تلاش های علمی، صنعتی، تجاری، هنری، برقراری ارتباطات، خانوادگی، اجتماعی، تشکیل دولت ها و ارتباط ملت ها در تاریخ بشر محصول همین خواست های ذاتی و طبیعی بشر است. حتی انتخاب الهه، پرستش آن ها و گرایش به آئین ها، اعم از راستین و دروغین، برآمده از همین ندای درونی است. **دین الهی** نیز پاسخی از جانب پروردگار هستی، به این ندای فطری بشر است.

خدای متعال از زبان فطرت انسان در سوره حمد (نزول ۵)، آیه ۶، تقاضای هدایت به راه استواری را مطرح می کند که از هرگونه کژی خالی است: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». سپس در سوره تکویر (نزول ۷)، آیات ۲۶ تا ۲۸ بیان می کند: اگر می خواهید در راه مستقیم باشید به سراغ قرآن بیایید؛ زیرا جای دیگری برای تأمین نیاز کمال طلبی شما وجود ندارد: «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ* إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ* لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ»؛ پس به کجا می روید؟ قرآن جز یادکردی به سود جهانیان نیست. برای هر که از شما که بخواهد شخصیتی پابرجا و استوار داشته باشد. خدای سبحان قرآن کریم را در آیات فراوانی، کتاب هدایت معرفی کرده

است؛ از جمله در اولین سوره مدنی، بقره (نزل ۷۸)، آیه ۱۸۵ می‌خوانیم: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»؛ ماه رمضان همان ماه است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است، تا راهنمایی کننده مردم و دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل باشد. خلاصه آن که هدف قرآن، هدایت انسان در مسیری است که به «فلاح» (رهایی از وضعیت فعلی نامطلوب) و «فوز» (رسیدن به وضعیت آرمانی مطلوب) منتهی می‌شود.

روش قرآن در هدایت بشر چگونه بوده است؟

قرآن، گرچه دانش بشر را افزایش می‌دهد، اما هدف قرآن محدود به آموزش و تعلیم نیست، بلکه همگام با افزودن دانش مخاطبان، بر تغییر و تحول عملی آنان و اصلاح خواست‌ها و علایقشان اقدام کرده است. حتی می‌توان گفت: قرآن بیش از دانش‌افزایی بر تهذیب و تربیت انسان تا رساندن او به مدارج والای کمال تأکید دارد و دانش‌افزایی را برای به بار نشستن تهذیب و تربیت انسان به کار گرفته است.

خدای متعال از پیامبر خود نمی‌خواهد که صرفاً راه را به مردم نشان دهد، بلکه در پی آن است که او به مدد قرآن مردم را حرکت دهد تا از تاریکی‌ها خارج و به کانون نور وارد شوند: «الرَّكِبَاتُ أُنزِلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ الف، لام، راء. کتابی است که آن را به سوی توفیر آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارش از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری، به سوی راه آن شکست‌ناپذیر ستوده.» (ابراهیم: ۱)

کوتاه سخن آن که روش قرآن برای فلاح و فوز بشر، تربیت و تزکیه عملی مخاطبان، با اتکا بردانش و آگاهی است.

آیا قرآن به تنهایی برای تحقق هدایت بشر کافی است؟

نکته مهمی که از تربیت‌مداری قرآن می‌توان نتیجه گرفت، لزوم همراهی قرآن با



پیامبر ﷺ است؛ زیرا، عرضه کتاب به تنهایی، برای تربیت مخاطبان کافی نبوده و مادامی که یک مربی توان مند در کنار قرآن نباشد، هدف تربیتی قرآن محقق نخواهد شد. از این روست که در آیه فوق (ابراهیم: ۱)، خارج ساختن مردم از ظلمات به سمت نور، نه به قرآن، بلکه به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است که با استفاده از قرآن، این مهم را به انجام رساند. یعنی فلاح و فوز ما انسانها، مشروط به دو امر است: نخست وجود قرآن، دوم وجود پیامبری در کنار قرآن.

بدیهی است، پس از رحلت پیامبر ﷺ، لزوم همراهی قرآن با مربی توان مند، از بین نرفته و این خود دلیلی متقن، بر لزوم همراهی قرآن با اهل بیت عصمت و طهارت است که پیامبر ﷺ در حدیث ثقلین بدان تأکید فرموده‌اند.



چگونگی نزول قرآن

در این درس با نحوه و مراحل نزول قرآن و چرایی آن آشنا خواهیم شد.

چرا قرآن به صورت تدریجی نازل شد؟

میدانیم که قرآن در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم ﷺ به تدریج برایشان فرو می‌آمد و ایشان بر مردم می‌خواندند.^۱

قرآن برای نزول تدریجی دو حکمت اساسی را برشمرده است:

۱. تقویت قلب پیامبر ﷺ: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً وَكَسَانِي أَنْ كَافِرٌ شَدِيدٌ فِي الْكُفْرِ يَكْفُرُ أَنْ هَمٌّ مَرْءٍ مَا كَفَرُوا وَأَنْ كَذِبٌ أُولُؤُنْجُوتٍ يُكْتَبُ فِي السِّمِّاتِ أَنْ يَسْمَعُوا آيَاتِ اللَّهِ أَنْزِلْنَآهَا وَأَنْ يَتَذَكَّرَ أَلْفٌ مِمَّنْ لَا يُلْمُونَ رَبَّهُمْ أَحَدًا» (سوره انفجار، آیه ۱۰۰-۱۰۳).
 یک باره فرو فرستاده نشد؟ این چنین فرو فرستادیم تا دل تو را بدان استوار و آرام گردانیم و از این روان را جدا جدا (برخی از پی برخی دیگر) و به آهستگی برخواندیم».^۲

پیامبر اکرم ﷺ رسالت خود را در جامعه‌ای مشرک و جاهل آغاز کرد. وی مردم را نسبت به وضعیت نابسامان خویش هشدار داده و به بندگی خالصانه خدای یگانه دعوت نمود و ایشان را مورد تهنیت و تعظیم قرار داد. طبیعی بود که در این مسیر، با انواع مقاومت‌ها، شبهه‌پراکنی‌ها، تهمت‌ها و تهدیدها مواجه شود که گاه چالش‌ها و بحران‌های بزرگی را رقم می‌زد. خدای متعال با نزول تدریجی قرآن،

۱. گفته می‌شود: قرآن علاوه بر نزول تدریجی، یک نزول دفعی (یک جا) نیز داشته است که ذیل آیه نخست سوره

مبارکه قدر توضیحش خواهد آمد.

۲. سوره فرقان، آیه ۳۲.



حضرت را در هر یک از موارد پیش آمده راهبری می‌کرد. بدین ترتیب، پیامبر ﷺ می‌توانست با قلبی آرام و قدمی استوار، مشکلات پیش رو را مدیریت نماید.

۲. تاثیر گذاری بیشتر بر مردم: وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ؛ یعنی: و قرآن را جدا جدا فرستادیم تا آن را بر مردم با درنگ بخوانی.

خواندن قرآن همراه با درنگ، فواید تربیتی بسیاری دارد و جان مردم را برای پیرایش، پالایش و پذیرفتن باورها و اخلاقیات و رفتار مطلوب قرآن آماده می‌کند.^۲ به گفته علامه طباطبایی: نزول قرآن بند بند و سوره سوره و آیه آیه صورت گرفت تا استعداد مردم در دریافت معارف اصلی و اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن تمامیت یابد و طبع بشر از گرفتن معارف و احکام آن سرباز نزند و معارفش را یکی پس از دیگری درک نمایند.^۳

به عبارت دیگر، تربیت امری تدریجی و گام به گام است، به همین دلیل، قرآن در مقاطع مختلف زمانی و متناسب با شرایط، پیش آمده‌ها و پرسش‌ها، به صورت بخش بخش و در قالب سوره‌ها و آیات بر مردم خوانده شد.

تقسیم سوره‌ها به مکی و مدنی به چه معناست؟

از آنجا که دوران رسالت پیامبر ﷺ، به دو بخش کلی پیش از هجرت (در مکه به مدت سیزده سال)، و پس از هجرت (در مدینه به مدت ده سال) تقسیم می‌شود، سوره‌های نازل شده در دوران نخست را مکی و سوره‌های نازل شده در دوره دوم را مدنی نامیده‌اند.

بنابر روایات مشهور در ترتیب نزول، ۸۶ سوره (از علق تا مطففین) پیش از هجرت نازل شده و مکی به شمار رفته و ۲۸ سوره (از بقره تا توبه) پس از هجرت نازل شده و مدنی به حساب می‌آیند.

۱. سوره اسراء، آیه ۱۰۶.

۲. ر.ک: مهارت‌های بیان تفسیر، عبدالکریم بهجت‌پور، ص ۱۲۶، ۱۳۰.

۳. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱۳، ص ۲۲۰.



سوره‌های مکی و مدنی از لحاظ محتوایی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

با توجه به تفاوت شرایط، محتوای سوره‌های مکی و مدنی، تفاوت‌هایی پیدا کرده است:

دوران مکه: این دوران، شرایط حرکت آغازین اسلامی را داشت که همراه با تنش‌های بسیار سخت میان مشرکان قدرتمند مکه با پیامبر ﷺ و مومنان بود. در این دوره، هشتاد و شش سوره نازل شد که محتوای آن‌ها غالباً بر مدار امور ذیل سامان یافته است:

از نظر اعتقادی:

- ❖ توحید ربوبی و عبودی،
- ❖ مسئولیت انسان در برابر خدا،
- ❖ هشدار به انسانها در مورد عاقبت ایشان
- ❖ رستاخیز و محاسبه‌ی اعمال،
- ❖ دعوت به ایمان آوردن به قرآن و رسول خدا،
- ❖ به چالش کشیدن اندیشه و اعتقادات مشرکان در زمینه‌های فوق

از نظر رفتاری:

- ❖ تأکید بر اخلاق و رفتارهای انسانی، مانند یتیم‌نوازی و سیر کردن گرسنگان.
 - ❖ انتقاد شدید نسبت به اعمال غیرانسانی و جاهلانیه‌ی مشرکان، مانند زنده به گور کردن دختران.
 - ❖ فاصله دادن جمعیت موحد از جامعه شرک
 - ❖ دعوت به عبادت خالصانه در بارگاه پروردگار عالم، به ویژه نماز
- نتیجه این اقدامات، تربیت افراد پرهیزگاری بود که مطابق آیات نخست سوره بقره (اولین سوره مدنی)، مزین به شش ویژگی برجسته شده بودند: ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، ایمان به وحی‌های نازل شده بر پیامبر اسلام ﷺ و پیامبران پیشین و یقین به آخرت.



دوران مدینه: پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه، و در ده سال باقی مانده از رسالت ایشان، فرصتی فراهم شد تا حضرت با کمک پرهیزگاران که در مکه تربیت شده بودند، و همراهی تازه مسلمانان مدینه، جامعه‌ی ایمانی را بنا گذارده و نهادهای دینی را در جامعه مستقر نماید. محور اصلی سوره‌های مدنی امور ذیل بوده است:

از نظر اعتقادی:

❖ تقویت اعتقادی پرهیزگاران و رفع شبهات پیرامون اعتقادات مطرح شده در مکه

❖ تاکید بر ولایت مداری و بقای بر میثاقها.

❖ تأکید بر جایگاه پیامبر ﷺ به عنوان رهبر جامعه

❖ هشدار نسبت به وادادگی فکری در برابر جریان‌های دینی مخالف، مثل اهل کتاب و بروز پدیده نفاق.

از حیث رفتاری:

❖ تاکید بر نماز، در هویتی جمعی و اجتماعی با محوریت مساجد.

❖ تشریح جهاد و تدوین برنامه‌ی دفاعی مسلمانان.

❖ تأسیس نهادهای مالی اسلامی مانند زکات و انفال و خمس و غنائم، و نیز ترغیب مردم به جهاد مالی برای تقویت دولت اسلامی.

❖ تشریح قوانین حقوقی مربوط به نظم اجتماعی مسلمانان.

❖ تشریح قوانین حقوقی مربوط به روابط خارجی.

❖ تشریح قوانین خانواده و زنان.

❖ بیان بسیاری از احکام عبادات و معاملات.

شناخت سوره‌های مکی و مدنی چه فایده‌ای دارد؟

شناخت سوره‌های مکی و مدنی در فهم دقیق تر عبارت قرآنی، دفع شبهات، و نیز شناخت فرایند طرح آموزه‌های قرآن، تاثیر گذار است.

به عنوان نمونه، گفته شده کافران - علاوه بر فساد عقیده - بابت عدم انجام فریضی چون زکات نیز مورد نکوهش قرار گرفته اند؛ آنجا که خدای متعال در آیه ۷ سوره فصلت مشرکان را به دلیل انجام ندادن فریضه زکات مورد سرزنش قرار داده است: «الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»، غافل از این که سوره فصلت مکی و فریضه زکات در مدینه تشریح شده است. یعنی هنگام نزول آیه یاد شده، زکات حتی بر مسلمانان هم واجب نبوده است؛ پس چگونه مشرکان را مورد عتاب قرار می‌دهد؟ بنابراین، مقصود از زکات در این جا پرداخت صدقات عادی بوده است که امری وجدانی و فطری است و همه انسانها اعم از کافرو مسلمان بر نیکویی آن اتفاق نظر دارند.^۱

نمونه بارز دیگری که اهمیت شناخت مکی و مدنی را نشان می‌دهد، سوره «دهر» است. عبدالله بن زبیر و تابعان فکری او، که به مقام و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام، رشک می‌بردند و از ایشان کینه داشتند، در تلاش نافرجامی، سعی کردند این سوره را مکی بشمرند تا بتوانند آیات مربوط به اطعام مسکین، یتیم و اسیر را که در خانه‌ی مولی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و در مدینه اتفاق افتاد، تحریف کرده و ادعا کنند که این آیات درباره‌ی فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام وارد نشده است. در پاسخ به این کینه‌توزی، مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان، در مقدمه‌ی سوره‌ی «دهر»، روایات فراوانی از ترتیب نزول سوره‌ها را گردآوری کرده، تا روشن کند بی‌هیچ تردیدی این سوره در مدینه نازل شده است؛ در نتیجه سبب نزولی که برای آیات پنجم تا بیست و دوم سوره وارد شده، قطعی و درست است.^۲

۱. رک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۶۱ و معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۹.

۲. رک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۶۱۴.



شناخت ترتیب نزول سوره‌ها چه فایده‌ای دارد؟

شناخت جزئی و دقیق ترتیب نزولی سوره‌ها در دو دوره مکه و مدینه باعث می‌شود فواید ذکر شده برای شناخت مکی و مدنی افزایش یابد؛ زیرا شرایط نزول قرآن در طول دوره ۱۳ ساله مکه یا ۱۰ ساله مدینه ثابت نبوده؛ بلکه همه روزه در حال تغییر و دگرگونی بوده است. در نتیجه به صرف شناخت مکی یا مدنی بودن سوره، نمی‌توان از همه فواید مطرح شده برای مکی یا مدنی بودن، بهره برد.

به عنوان نمونه می‌توان گفت یکی از فواید مهم توجه به ترتیب نزول، فهم روابط بین آموزه‌های مطرح شده در سوره‌هاست. زیرا به طور طبیعی، معارف مطرح شده در هر سوره، بر مبنای معارف پیش گفته در سوره‌های قبل سامان یافته و خود زیر بنایی برای معارفی خواهد بود که در سوره‌های بعد بدان اشاره خواهد شد.

به عنوان مثال، خدای متعال در سوره عصر، شرط نجات انسان از خسران را ایمان، عمل صالح، توصیه همگانی به حق و صبر معرفی کرده است. سوال این است که مراد از ایمان در این سوره کدام مرتبه از ایمان است؟

برای پاسخ به این سوال کفایت به ترتیب نزول سوره‌ها دقت نماییم. از آنجا که سوره عصر (نزول ۱۳)، جزء اولین سوره‌های نازل شده می‌باشد، طبیعتاً آنچه مردم را بدان فراخوانده، مراتب اولیه ایمان است که در سوره‌های دوازده‌گانه پیشین مطرح شده بود. این مقدار از ایمان، برای شروع کار کافی بوده و شرط حداقلی برای نجات انسان از خسران است. در عین حال از آنجایی که در سوره‌های بعدی، مراتب کاملتری از ایمان مطرح شده است، می‌توان نتیجه گرفت که هر چه درجه ایمان بالاتر باشد، فاصله انسان از خسران بیشتر شده و به فوز و سعادت نزدیک‌تری می‌گردد.



مراحل چهارگانه تحول اسلامی و رابطه آن با قرآن

در این درس با مراحل نهضت اسلامی به رهبری پیامبر ﷺ، آشنا شده و به تناسب این مراحل با سیر نزولی آیات قرآن اشاره خواهیم نمود.

تربیت و رشد مسلمانان در قرآن طی چه مراحل طی به انجام رسیده است؟

خدای متعال در سوره فتح (نزول ۱۱۲) آیه ۲۹ به مراحل رشد جامعه ایمانی اشاره کرده است: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ... كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ». محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند... همانند زراعتی که جوانه اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرد و محکم ساخت، پس بر ساقه های خود راست قرار گیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند؛ تا کافران را بخاطر آنان به خشم آورد! این آیه روشن می کند رشد و تکامل اجتماع ایمانی در چهار مرحله به انجام رسیده است:

مرحله اول: شکل گیری نامحسوس هسته رهبری (كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ)

مرحله دوم: شکل گیری علنی جنبش اسلامی (فَآزَرَهُ)

مرحله سوم: شکل گیری جامعه اسلامی (فَاسْتَغْلَظَ)

مرحله چهارم: تشکیل امت اسلامی (فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ)

مرحله اول (شکل گیری نامحسوس هسته رهبری) چگونه رقم خورد؟

در این مرحله، که آغاز دعوت اسلامی به شمار می رود، تعداد گرویدگان به پیامبر ﷺ اندک بود. این اندک مؤمنان با تشکیل گروهی بر گرد حضرت، مشغول خودسازی و سازماندهی خویش بودند. از آنجا که مومنان در این شرایط، در برابر مخاطرات جامعه جاهلی و رهبران جنایت کار آن، یارای مقاومت نداشتند، به توصیه پیامبر ﷺ ایمان خود را پنهان کرده و به صورت مخفیانه به فعالیت خویش

ادامه می‌دادند و تنها پیامبر ﷺ بود که به صورت علنی از دین و آیین جدید خویش سخن می‌گفت.

این پنهان کاری مؤمنان ادامه داشت تا آن که با نزول آیه ۹۴ سوره حجر (نزول ۵۴) پیامبر ﷺ مأمور به دو قطبی کردن اجتماع مکی می‌شود و از این جا به بعد مؤمنان، آشکارا به ابراز ایمان می‌پرداختند: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»، پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب». ریشه‌ی «صَدَع» به معنی قطع و بریدن و ایجاد شکاف در چیز محکم یا مهم است. مانند شکاف و جدایی و فاصله‌ی بخشی از دیوار از بخش دیگر آن یا هرچیز سخت و محکمی مانند آهن.

در این دوره، ۵۴ سوره مکی از سوره‌ی علق (نزول ۱) تا حجر (نزول ۵۴) نازل شد. محتوای کلی سوره‌ها در این دوران عبارت است از:

❖ دعوت به پذیرش خالصانه ربوبیت الله و کنار گذاشتن اعتقادات شرک‌آلود؛

❖ تبیین گفتمان توحیدی در مقابل گفتمان مسلط شرک و جاهلیت در مکه

❖ دفاع از گفتمان اسلامی در برابر شبهات و سؤالات مطرح شده از جانب مشرکان؛

❖ انتقاد از رفتار غیرانسانی حاکم بر جامعه جاهلی مکه

❖ تبدیل مومنان به گروهی منسجم و آماده برای حضور رسمی اجتماعی در زمان مناسب.

❖ تثبیت قلب پیامبر ﷺ و توصیه به صبر و چشم پوشی در برابر آزار و اذیت‌ها.

مرحله دوم (شکل‌گیری علنی جنبش اسلامی) چگونه رقم خورد؟

در این مرحله، گروه کوچک مؤمنان، قوام نسبی یافته بود و می‌توانست به صورت کاملاً علنی در قبال اکثریت مشرک مکه، اعلام موجودیت نماید. اجتماع مؤمنان در این مرحله طبق آیه ۹۴ سوره حجر (نزول ۵۴) وارد جنبشی همه جانبه در برابر

جامعه حاکم شد و به صورت رسمی خط خود را در اندیشه و رفتار، از مشرکان جدا ساخت.

در این مرحله، بخش دوم و پایانی سوره‌های مکی نازل شد که شامل سوره‌های انعام (نزول ۵۵) تا مطففین (نزول ۸۶) می‌شود. مضمون کلی این سوره‌ها عبارت است از:

- ❖ علنی کردن گروه مومنان و دو قطبی سازی جامعه مکه به دو گروه اقلیت مؤمن و اکثریت حاکم و مسلط مشرک.
- ❖ به چالش کشیدن اندیشه و رفتار جامعه شرک؛
- ❖ دفاع از مؤمنان و تقویت قدرت استقامت ایشان در برابر تهاجم فرهنگی و اجتماعی مشرکان؛
- ❖ آموزش سبک زندگی اسلامی در جامعه شرک زده و نحوه تعامل اقلیت مومنان با اکثریت مشرکان هم‌جوار.

شکل‌گیری جامعه اسلامی، در مرحله سوم چگونه رقم خورد؟

در این مرحله، مؤمنان با ورود به مدینه به اکثریت رسیده و توانستند جامعه‌ای بر پایه اسلام بنا نهند. این جامعه دارای هویتی کاملاً نو و مستقل بوده و از لوث جاهلیت مبرا بود. مسلمانان در مدینه حکومتی اسلامی با رهبری پیامبر ﷺ شکل داده و توانستند تهدیدات خارجی را خنثی سازند.

در این مرحله اکثر سوره‌های مدنی، شامل بقره (نزول ۸۷) تا فتح (نزول ۱۱۲) نازل شد. مضمون کلی آن‌ها عبارت است از:

- ❖ مجموعه‌ای از قوانین فردی، خانوادگی و اجتماعی که جامعه اسلامی را قوام دهد و هویت اسلامی جامعه را تضمین کند.
- ❖ بیان احکامی که حکومت اسلامی را سامان داده و روابط داخلی و خارجی آن را جهت دهی نماید تا جامعه اسلامی بتواند در برابر تهدیدهای احتمالی اقدام مناسب کند.
- ❖ نهادینه کردن ارزشهای تبیین شده در دوره مکه، در قالب وضع انواع



قوانین و رفع تعارضات یا تزاجمات احتمالی که هنگام اجرای آن پیش می آید.

❖ آموزش نحوه تعامل صحیح با اهل کتاب و خنثی سازی تهدیدات برآمده از جانب ایشان؛

❖ آسیب شناسی معنوی و اخلاقی جامعه اسلامی، به ویژه بازگشت به دنیادوستی و رجعت به جاهلیت؛

❖ شناسایی و برخورد با منافقان و بیماردلان.

مرحله چهارم (شروع تشکیل امت اسلامی) چگونه رقم خورد؟

در این مرحله، به رغم بقای برخی مشکلات، جامعه ای استوار و قدرت مند شکل گرفته بود و شرایط برای توسعه و گسترش جامعه اسلامی مدینه و تشکیل امت اسلامی فراهم آمد. امتی که از لحاظ اندیشه، فرهنگ، اقتصاد، قدرت نظامی و ... کاملاً مستقل گشته و بر سایر جوامع پیرامونی برتری یابد تا به تعبیر قرآن (آیه ۲۹ سوره فتح) موجب شگفتی باغبان (پیامبر ﷺ) و خشم کافران گردد.

تشکیل امت اسلامی که در اواخر دوران بعثت پیامبر ﷺ شروع شد، تا بعد از رحلت پیامبر ﷺ نیز ادامه داشته و اصولاً خط پایانی برای آن متصور نیست.

در این مرحله، دو سوره پایانی یعنی مائده (نزول ۱۱۳) و توبه (نزول ۱۱۴) نازل شد که از کلیدی ترین و اساسی ترین سوره های قرآن در تشکیل امت اسلامی به شمار می رود. مضمون کلی این دو سوره، عبارت است از:

❖ خاتمه دادن به حاکمیت شرک در شبه جزیره عربستان؛

❖ تاکید بر بقای برپیمانها و عدم ارتداد؛

❖ بیان قواعدی رو به آینده برای حفظ و توسعه اسلام مانند: مسئله امامت و ایجاد نظام فقهات؛

❖ آسیب شناسی صنف های مختلف مسلمانان و اتخاذ موضع در مورد هر کدام؛

❖ هشدار نسبت به وادادگی در برابر جریان های معارض چون اهل- کتاب و منافقان.



گردآوری، کتابت و قرائت قرآن

در این درس به بررسی چگونگی ثبت و ضبط مصحف بعد از نزول قرآن، خواهیم پرداخت.

پیامبر اکرم ﷺ چه تدبیری برای ماندگاری قرآن بعد از خود اتخاذ نمودند؟

تردید نیست که پیامبر اکرم ﷺ بیشترین عنایت را به قرائت و تعلیم قرآن و ثبت و نگارش آن در بین مسلمانان و صحابه بزرگ خود داشت. موافق آیه ۲ سوره جمعه راهکار پیامبر ﷺ برای خارج کردن مردم از جهالت، عبارت بود از: تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت.^۱

پیامبر ﷺ با ترغیب مسلمانان به حفظ و نگارش قرآن، جمعیت فراوانی از حافظان و کاتبان قرآن را تربیت نموده و بدین ترتیب، ماندگاری قرآن را برای نسل‌های آینده تضمین فرمودند. در ادامه به برخی از شواهد اشاره می‌شود:

حفظ قرآن: پیامبر اکرم ﷺ سفارش زیادی نسبت به یادگیری، آموزش و حفظ

(از بر کردن) قرآن داشته‌اند؛ به عنوان مثال فرموده‌اند: «بهترین شما کسی است

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ «اوست که در میان امیّان (مردم مکه که غالباً بی‌سواد بودند) فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها تلاوت می‌نماید و آنها را (از پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آنها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می‌آموزد، و حقیقت این است که آنها پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»



که قرآن را بیاموزد و آموزش دهد»^۱. از آنجا که در آن زمان امکان قرائت از روی نوشته برای غالب مردم غیر ممکن بوده و معمول نبود، قرائت و آموزش قرآن بیشتر به صورت حفظ انجام می شده است. حضرت رسول، درجات مسلمانان در بهشت را متناسب با آگاهی ایشان از قرآن می دانست و نسبت به کسانی که شناخت بیشتری از قرآن داشتند یا آیات بیشتری به حافظه سپرده بودند، احترام ویژه ای قائل بود. همچنین آگاهان به قرآن را در اموری چون امامت جماعت و ولایت بر شهرها مقدم می داشتند.^۲

نگارش قرآن: روایات و شواهد تاریخی بسیاری مبنی بر اهتمام پیامبر ﷺ به کتابت قرآن وجود دارد. ثبت قرآن در زمان پیامبر ﷺ چنان گسترده و مشهور بود که مشرکان به کتابت قرآن توجه و درباره آن شبهه افکنی می کردند: «وَقَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ و گفتند: (این کتاب) افسانه های پیشینیان است که به خواست او برایش نوشته اند، پس آن نوشته صبح و شام بر او خوانده می شود (و او حفظ کرده برای مردم تلاوت می کند)» (فرقان (نزل ۴۲) آیه ۵) هم‌اورد طلبی به قرآن در قالب مثل قرآن (اسراء (نزل ۵۰) آیه ۸۸) یک سوره (یونس (نزل ۵۱) آیه ۳۸) و یا ده سوره (هود (نزل ۵۲) آیه ۱۳) نشان می دهد که قرآن و سوره های آن به شکل ثبت شده و مدون، برای عموم مردم حتی مشرکان مکه شناخته شده بوده است. بنا براین باید تعداد زیادی از مسلمانان حتی در مکه، قرآن را در حافظه و یا در نوشت افزارهایی ثبت کرده باشند.

۱. امالی، شیخ طوسی، حدیث ۷۳۹، ص ۳۵۷؛ صحیح بخاری، بخاری، ج ۶، باب فضل القرآن علی سائر الکلام، ص ۱۰۸.

۲. الکافی، کلینی، ج ۴، باب فضل حامل القرآن، حدیث: ۳۴۹۶، ص ۶۱۱؛ سنن، ترمذی، ج ۴، حدیث ۳۰۸۱، ص ۲۵۰.



یکی از این افراد که کامل ترین ثبت از او گزارش شده، مولای متقیان علی علیه السلام است؛ وی نحوه ثبت آیات قرآن در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله را چنین گزارش فرموده است:

«شیوه ام این بود که هر روز دو بار، صبح و شام، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شدم. ما با هم خلوت می کردیم ... پس هیچ آیه ای از قرآن بر وی فرود نیامد مگر آن که بر من خواند و من آن را با خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت...»^۱

کاتبان وحی در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی بودند؟

همان گونه که گذشت، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام کاتب خاص و ویژه وحی، بوده اند.^۲

علاوه بر ایشان، پیامبر صلی الله علیه و آله اصحاب دیگری را چون ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و سعید بن العاص، به عنوان کاتبان برگزیده، مأمور کتابت قرآن نموده بودند.^۳

گذشته از این پیامبر صلی الله علیه و آله، عموم اصحاب را به داشتن نسخه مکتوبی از قرآن ترغیب می نمودند.^۴

خلاصه آن که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله با مدیریت حضرت، کل قرآن به صورت مکتوب سامان یافته و در دسترس مردم قرار داشت. اگرچه کنار هم قرار دادن همه سوره ها در میان دو جلد و تدوین مصحفی مانند مصحف کنونی،

۱. الکافی، کلینی، باب اختلاف الحدیث، ج ۱، ص ۶۴، حدیث ۱.

۲. علوم قرآنی، معرفت، ص ۴۳-۴۴.

۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، ص ۲۴۸ تا ۲۵۰؛ التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت،

ج ۱، ص ۲۸۰ تا ۲۸۲.

۴. نهج الفصاحه، ص ۵۲۰.



مطلب دیگری است که به گفته برخی محققان بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به انجام رسید.

اولین مصحف بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط چه کسی تدوین شد؟

امیر مومنان علی علیه السلام از همان آغاز نزول قرآن در کنار رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و پیوسته تحت تعلیم و تربیت ایشان قرار داشت و برتری حضرت بر سایر اصحاب مورد اتفاق همه بود. بنابراین علی علیه السلام لایق ترین فرد برای گردآوری دقیق قرآن مطابق با تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انتقال علوم مربوط به آن - اعم از تفسیر، قرائت و ... - به مردم بود.^۱ از این رو بنا به نقل روایات شیعه و برخی روایات اهل سنت حضرت علی علیه السلام اولین شخصی است که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سفارش ایشان قرآن را به طور کامل جمع نمود. در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رحلت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی، این کتاب خداست، آن را بردار» پس علی علیه السلام آن را در پارچه ای جمع کرده به منزل خویش برد و بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته ها را با علم کامل خویش، همان گونه که خدا نازل کرده بود، تالیف نمود.^۲

ویژگی های مصحف حضرت علی علیه السلام چه بود؟

- با توجه به روایات، مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام دارای ویژگی های ذیل بود:
۱. زیادی و نقصانی در متن قرآن نداشته و از این جهت، با دیگر مصحف ها تفاوتی نداشت.
 ۲. به گونه ای نگاشته شده بود که کاملاً مطابق با قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و بر خلاف دیگر مصحف ها، امکان بروز اختلاف قرائت در آن وجود نداشت.

۱. در این زمینه استاد بابایی تحقیق جامع و مفصلی انجام داده اند: مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۴۸.

۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، نشر علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۴۱.



۳. چینش سوره‌ها بر طبق ترتیب نزول سامان یافته بود.

۴. دارای توضیحات تفسیری بود؛ همچون: شأن نزول، مصداق آیات در زمان نزول و تأویل آیات.^۱

سرنوشت مصحف حضرت علی علیه السلام چه شد؟

طبق روایات، آن حضرت این مصحف را در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم عرضه داشت، ولی برخی از صاحبان قدرت گفتند: ما نیازی به کتاب تونداریم، در نتیجه ایشان آن را برای همیشه از مردم مخفی کرد.^۲

حضرت علی علیه السلام پیش‌بینی چنین عکس‌العملی را داشت، اما هدف وی، از طرفی جامه عمل پوشاندن به وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و از طرف دیگر، اتمام حجت بر مردم بود. سلمان فارسی نقل می‌کند حضرت امیر علیه السلام خطاب به مردم فرمودند: این کتاب را عرضه کردم تا فردا روزی نگوید: «انا كنا عن هذا غافلين؛ ما از این امر غافل بودیم.»^۳

چه عواملی باعث شد مسلمانان در پی تهیه نسخه‌ای رسمی و واحد از قرآن برآیند؟

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، گرچه تعداد زیادی حافظ و متن مکتوب از قرآن وجود داشت، اما با کنار گذاشتن مصحف حضرت علی علیه السلام، مرجع رسمی و واحدی در بین نبود تا از اختلافات احتمالی پیش‌رو جلوگیری کند.

مسلمانان در حدود ۱۵ سال، برای دسترسی به قرآن، به داشته‌های خویش اکتفا کرده یا به این و آن مراجعه می‌کردند. وجود برخی اختلاف‌ها و نبود مرجع

۱. رک: الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین سیوطی، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۲۹۲ و ۲۹۵؛ تحریف‌ناپذیری قرآن، عبدالکریم بهجت‌پور، ص ۱۶ و ۲۹.

۲. ک: بصائر الدرجات، صفار، جزء ۴، باب ۶، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، حدیث ۳؛ الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین سیوطی، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۳. اعراف، آیه ۱۷۲. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۱۴۶-۱۴۷.



رسمی، باعث اضطراب و درگیری‌هایی میان مسلمانان می‌شد. از سوی دیگر، ورود تازه مسلمانان، باعث تشدید این اختلاف‌ها می‌شد؛ زیرا اینان خود هیچ سابقه‌ای از استماع مستقیم قرآن از پیامبر ﷺ نداشته و قرآن را خواسته یا نخواستہ، با اشتباهات زیادی در میان خویش ترویج می‌داند.

البته خلیفه اول و دوم به زید بن ثابت، نگارش مصحفی را برای خود سفارش دادند، اما این مصحف هیچ‌گاه جایگاهی بالاتر از مصحف شخصی دو خلیفه پیدا نکرد و بعد از قتل خلیفه دوم به دخترش حفصه به ارث رسید.

این گوناگونی‌ها و اختلاف‌ها و حتی درگیری‌ها، اندیشه صحابه راستین پیامبر ﷺ را به شدت مضطرب کرده بود. به همین دلیل صحابی بزرگ پیامبر ﷺ، «حذیفه بن یمان» پس از مشورت با جمعی از صحابه، نزد خلیفه وقت (عثمان) رفته به وی توصیه نمود که نسخه واحد و رسمی از قرآن تدوین و در همه بلاد اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. عثمان مسئله را با دیگر صحابه از جمله حضرت علی رضی الله عنه، در میان گذاشت و همگی بر لزوم این کار تأکید کردند. بدین سان فرایند نگارش مصحف رسمی جهان اسلام و توحید مصاحف آغاز شد.

تدوین مصحف رسمی توسط چه کسی به انجام رسید؟

خلیفه سوم در آغاز کار تدوین این مصحف را بر عهده کمیته‌ای چهار نفره با مدیریت زید بن ثابت قرار داد که توانایی کافی برای این کار را نداشتند. سپس با اضافه شدن چند تن از صحابه ممتاز، کمیته تقویت شده، و مسئولیت املا کردن، بر عهده صحابی عظیم الشان پیامبر ﷺ، ابی بن کعب قرار گرفت.

در فرایند نگارش مصحف رسمی چه نکاتی رعایت شد؟

۱. ابتدا تمام مصحف‌های صحیح و معتبر جمع‌آوری شد و مصحف اصلی بر طبق آنها و با نظارت صحابه به نگارش درآمد.^۱

۱. تنها این مسعود از تحویل نسخه خود امتناع ورزید. انتقاد او به اصل این کار نبود، بلکه صلاحیت زید بن ثابت را که در ابتدا مسئول این کار شده بود، زیر سؤال می‌برد. رک: التمهید، معرفت، ج ۱، ص ۳۴۳.



۲. تمام نکته‌های تفسیری و احادیث در توضیح آیات که در مصاحف صحابه وجود داشت، کنار گذاشته شد تا قرآنی عاری از هرگونه اضافات در اختیار مسلمانان قرار گیرد.^۱

۳. مصحف به خط رایج آن زمان، یعنی کوفی نگارش یافت.^۲

۴. در زمان نگارش مصحف رسمی قرآن، کلمات با توجه به حالت شنیداری خود نگارش یافتند و کلماتی مانند «مَمَّا» و «عَمَّا» که در اصل «من ما» و «عن ما» بودند به همان صورت ادغام شده، ثبت شدند.^۳

۵. از ویژگی‌های دیگر مصحف رسمی، وجود تفاوت‌های نگارشی بود. برای مثال کلمه «الایکة» در سوره شعراء (آیه ۱۷۶) و سوره ص (آیه ۱۳۰) به صورت «لئیکة»، اما در سوره‌های حجر (آیه ۷۸) و ق (آیه ۱۴) به صورت «الایکة» نگارش شده است.^۴

مصحف رسمی، چگونه در جهان اسلام گسترش و تثبیت شد؟

بعد از تهیه مصحف واحد، چند نسخه از آن تهیه شد و هر نسخه به همراه یک قاری به مراکز اسلامی - مثل مکه، کوفه، شام، مصر و یمن - فرستاده شد تا قرآن را با قرائت صحیح به مردم تعلیم داده و بدین سان امت اسلامی بر قرائتی صحیح

۱. رک. الدر المنثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۸؛ تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، ص ۱۰۵.

۲. یکی از ویژگی‌های این خط، نوشتن الف وسط کلمات بود؛ مثلاً «رحمان»، «سبحان» و «یخادعون» به ترتیب به صورت: «رحمن»، «سبحن» و «یخادعون» نوشته می‌شد.

۳. جالب است بدانیم برای حفظ اصالت خط قرآن، پس از آن زمان، هر چند خط کوفی جای خود را به خط نسخ داد، اما همواره این شیوه نگارش (با این که امروزه رایج نیست) در چاپ و نشر نسخه‌های قرآن کریم رعایت می‌شود. رک: التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۳۵۸ تا ۳۶۰ و ص ۳۶۵ - ۳۶۸؛ ما و قرآن، عبدالکریم بهجت پور، ص ۷۶ - ۷۸.

۴. برای آگاهی بیشتر از ویژگی‌های مصحف رسمی، رک: التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۳۷۴ - ۳۷۷.



اتفاق کنند. یک نسخه از قرآن هم . که آن را «مصحف امام» یا «مصحف أم» نام‌گذاری کردند . در مدینه ماند تا در هنگام اختلاف احتمالی مرجع داوری باشد.^۱

همچنین برای پایان دادن به اختلافات و ایجاد وحدت بر سر مصحف رسمی، همه مصاحف متفرقه جمع‌آوری و از بین برده شد.^۲

آیا حضرت امیرالمومنین علیه السلام تأثیری در تدوین مصحف رسمی داشتند؟

گرچه جو حاکم، بار د کردن مصحف حضرت علی علیه السلام، مانع تبدیل آن به مصحف رسمی جهان اسلام گشت؛ ولی این امر باعث نشد که حضرت نسبت به مسئله مهم و سرنوشت ساز تدوین مصحف رسمی بی تفاوت گردد؛ بلکه به انحاء مختلف در شکل‌گیری مصحف رسمی تأثیرگذار بودند. زیرا پیشنهاد دهنده اصلی توحید مصاحف، «حذیفه بن یمان» بود که در کنار سلمان و ابوذر و عمار، چهار رکن اصلی اصحاب حضرت علی علیه السلام را تشکیل می‌داند.^۳

از طرفی دیگر، هنگام تقویت کمیته تدوین، تعدادی از اصحاب و شاگردان علی علیه السلام . همچون اُبی بن کعب و عبد الله بن عباس . به کمیته اضافه شدند. با مروری بر احوال ایشان روشن خواهد شد که تهیه مصحف رسمی در تمام مراحل اولیه و تکمیلی، با دقت کامل انجام شده است.^۴

۱. رک. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۳۵۰.

۲. رک. کتاب المصاحف، سجستانی، ص ۸۸، ۱۰۹؛ تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۳. رک. رجال کشی، کشی، ص ۷، رجال طوسی، ص ۶۰، خلاصه حلبی، ص ۶۰.

۴. اُبی بن کعب از بزرگان صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و کاتبان وحی و از یاران امیر مؤمنان، علی علیه السلام بود. وثاقت او در نزد علمای شیعه و اهل سنت مورد اتفاق است و نظرات تفسیری زیادی از او نقل شده است. او قبل از اسلام آوردن بر خواندن و نوشتن آگاهی داشت و در منابع روایی اهل سنت احادیث زیادی در مورد جایگاه بالای علمی وی نقل شده است. رک: مکاتب تفسیری، علی اکبر بابایی، ج ۱، ص ۱۷۳ تا ۱۷۵. عبد الله بن عباس شخصیتی است که به لحاظ آگاهی او از دانش تفسیر و وثاقتش در نزد دانشمندان شیعه و سنی مورد تأیید است. وی از



خود حضرت علی علیه السلام نیز در نهایت مصحف را مورد تایید قرار داده و در زمان خلافت خویش، هرگونه دخل و تصرف در مصحف رسمی را ممنوع اعلام کردند.^۱

پیروان علی علیه السلام بود و خود اذعان دارد که در دانش تفسیر شاگرد ایشان بوده است. رک: مکاتب تفسیری، علی اکبر بابایی، ج ۱، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۱. رک: کتاب المصاحف، ابن ابی داوود، ص ۹۷-۹۸؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۹، ص ۳۳۰؛ التمهید، معرفت، ج ۱، ص ۳۴۱.



در این درس با ویژگی‌ها و شیوه تعلیم پیامبر ﷺ آشنا خواهیم شد، تا الگویی برین، برای تعلیم قرآن به دست آوریم.

پیامبر اکرم ﷺ، با چه روشی قرآن را در میان جامعه اسلامی ترویج داد؟

پیامبر مکرم ﷺ، پس از دریافت و ابلاغ آیات الهی، به تعلیم قرآن می‌پرداخت. این تعلیم به قدری مؤثر و موفقیت‌آمیز بود که شاهد ایجاد فضای قرآنی در جامعه صدر اسلام هستیم. به گونه‌ای که قرآن در محافل حاضر، بر زبان‌ها جاری، در بسیاری قلب‌ها جای گرفته، و در رفتار و منش غالب مؤمنان نمایان بود.

در اخبار و روایات، نکات ارزش‌مندی از شیوه آموزشی پیامبر ﷺ استفاده می‌شود، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. معرفت محور

پیش‌تر گذشت که قرآن کتاب تربیت است و تدریج در نزول هم به این دلیل است که تربیت امری زمان‌بر است. برای رسیدن به این مهم، فهم معارف قرآن و در ادامه عمل به مفاد آن و تغییر اخلاق و رفتار بر طبق آن نیازمند زمان است. این نکته در آموزش قرآن حضرت هم دیده می‌شود. به این معنا که بر طبق روایات تاریخی، حضرت پس از آموزش چند آیه، معارف و نکات تفسیری آن آیات را برای مسلمانان بیان می‌فرمودند و ایشان را تشویق به عمل به این معارف و مفاهیم می‌کردند. تا جایی که این نوع آموزش، به روال معمول تبدیل شد و دیگران هم در آموزش خویش این نکته را رعایت می‌کردند. ابو عبد الرحمن سلمی می‌گوید:



«کسانی که قرآن را بر ما می‌خوانند (امثال عثمان، ابن مسعود و...) به ما خبر دادند که وقتی ده آیه را از پیامبر ﷺ فرا می‌گرفتیم تا معنی آنها را درک نمی‌کردیم و به کار نمی‌بستیم، از آن ده آیه فراتر نمی‌رفتیم.»^۱

خود او نیز به همین روش قرآن را فرا گرفته است:

«هنگامی که ده آیه از قرآن را فرا می‌گرفتیم، تا وقتی حلال و حرام و امر و نهی

این ده آیه را نمی‌شناختیم به سراغ ده آیه بعد نمی‌رفتیم.»

به همین دلیل برخی از صحابه حضرت، مدت زمان زیادی برای حفظ

سوره‌ای صرف می‌کردند. به طوری که مثلاً سوره بقره را در طول چندین سال فرا می‌گرفتند.^۲

۲. تربیت محور

هدف پیامبر مکرم اسلام ﷺ در آموزش قرآن، سوق دادن مسلمانان به سمت عمل به آموزه‌های قرآنی بود. ایشان برای تحقق این مهم از راه‌کارهای زیر بهره‌برده‌اند:

الف. آموزش با پیروی از نزول وحی

پیامبر ﷺ طبق دستور خدای متعال، آیات قرآن را با تبعیت از وحی نازل شده قرائت کرده و شرح و توضیح آن را از سوی خدا برای مردم بیان می‌فرمود: «فَإِذَا قَرَأْتَ آيَاتَ الْقُرْآنِ فَتَلَاها فَتَلَاها ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ؛ پس هنگامی که آن را خواندیم، به همان صورت از خواندن آن پیروی کن، سپس توضیح و بیانش نیز بر عهده ماست» (سوره قیامت، آیه ۱۸ و ۱۹) پس ترتیب قرائت و آموزش حضرت، تابع نزول آیات قرآن بود. قبلاً گذشت که این ترتیب، حکیمانه بوده و حضرت با آموزش قرائت همراه با معارف علمی و عملی، مردم جامعه خویش را تحت تربیت قرآن قرار داد و از تاریکی به نور وارد کرد.

۱. المدخل لدراسة القرآن، ص ۲۹.

۲. الجامع لاحکام القرآن للقرطبی ج ۱ ص ۴۰.



ب. آموزش آیات جدید پس از عمل به آیات گذشته

از ابن مسعود و ابی بن کعب نقل شده:

«وقتی پیامبر ﷺ ده آیه از قرآن را به اصحابش یاد می داد، سراغ ده آیه بعد نمی رفتند تا این که عمل به این ده آیه را فرامی گرفتند، پس حضرت به ما هم قرآن را یاد می داد و هم عمل به فرامین آن را.»^۱

از این رو ضمن تأکید بر عمل به آموزه های آیات قرآن، از توقف غیر ضروری برای تفسیر آیات و تحلیل های نظری کم ثمر اجتناب می نمودند؛ بلکه در حد نیاز به این امور پرداخته و مسلمانان را بلافاصله بعد از قرائت و فهم، به سمت عمل به آن آموزه ها تشویق می نمودند.

البته این شیوه پیامبر ﷺ در آموزش عمومی مسلمانان بود، اما در هنگام آموزش ویژه و خصوصی، مانند آموزش به امیر مومنان، طی جلسات مستمر، تمامی نکات و رموز قرآن را بازگویی فرمودند.^۲

۳. مهارت محور (آموزش با روش «إقراء»)

بسیاری از روایات و نقل های تاریخی که بیان گرویش آموزش قرآن در زمان پیامبر ﷺ بوده، از آن با عنوان «إقراء» یاد کرده اند.^۳ این کلمه از ریشه «قرء» و به معنای «به قرائت در آوردن» است. استفاده از این کلمه در آموزش قرآن پیامبر ﷺ نسبت به اصحابش حاوی این نکات است:

اولاً: آموزش از طریق قرائت انجام می پذیرد (و نه کتابت یا آموزش قواعد).

۱. الجامع لاحکام القرآن للقرطبی ج ۱ ص ۳۹.

۲. الکافی، کلینی، باب اختلاف الحدیث، ج ۱، ص ۶۴، حدیث ۱.

۳. مانند عبارت قرطبی که نقل شد: «ان رسول الله ﷺ كان يقرئهم العشر فلما يجاوزونها الي عشر اخرى....» و هم چنین روایت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودند: «أقرئها رسول الله ﷺ و «فیقرئنیه» در روایت احتجاج، ج ۱، ص ۲۶۱. یا روایات دیگر که در این نوشته آمده است.



ثانیا: این آموزش، باید به توانایی شاگرد در قرائتی همسان استاد منتهی شود.
ثالثا: برای رسیدن به این مهارت، طبیعی است که باید استاد بارها قرائت کند تا شاگرد با تکرار استماع، زمزمه و حتی هم خوانی با استاد به مهارت مورد نظر دست یافته و قرائت او مورد تأیید قرار بگیرد.

۴. مستمر

یکی از مهم ترین ویژگی های آموزش قرآن در عصر نبوی ﷺ این بود که آموزش و قرائت قرآن به هیچ زمان و مکان و حالی محدود نبود. این نکته در بسیاری از روایات آمده است. که به برخی از آن ها اشاره می شود:

الف. قرائت و اِقرء در هر حال

رسول خدا ﷺ ضمن این که به قرائت قرآن در هر حالی سفارش می فرمود، خود نیز از آموزش قرآن و اِقرء مسلمانان در هیچ حالی فروگذار نبود. ایشان در وصیت خود به امام علی علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^۱ و نیز در روایت دیگری آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُقْرِئُنَا الْقُرْآنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^۲ رسول خدا ﷺ در هر حالی که بودیم قرآن را به ما آموزش می دادند (اِقرء می کردند). یعنی این آموزش، آن هم به صورت اِقرء، مخصوص زمان خاصی نبود و در هر حالی به این مهم اقدام می فرمودند. در شب یا روز، جنگ یا صلح، سختی یا آسایش و....

ب. انس دائمی با قرآن

از برخی روایات پیامبر اکرم ﷺ این نکته برداشت می شود که برای قرائت قرآن حد و مرزی نیست. یعنی اگر کسی به حدی رسید که توانست به دیگران "اِقرء" کند، یعنی استاد قرائت باشد، نباید خودش قرائت را کنار بگذارد. مانند: «بهترین شما

۱. کافی، ج ۸، ص ۷۹.

۲. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۱۴.



کسی است که قرآن را قرائت کرده و دیگران را نیز به قرائت درآورد»^۱، یا «بهترین شما کسی است که قرآن را آموزش ببیند و به دیگران آموزش دهد»^۲ این نکته از کنار هم بودن قرائت و اقرآء یا تعلیم و تعلم فهمیده می‌شود. معلم قرآن، هرچند در مهارت قرائت به نهایت هم رسیده باشد باز باید در کنار اقرآء و آموزش، خود نیز از قرائت قرآن غافل نشود. زیرا نکات آموزشی و تربیتی قرآن تمام شدنی نیست. هر مرتبه قرائت قرآن، نورانیت جدیدی به جان قاری قرآن اضافه خواهد کرد و این انس با قرآن نباید در هیچ زمانی ترک شود.

ج. تشکیل کلاس‌های منظم روزانه قرآن در مساجد

اهتمام مسلمانان و پیامبر ﷺ به آموزش حضوری و چهره به چهره با روش "اقرآء" به حدی بود که پس از نماز، کلاس‌های متعددی در مساجد تشکیل شده و مسلمانان به قرائت و اقرآء مشغول می‌شدند. به عنوان نمونه به این دوروایت توجه کنید:

از انس بن مالک نقل شده:

«... (اصحاب حضرت) هنگامی که نماز را اقامه می‌کردند، حلقه حلقه می‌نشستند و قرآن قرائت می‌کردند و واجبات و مستحبات را فرامی‌گرفتند»^۳

سهل بن سعد انصاری نقل می‌کند:

«پیامبر ﷺ بر ما وارد شد، در حالی که ما در حال قرائت قرآن بودیم، برخی از ما قرآن را برای دیگری می‌خواند، حضرت ﷺ (با دیدن این صحنه) فرمود:

۱. «خیرکم من قرأ القرآن وأقرأه» کنز العمال، ۱/ ۵۲۵.

۲. «خيارکم من تعلم القرآن وعلمه» امالی، شیخ طوسی، ص ۳۵۷، دار الثقافة، ۱۴۱۴.

۳. «... إِنَّمَا كَانُوا إِذَا صَلُّوا الْعِدَّةَ قَعُدُوا حَلَقًا حَلَقًا يَقْرءُونَ الْقُرْآنَ، وَيَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ وَالسُّنَنَ» مجمع الزوائد و منبع

الفوائد (هیثمی)، تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی، ج ۲، ص ۲۹۳.

الحمد لله، سرخ و سیاه در برابر کتاب خدا یکی هستند، بخوانید قرآن را قبل از آن که اقوامی بیایند که از حلقومشان تجاوز نمی‌کند...»^۱

از انتهای روایت معلوم می‌شود که حضرت ﷺ تنها به قرائت الفاظ قرآن، راضی نیستند و مرادشان از قرائت قرآن، قرائت همراه با فهم و عمل است و این مطلب، تأکیدی بر محوریت معرفت و تربیت در آموزش قرآن است که قبلاً توضیح آن داده شد.

د. تشویق به قرائت قرآن در خانه

هرچند محل اصلی آموزش قرآن در زمان حضرت، مسجد بود، اما ایشان تأکید داشتند که قرآن خواندن به مسجد محدود نشود و در تمام اماکن به ویژه خانه مسلمانان قرائت شده و این نور الهی در تمام جامعه منتشر گردد. روایت زیر شاهدهی بر این اهتمام ایشان است:

«خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن‌ها را تبدیل به قبر نکنید (گویی در خانه‌ای که قرآن خوانده نشود، حیات و زندگی وجود ندارد) همانند یهود و نصارا که در کنیسه‌ها و کلیساها نماز خواندند و خانه‌هایشان را تعطیل کردند. چون وقتی در خانه‌ای زیاد قرآن تلاوت شود، خیر آن خانه زیاد می‌شود، روزی اهل آن خانه وسعت می‌یابد و آن خانه برای اهل آسمان می‌درخشد همانند ستارگانی که برای زمینیان می‌درخشد»^۲

۵. تشکیل شبکه عمومی آموزشی

نکته مهمی که از روایات استفاده می‌شود این است که این روش (اقرآء به همراه

۱. خرج علينا رسول الله ﷺ ونحن نقتري: يقرئ بعضنا بعضاً. فقال: «الحمد لله كتاب الله عز وجل واحد فيه الأحمر والأسود، اقرؤوا القرآن، اقرؤوا، اقرؤوا، قبل أن يجيء أقوام يقيمونه كما يقيم القديح، لا يجاوزون أراقبهم يتعجلون أجره ولا يتأجلونه». جمال القراء و كمال الإقراء (للسخاوي)، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۱۰.



تفسیر و معارف آن)، وظیفه‌ای عمومی است که همه مسلمانان بدان تشویق می‌شدند. حضرت می‌خواست تا همه مسلمانان، قرائت قرآن را یاد گرفته و خود به آموزش دیگران بپردازند. از این رو می‌فرمود: «بهترین شما کسی است که قرآن را قرائت کرده و دیگران را نیز به قرائت درآورد»^۱، یا «بهترین شما کسی است که قرآن را آموزش ببیند و به دیگران آموزش دهد»^۲. در نتیجه این تشویق و ترغیب‌ها، آموزش قرآن در صدر اسلام بسیار عمومی و فراگیر شده بود.

از سوی دیگر برای تکمیل این شبکه آموزشی، به پدر و مادرها توصیه می‌کردند که قرآن را به فرزندانشان آموزش دهند و برای ترغیب ایشان به بیان ثواب آن می‌پرداختند:

«هر کس به فرزندش قرآن یاد دهد، گویی ده هزار حج و عمره به جا آورده و ده هزار بنده از اولاد اسماعیل علیهم السلام آزاد کرده و ده هزار غزوه را حاضر شده و ده هزار مسکین مسلمان را سیر کرده و ده هزار برهنه مسلمان را پوشانده باشد؛ و برای هر حرفی (که آموزش داده است) ده حسنه برای او نوشته شده و ده گناه پاک می‌شود و (این قرآن) با او در قبر همراه بوده تا زمانی که مبعوث شود (و در قیامت) میزان او را سنگین کرده و از پل صراط مثل برق عبور داده و از او جدا نمی‌شود تا بالاتر از کرامتی را که آرزو می‌کرد به او بدهد»^۳

بدین ترتیب، پیامبر صلی الله علیه و آله شبکه قرائت و آموزش قرآن شکل داده بود تا قرآن در زبان و قلب و جوارح یکایک آحاد جامعه نهادینه گردد.

۱. «خیرکم من قرأ القرآن وأقرأه» کنز العمال، ۱/ ۵۲۵.

۲. «خیرکم من تعلم القرآن وعلمه» امالی، شیخ طوسی، ص ۳۵۷، دار الثقافة، ۱۴۱۴.

۳. جامع الاخبار، ص ۴۹.

۶. تشویق به حفظ

یکی دیگر از ویژگی‌های روش آموزشی پیامبر ﷺ ترویج حفظ قرآن در جامعه معاصر نزول بود. این مهم، علاوه بر ترویج قرآن در میان جامعه، تضمینی برای عدم تحریف قرآن بود. ایشان در سخنی فرمودند:

«حافظان قرآن، عارفان اهل بهشتند»^۱

و در جای دیگر فرمودند:

«قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید، زیرا خدای تعالی قلبی را که قرآن را در برگرفته عذاب نخواهد کرد»^۲

سخن آخر

هدف اصلی ما در طرح آموزش جامع قرآن، نزدیک شدن به شیوه آموزشی پیامبر ﷺ است. از این جهت کتاب پیش رو با ویژگی‌های زیر تألیف شده است:

۱. معرفت محور

در این طرح همگام با قرائت، ترجمه و معارف سوره نیز آموزش داده شده است. هرچند به دلیل محدودیت زمان جلسات، بیان همه معارف علمی و عملی ممکن نبود، اما به برخی از مهم‌ترین نکات تفسیری، فراتفسیری و تطبیقی اشاره شده است.

۲. تربیت محور

برای تحقق هرچه بهتر اهداف تربیتی قرآن و نزدیک شده به شیوه آموزشی تربیت مدار پیامبر ﷺ، آموزش سوره‌ها در این طرح، بر اساس سیر نزول سامان یافته است.^۳ ضمن این که بخش آموزه‌های زندگی با همین روی کرد گنجانده شد،

۱. حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرْفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ «الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۰۶»

۲. «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَاسْتَمِطِرُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَجَعِيَ الْقُرْآنُ» مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۴، ص: ۲۴۵

۳. تذکر این نکته بایسته است که آموزش یا تفسیر قرآن به ترتیب نزول، به معنای نفی یا تغییر در ترتیب سوره‌های قرآن در مصحف فعلی نیست. قطعاً مصحف فعلی که در جهان اسلام متداول است، مورد تأیید ائمه اطهار علیهم‌السلام



تا با ترغیب فراگیران به کاربردی کردن آموزه‌های سوره، زمینه برای عمل به این آموزه‌ها بیش از پیش فراهم شود.

۳. مهارت محور

این مهم با تأکید بر شنیدن مکرر قرائت الگودر کلاس و زمزمه و هم خوانی پس از آن انجام می‌شود. ضمن این که تا حد ممکن از بیان قواعدی که در تحصیل مهارت نقشی ندارند احتراز شده است.

۴. مستمر

با تأکید بر تشکیل روزانه یک ساعته کلاس قرآن و قرائت قرآن آموزان در منزل به صورت روزانه و انتقال این آموزه‌ها به دیگران در پی تحقق استمرار قرائت در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها هستیم.

۵. تشکیل شبکه عمومی آموزش

آموختن قرآن با روش اقرء، این توانایی را در طلبه ایجاد می‌کند که با همین روش قرآن را به دیگران آموزش دهد. این مهم با توجه به دغدغه فرهنگی طلاب و تشویق اساتید، قابل تحقق و مورد انتظار است.

۶. تشویق به حفظ

با توجه به تکرار آیات در کلاس و منزل، به طور طبیعی ذهن مخاطب با آیات مأنوس شده و در یک قدمی حفظ آیات قرار می‌گیرد؛ مخصوصاً آیات مهم سوره که در مباحث تفسیری در مورد آن بیشتر صحبت شده ماندگاری بیشتری در ذهن ایجاد می‌کند. با تشویق استاد و همت طلاب، حفظ آیات بسیاری از سوره‌های تدریس شده به آسانی میسر خواهد شد.

بوده و هیچ کس غیر از امام معصوم علیه السلام حق تغییر آن را ندارد. اما در آموزش و یا فهم معارف این کتاب نورانی، رعایت ترتیب سوره‌ها در مصحف ضروری نیست. همان گونه که مسلمانان از گذشته تا کنون، برای آموزش و یا حفظ قرآن ملتمز به رعایت ترتیب مصحف نبوده و غالباً از سوره‌های کوچک انتهای مصحف آغاز می‌کردند. نیز مفسران در تفسیر موضوعی، آیات قرآن را به ترتیب مورد نظر خود تنظیم می‌کنند تا به استخراج نظر قرآن درباره موضوع انتخابی دست یابند.

﴿سوره علق﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ
الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ
الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ﴿٦﴾ أَن رَّاهُ اسْتَفْعَى ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ
الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿١٠﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ
بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ
لَمْ يَنْهَ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فليدع ناديه
﴿١٧﴾ سَنَدَعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا نُطِيعُكَ وَأَسْجُدُ وَأَقْرَبُ ﴿١٩﴾



قرائت سوره^۱

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حروف، پاسخ دهید:

❖ آیا در تلفظ حروف، تفاوتی بین قرائت قرآن و گویش فارسی وجود

دارد؟

الفبای زبان عربی ۲۸ حرف (صامت) دارد^۲ که شکل نوشتاری آن‌ها به جز موارد اندکی^۳ با فارسی یکسان است.

در زبان عربی ۱۸ حرف همانند گویش فارسی ادا می‌شوند ولی تلفظ ده حرف

۱. حکم شرعی سوره‌های سجده دار در زمان عادت ماهیانه:

الف) استماع: گوش دادن به تلاوت سوره‌های سجده دار اشکال ندارد؛ ولی اگر به آیه سجده دار گوش دهد، باید سجده آن را به جا آورد. (همه مراجع)

ب) قرائت: بین فقهای محترم اختلاف نظر است:

یک. علاوه بر خواندن آیه سجده دار، خواندن بقیه آن سوره نیز حرام است (آیات عظام امام، بهجت، فاضل، نوری) دو. تنها خواندن آیه سجده دار، حرام است و خواندن بقیه سوره حرام نیست. (آیات عظام خوئی، گلپایگانی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، مکارم)

سه. خواندن آیه سجده دار حرام است، و بنا بر احتیاط واجب بقیه سوره نیز حرام است. (آیه الله وحید) نکته: با وجود حرام بودن قرائت آیه سجده دار در زمان عادت ماهیانه، در صورت قرائت آیه، باید سجده آن را به جا آورد. (ر. ک. توضیح المسائل محشی، سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۲۱۳، مسأله ۳۵۵ و ص ۲۶۰، مسأله ۴۵۰، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۴ ق.)

۲. چهار حرف «پ، چ، ژ، گ» در الفبای زبان عربی وجود ندارد.

۳. این موارد عبارتند از:

یک. تاء گرد در آخر برخی کلمات: نَاصِيَةً كَذِبِيَّ حَاطِطِيَّ

دو. کاف بدون سرکج در آخر کلمات: رَبِّكَ

سه. لام کشیده در برخی موارد در آخر کلمه قَالَ

با گویش فارسی متفاوت است. زیرا در فارسی:

حروف «ذ»، «ض» و «ظ» همانند «ز»؛

حروف «ث» و «ص» همانند «س»؛

حرف «ح» همانند «ه»؛

حرف «ط» همانند «ت»؛

حرف «ع» همانند «ء»؛

حرف «غ» همانند «ق»

و حرف «و» با گویشی متفاوت، تلفظ می‌شوند.

بنابراین برای قرائت فصیح قرآن^۱ و صحت قرائت نماز لازم است تلفظ

صحيح عربی این ده حرف را رعایت کنیم.

نکته: مراجع معظم تقلید، نماز کسی را که تلفظ صحیح این حروف^۲ را

رعایت نکند، باطل می‌دانند:

«اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند یا عمداً آن را نگوید یا به جای

حرفی دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض»، «ظ» بگوید یا جایی که باید

بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر بدهد، یا تشدید را نگوید نماز او باطل

است».^۳

مهارت افزایی

سوره «علق» را همراه با قرائت الگوزمزمه و سپس هم خوانی کنید و کلماتی که در

آن‌ها شکل حرف، با فارسی متفاوت است را بنویسید.

۱. رعایت نکردن تلفظ صحیح حروف چه بسا موجب تغییر معنای کلمه می‌شود.

۲. البته باید توجه داشت، گویش فارسی حرف «واو» موجب بطلان نماز نمی‌شود.

۳. توضیح المسائل محشی، سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۵۵۲، مسأله ۱۰۰۰، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۴ ق.



آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی ^۱	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام های سوره
۱۹ آیه	ردیف: ۱ قبل از قلم	ردیف: ۹۶ بعد از تین وقبل از قدر جزء ۳۰، صفحه ۵۹۷	ندارد	مکی به اتفاق مفسران	به کار رفتن این کلمات در آیات ابتدایی سوره	علق اقرا التعلیم

۲. غرض سوره

توجه پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ وظیفهٔ وی در آغاز رسالت و آماده سازی آن حضرت برای وقایع پیش رو

۳. گزارش محتوای سوره

بخش اول. آیات ۱-۵: اولین مأموریت پیامبر ﷺ؛ بیان ویژگی های پروردگار برای مردم در این بخش پیامبر ﷺ مأمور است نشانه های علو و برتری صاحب اختیار شایسته پرستش را به مردم یادآور شود. این نشانه ها عبارت اند از: خالقیت هستی، خالقیت انسان از یک کرم واره و فعال ساختن بزرگترین کرامت انسانی با تعلیم علم.

۱. با اصطلاح «آیات استثنایی» در درس ۱۸ آشنا خواهیم شد.



بخش دوم. آیات ۶-۱۹: آماده سازی پیامبر ﷺ برای رویارویی با طغیانگران در برابر دعوت.

در این بخش، خدای متعال رسولش را از مقاومت برخی از مردم سرکش در برابر دعوتش آگاه می‌کند و احساس بی‌نیازی از پروردگار را عامل طغیانگری انسان می‌داند و با بیان نمونه‌ای روشن از مخالفت‌های صورت گرفته در گذشته، وی را برای درگیری‌های آینده آماده می‌سازد. در ادامه پس از تأکید بر مجازات جریان سرکش، پیامبر ﷺ را از اطاعت خواسته‌های ایشان برحذر می‌دارد و راه تقرب به پروردگار را به او نشان می‌دهد.

۴. ارتباط سوره (با جو زمان نزول)

بت پرستان مکه خدا را باور داشتند، او را آفریدگار آسمان و زمین و جهان می‌دانستند؛ اما برای او فرزند و همسر قرار داده و فرشتگان را دختران خدا می‌شمردند. و حتی معتقد بودند میان خداوند و جن‌ها نسبتی وجود دارد. آنان بت‌ها را خدایان کوچک و واسطه‌ی میان خود و «الله» معرفی می‌کردند و پرستش آن‌ها را موجب نزدیکی به درگاه خدا و رضایت او می‌دانستند. پرستش بت‌ها با هدف جلب توجه این موجودات مُدبّر در کنار عبادت خدای عزوجل توجیه می‌شد و این امر، عرب مکه را به شرک در عبادت کشانده بود. خدای متعال در سوره‌ی علق، تحول را از دعوت به توحید ربوبی و نادرست دانستن جمع میان توحید آفریدگاری و شرک در تدبیر هستی آغاز نمود. اهمیت آغاز تحول از بیان انحصار تدبیر عالم به خدای متعال روشن است. زیرا اولین گام در حرکت به سوی تحول، کنار زدن صاحب اختیاران دیگر و انحصار آن به خدای آفریدگار و مدبر تمام هستی است. بنابراین تا نیاز به این خالق و مدبر احساس نشود، تغییر و تحول همه‌جانبه در انسان آغاز نمی‌شود.



مباحثی از علوم قرآن

داستان «ورقة بن نوفل» چیست و چه نقدی بر آن وارد است؟

غالب تفاسیر و کتب علوم قرآنی اهل سنت، داستان آغاز رسالت پیامبر اکرم ﷺ و اولین تجربه دریافت وحی را به نقل از عایشه با این مضمون نقل کرده‌اند که حضرت پس از اولین دریافت وحی قرآنی، با قلبی مضطرب و پرهیجان به مکه بازگشت و به حضرت خدیجه فرمود: «بر جان خود (از جنون) می‌ترسم». حضرت خدیجه او را دل‌داری داده و برای رفع هرگونه تردید، به پسرعمویش "ورقة بن نوفل" که دانشمندی نصرانی بود، مراجعه کرد. ورقة بن نوفل پس از گفتگو با پیامبر ﷺ، گفت: «این همان آیینی است که خدا بر موسایش نازل کرد و ای کاش! من در آن درخت، شاخه‌ای بودم و ای کاش! زنده می‌ماندم، تا آن روزی که قومت، تورا از مکه بیرون می‌کنند... و من اگر آن روز را دریابم، تورا صمیمانه یاری خواهم کرد.» و بدین ترتیب پیامبر آرامش یافت.^۱

این داستان در نظر دانشمندان شیعی مردود است. زیرا:

۱. منافات این نقل با مفاد صریح آیات قرآن از جمله: «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي؛ بگو من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری دارم»^۲

این آیه نشان می‌دهد تکیه‌گاه حضرت در اثبات پیامبری، دلایلی است که خدای متعال به وی عطا فرموده است؛ نه آن چه دیگرانسان‌ها به وی می‌آموزند.

۲. منافات این داستان با مقام عصمت و علم حضرت

در این داستان بیان شده که حضرت برای کسب اطمینان از وحی، نیازمند تایید یک دانشمند نصرانی است.

۱. جامع البیان، ابن جریر طبری، ج ۳۰، ص ۳۱۸؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۵۲۸ و الکشف و البیان، ثعلبی، ج ۱۰، ص ۲۴۵ و تفاسیر دیگر.



۳. سابقه داشتن ارتباط پیامبر ﷺ با فرشتگان

ارتباط با فرشتگان، برای حضرت رسول ﷺ امری بی سابقه و ناشناخته نبود. در منابع شیعه و سنی روایاتی در این مورد موجود است. از جمله می توان به روایتی اشاره نمود که از نظراهل سنت صحیح بوده و نشان می دهد اسرافیل، پیش از رسالت و نزول وحی، به مدت سه سال بر حضرت نازل شده و به وی تعلیم می داد.^۱

۴. نقل های متفاوت و حتی متناقض در منابع اهل سنت و عدم وجود این نقل در منابع معتبر شیعی

۵. ایمان نیاوردن ورقه به پیامبر اکرم ﷺ با وجود زنده بودن وی مدت ها پس از ظهور اسلام.
و نقدهای دیگر.^۲

۱. السیره النبویه الصحیحه، اکرم ضیاء العمری، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲ رک: المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، ج ۲، ص ۳۲۷؛ من وحی القرآن، فضل الله، ج ۲۴، ص ۳۳۱؛ التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۷۲ تا ۱۰۰؛ من هدی القرآن، مدرسی یزدی، ج ۱۸، ص ۲۱۸؛ الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مکارم شیرازی، ج ۲۰، ص ۳۱۸ و دیگر تفاسیر.



قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف واو، پاسخ دهید:

• حرف «و» در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

حرف «و» در تلفظ عربی، با گویش فارسی آن تفاوت دارد.

با دقت در قرائت الگو، درمی‌یابیم که حرف «و» در لهجه فصیح عربی، با جمع شدن لب‌ها و بدون تماس لب‌ها با دندان‌ها ادا می‌شود.

در گویش فارسی هنگام ادای حرف «و»، لب پایینی به سردندان‌های پیشین بالا برخورد می‌کند اما هنگام تلفظ این حرف در قرائت قرآن، لب‌ها بدون تماس با دندان‌ها به صورت غنچه درمی‌آید.

مثال:

وَرِيكَ أَوْ يَا لِقَوَىٰ

مهارت افزایی

۱. سوره «علق» را با رعایت تلفظ فصیح حرف «و» همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم‌خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید؛

أَقْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۱

انسان را از خون بسته‌ی آویزان^۱ آفرید.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۲

بخوان در حالی که پروردگارت ارجمندتر^۲ است؛

أَقْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۳

(همان) کسی که با قلم پیاموخت؛

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۴

به انسان آنچه را نمی دانست آموخت.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمَ ۵

درسی از سوره

چه کسی شایسته مقام پروردگاری (ربوبیت) است؟ (آیات ۱ تا ۵)

«رَبِّ» بر مالک، صاحب‌حق، اختیاردار، تدبیرکننده و نگهدارنده، نعمت بخش، تنبیه‌کننده و اصلاح‌کننده گفته می‌شود.

قرآن در فضایی نازل گشت که برای موجودات گوناگون، ادعای ربوبیت می‌شد. قرآن پیامبر ﷺ را مأمور می‌کند تا در همین آغاز، راه را بر انحراف و

۱. «عَلَقٌ» به معنی آویزان شدن چیزی به شیئی در بالا، چنگ زدن به چیزی و ملازمت با آن است. همچنین در مورد کرمی که به بدن آویزان می‌شود و خون می‌مکد (زالو) و خون جامدی که در رحم است که فرزند از آن به وجود می‌آید، استعمال می‌شود. به نظر می‌رسد اشاره به اسپرم داشته باشد که شباهتی به زالو دارد.

۲. «اکرم» از ریشه گرم به معنای بخشش سخاوتمندانه، به کسی می‌گویند که بخشش‌هایش برتر و بیشتر از بخشش دیگران باشد. خداوند بدون استحقاق عطاگیرنده، بر او عطا می‌کند و هر نعمتی در نهایت به خداوند باز می‌گردد.



اختلاف بسته و همگان را به توحید ربوبی خدای متعال دعوت کند. هم چنین علت ترجیح او را بر دیگر مدعیان ربوبیت بیان نماید.

اولین گام تغییر و تحول جامعه، احساس نیاز به پروردگار است که از طریق آشناساختن مردم با ویژگی‌های منحصر به فرد وی حاصل می‌شود. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. خالقیت هستی؛ ویژگی خاصی که در هیچ پروردگار ادعایی دیگر نظیر ندارد.
۲. خالقیت انسان از شیئی بی مقدار (علق)؛ هیچ‌کدام از پروردگاران ادعایی مشرکان قادر بر این آفرینش نیستند.
۳. ارجمندی و علم آموزی به انسان؛ پروردگار عالم به حدی ارجمند است که علاوه بر آفرینش انسان، او را علم آموخت و بدین ترتیب او را بر بسیاری از موجودات هستی برتری داد.^۱

آموزه‌های زندگی

۱. با توجه به نشانه‌هایی که قرآن مجید از پروردگار بیان می‌دارد، گفتگو کنید کدام یک در زندگی شخصی شما بیشتر نمود دارد.
۲. چگونه می‌توان افراد جامعه را متوجه نشانه‌های پروردگاری خدا نمود؟

۱. خدای متعال ویژگی چهارمی را نیز در آیات بعدی مطرح کرده که در درس آینده ارائه می‌شود.

قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف عین، پاسخ دهید:

- حرف «ع» در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، «ع» همانند «ء» و متفاوت با تلفظ عربی آن ادا می‌شود. با دقت در قرائت الگو، مشخص می‌شود که حرف «ع» از وسط حلق و به صورت نرم (بدون قطع شدن صدا) ادا می‌گردد.

تمایز این دو حرف در حالت خروج صدا از حلق است. «ء» تیز و محکم است و در هنگام تلفظ آن، صدا قطع می‌شود. اما «ع» به نرمی ادا شده و هنگام تلفظ آن صدا قطع نمی‌شود.

تَعْمُونَ	تَأْمُونَ
می‌دانید	درد می‌کشید
عَلِيمٌ	أَلِيمٌ
دانا	دردناک
عَمِيں	أَمِيں
کوردلان	مورد اعتماد



مهارت افزایی

۱. حرف «ع» را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف «ء» بخوانید.

ءِ ءِ ءِ	ءِ ءِ ءِ	ءِ ءِ ءِ	ءِ ءِ ءِ	ءِ ءِ ءِ
عِ عِ عِ	عِ عِ عِ	عِ عِ عِ	عِ عِ عِ	عِ عِ عِ

۲. کلماتی که در سوره «علق» دارای «ع» هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی، بخوانید:

عَلَقِي

.....

۳. سوره «علق» را با رعایت تلفظ فصیح حرف «ع» همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

هرگز چنین نیست؛ قطعاً انسان سرکشی می‌کند؛

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ﴿٦﴾

به دلیل این که خود را بی‌نیاز (از پروردگارش) دید.

أَن رَّءَاهُ اسْتَفْتَىٰ ﴿٧﴾

در واقع بازگشت (همه امور) فقط به سوی پروردگار
توست.

إِن إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَىٰ ﴿٨﴾

درس‌هایی از سوره

۱. چرا انسان‌ها به جای خضوع در برابر پروردگار خویش، سرکشی می‌کنند؟
 «يَطْفَىٰ» از «طغیان» به معنای تجاوز از حدود و اندازه است. «اِسْتَفْتَىٰ» از ماده‌ی «غنی»، به معنای بی‌نیازی بوده و در باب استفعال، معنای احساس بی‌نیازی را می‌رساند.

اگر انسان نیاز خود به آفریدگاری که او و هستی را ایجاد کرده و ویژگی انسان



دانیایی) را شکوفا کرده، درک کند؛ در برابر دعوت پیامبر ﷺ به توحید ربوبی سر تسلیم فرو می‌آورد، اما افرادی که چنین فقری را درک نکنند، در برابر این دعوت، واکنش منفی نشان داده و سرکشی می‌کنند. پس علت اصلی سرکشی، «تَوْهُمُ بی‌نیازی» است و تا این تَوْهُم وجود دارد، انسان غیر از سرکشی در برابر دعوت مصلحان، واکنشی نخواهد داشت.

۲. چهارمین ویژگی انحصاری پروردگار عالم چیست؟ چرا این ویژگی در کنار سه ویژگی دیگر ذکر نشد؟ (آیه ۸)

در آیات ۱-۵، خالقیت هستی و آفرینش بشر از علق، و اوج ارجمندی وی در اعطای علم به انسان به عنوان سه نشانه ربوبیت الهی معرفی شد. در آیه هشتم، ویژگی مهم و انحصاری دیگری از پروردگار بیان می‌شود تا شایستگی او را برای بندگی به طور کامل به اثبات رساند: «بازگشت همه امور به سوی پروردگار توست.» علت ذکر نشدن این ویژگی، در کنار سه ویژگی دیگر آن بود که سه ویژگی نخست، با اندک تأملی در آفرینش برای عموم انسان‌ها قابل درک است؛ اما ویژگی چهارم مربوط به آینده است و تنها برای کسی چون پیامبر ﷺ قابل درک و پذیرش است. به همین دلیل این ویژگی به صورت جداگانه خطاب به ایشان صادر شد.

آموزه‌های زندگی

۱. نمونه‌هایی از طغیان‌گرانی را که امروزه در جهان وجود دارند، ذکر کرده و بررسی کنید این طغیان‌گری تا چه میزان برآمده از احساس بی‌نیازی آن‌ها از پروردگار است.

۲. بررسی کنید که آیا جمال یک زن می‌تواند در وی احساس بی‌نیازی از پروردگار ایجاد کرده و در نهایت او را به سرکشی از فرامین پروردگار وا دارد؟ آیا هر خانمی که از جمال بهره دارد، حتماً به غرور و سرکشی خواهد رسید؟



قرائت سوره

قرائت قرآن، مهارتی است که به تدریج و با تمرین مستمر حاصل می‌شود. با استفاده از روش صحیح آموزشی، به آسانی می‌توانیم به نتیجه مطلوب یعنی قرائت صحیح و فصیح دست یابیم.

شیوه صحیح و روش مند کسب مهارت قرائت قرآن، شامل گام‌های زیر است:

۱. استماع قرائت الگو برای کشف و شناخت اصول و نکات قرائت
 ۲. استماع مکرر قرائت الگو، برای ایجاد مهارت شنیداری و تقویت الگوپذیری^۱
 ۳. تمرین قرائت، برای به دست آوردن مهارت ادای صحیح و فصیح
 ۴. قرائت نزد استاد جهت بررسی کیفی و ارائه تذکرات توسط استاد^۲
 ۵. تمرین‌های تکمیلی جهت اصلاح اشکالات و تثبیت مهارت
- بنابراین در این کتاب، درس‌های قرائت با توجه به مراحل بالا تدوین شده است؛ و در برخی درس‌ها مانند این درس، گام چهارم و پنجم مورد تأکید است.

ارزیابی قرائت توسط استاد

سوره «علق» را در محضر استاد، قرائت کرده و نکات و تذکرات ایشان را یادداشت

۱. قرائت صحیح و فصیح، تنها با شناخت اصول و نکات، حاصل نمی‌شود. بلکه بایستی با تکرار استماع و تقویت مهارت گوش کردن، الگوپذیری حاصل شود و دستگاه تکلم را برای ادای صحیح و فصیح آماده کرد. از این رو بر اجرای دقیق گام دوم پیش از گام‌های بعدی تأکید می‌شود.

۲. توصیه می‌شود برای حصول نتیجه بهتر، هر یک از قرآن‌آموزان تذکرات استاد را ثبت کرده تا هنگام تمرین، آن‌ها را مورد اهتمام قرار دهد.

و سپس با تمرین های تکمیلی برای اصلاح آن ها تلاش کنید.
نکات و تذکرات استاد

.....

.....

.....

در محضر آیات سوره

آیا دیدی کسی را که منع می کند،

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ^٩

بنده ای را هنگامی که نماز می گزارد؟^۱

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ^{١٠}

آیا ملاحظه کردی اگر (او) بر (راه) هدایت باشد،

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ^{١١}

یا به خودنگه داری فرمان دهد (منع کردن او سزاوار است)؟!

أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى ^{١٢}

آیا ملاحظه کردی اگر (او) تکذیب کند و روی برتابد (مستحق مجازات الهی نیست)؟

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ^{١٣}

آیا ندانسته که خدا (اورا) می بیند؟

أَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَرَى ^{١٤}

هرگز چنین نیست؛ اگر پایان ندهد، حتماً زمام (اورا) می گیریم و می کشیم؛^۲

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ^{١٥}

۱. این آیات اشاره به نماز خواندن پیامبر ﷺ قبل از رسالت در مقابل کعبه و تلاش ابوجهل برای جلوگیری از این عمل حضرت ﷺ دارد.

۲. «نسفع» فعل مضارع از ریشه «سَفَع» که در اصل برای دست گذاشتن محکم بر پیشانی اسب به کار می رفته و



(همان) زمام (شخص) دروغ‌گوی
خطاکار را؛

نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾

پس باید (اهل) محفلش^۱ را فراخواند
(تا یاری اش کنند)؛

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ. ﴿١٧﴾

که (ما هم) قطعاً مأموران (دوزخ)^۲ را
برای سرکوب ایشان) فرا می‌خوانیم.

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾

هرگز چنین نیست؛ او را اطاعت مکن و
سجده نما و (به خدا) نزدیک شو.

كَلَّا لَا نُطِيعُ مَا نَسَجَدُ وَأَقْرَبَ ﴿١٩﴾

درس‌هایی از سوره

۱. عبد کیست؟ (آیه ۱۰)

«عبد» بر انسان و هر مملوکی که ملک دیگری باشد، اطلاق می‌شود. بندگی و گونه است: نخست بردگی؛ به این معنا که جسم انسان به اجبار، اسیر دیگری باشد. دوم عبادت؛ یعنی انسان جان خود را به اختیار و اعتقاد کامل، تسلیم دیگری کند و برنامه زندگی خویش را با کمال میل، تابع خواست او قرار دهد. وقتی

سپس گرفتن هر چیزی را به صورت محکم با دست سفح گفته‌اند... «ناصیه» موی جلوی پیشانی. در اصل به معنای وصل بوده و چون موهای جلو، به پیشانی وصل است، چنین نامیده شده است. تعبیر «گرفتن موی جلوی پیشانی» به معنی تحقیر شدید است. زیرا این کار را جز برای زدن و یا کشاندن فرد انجام نمی‌دهند. ضمن این که وقتی موی جلوی پیشانی شخصی را بگیرند، قادر به هیچ حرکتی نیست.

۱. «نَادِي» به مکانی گفته می‌شود که قوم در آن جمع می‌شوند تا تصمیم جمعی بگیرند. در اینجا به اهل مجلس و هم‌نشین‌های يك شخص و کسانی گفته می‌شود که شخص به انکای آنان، سخن گفته یا عملی را انجام می‌دهد.

۲. از ریشه «زَنَن» به معنای دفع با شدت است و «زَبَانِيَةَ» به کسانی گفته می‌شود که مردم را به شدت دفع کنند و در اینجا مراد از آن ملائکه‌ای است که پاسبانان دوزخ‌اند.

خدای متعال پیامبر خویش را عبد می خواند، مراد نوع دوم است. نماد این نوع بندگی نماز است. زیرا وابستگی روحی بنده را به مالک خویش نمایان می کند.

۲. مراد از امر به تقوا در سوره علق چیست؟ (آیه ۱۲)

«تقوا» از مفاهیم کلیدی و پرتکرار در قرآن است. این واژه در لغت به معنای حفظ کردن خویش از چیزی است که از آن می ترسد. اما در شریعت و دین به معنای خویشتن داری از گناه است. از آنجا که سوره علق، نخستین سوره در ترتیب نزول بوده و آیه «أَوْ أَمَرَ بِالْقَوَىٰ» به داستان نماز پیامبر ﷺ پیش از رسالت در کنار کعبه اشاره دارد، می توان نتیجه گرفت که مراد از «تقوا» در این آیه همان مفهوم لغوی است که نزد مشرکان مکه شناخته شده بود؛ نه مفهوم اسلامی و قرآنی توسعه یافته.^۱ گویی خدا در مقام دفاع از پیامبر خویش می فرماید: مگر او چه کرده که مانع عبادت او شدند؟ احتمال ندادند که شاید او بر مسیر هدایت باشد؟ آیا مردم را جز به خویشتن داری، ضابطه مندی و انضباط در زندگی امر کرده است؟

بیشتر بدانیم

بهترین راه درمان سرکشی کدام است؟ (آیه ۱۴)

گاهی انسان متوجه لوازم اعتقادات خود نیست. مشرکان مکه با این که به الله معتقد بودند. اما به لوازم آن توجه نداشتند. کسی که اعتقاد به خدا دارد، باید بداند که خداوند ناظر بر اعمال اوست. اگر انسان به این نکته توجه کند، دست از طغیان گری برمی دارد. از این رو خدای متعال در این آیه، با توبیخ ابوجهل، همه انسان ها را به «در محضر خدا بودن» توجه می دهد و در همین آغاز دعوت، نسخه درمان طغیان گری را عرضه می دارد: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ»

۱. البته بین دو مفهوم منافاتی وجود ندارد، جزاینکه مفهوم تقوا در این سوره مفهومی بسیط و قابل فهم برای مسلمانان و غیرمسلمانان بوده است؛ اما به تدریج مفهوم آن کاملتر می شود تا جایی که تنها کسانی که با فرهنگ قرآنی آشنا باشند، حقیقت کامل آن را در می یابند.



آموزه‌های زندگی

۱. مصادیق امروزی آیه « أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى » را می‌شناسید؟ علت رفتار ایشان چیست؟
۲. چگونه می‌توان هنگام هجوم وسوسه‌های نفسانی و شیطانی، « أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى » را در ذهن خود حاضر نگه داشت.

(سورة قلم)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ت وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْحُونٍ ﴿٢﴾

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

فَسَتَبْصُرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾ بِأَيِّكُمْ الْمَفْقُوتُونَ ﴿٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾ فَلَا تُطِعْ

الْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾ وَلَا تُطِعْ كُلَّ

حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾ مَنَّاعٍ لِلْخَبِيرِ مُعْتَدٍ

أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ رَنِيمٍ ﴿١٣﴾ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

﴿١٤﴾ إِذْ اتَّقَى عَلَيْهِ إِيْتِنَانَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولَىٰ ﴿١٥﴾



سَسِمُّهُ عَلَى الْخُرطومِ ﴿١٦﴾ إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا
لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا يَسْتَنْوُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ
وَهُمْ نَائِبُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَنَادُوا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنِ
أَعْدُوا عَلَيْنَا حَرْشَكُمُ إِنَّ كُنْتُمْ صَرَمِينَ ﴿٢٢﴾ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَخْفَفُونَ ﴿٢٣﴾
أَن لَّا يَدْخُلَتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿٢٤﴾ وَغَدَا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا
رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿٢٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلرَّأْفَلُ
لَكُمْ لَوْلَا نَسِيحُونَ ﴿٢٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَ
بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَمَّضُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا يَا بُولَاقُ إِنَّا كُنَّا طَائِفِينَ ﴿٣١﴾ عَسَى
رَبِّنَا أَن يَبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ
الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ
﴿٣٤﴾ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ
لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا خَيْرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ
عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ
بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَمَا يُبَشِّرُونَهُمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾
يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾



خَشِعَةً أَبْصَرَهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ

﴿۴۳﴾ فَذَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۴﴾ وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿۴۵﴾ أَمْ تَسْتَلْهُمُ أَجْرًا فَهُمْ

مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿۴۶﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿۴۷﴾ فَأَصْبِرْ

لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿۴۸﴾ تَوَلَّى

أَنْ تَدْرِكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لِنَيْذِهِ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿۴۹﴾ فَأَجْنِبْهُ رِبَّهُ

فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۵۰﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿۵۱﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۵۲﴾

قرائت سوره

پس از استماع سوره مبارکه «قلم»، به سؤال زیر پاسخ دهید:

• در آیه اول، «ت» چگونه قرائت می‌شود؟ چرا؟

همان‌گونه که می‌دانیم «ت» و موارد مشابه آن در قرآن، «حروف مقطعه» نامیده می‌شوند. این حروف، در ابتدای بیست و نه سوره از صد و چهارده سوره قرآن، به شکل یک حرفی تا پنج حرفی وجود دارد که به صورت پیوسته نگارش شده است. اما هنگام قرائت، هر حرف به صورت جدا و با اسم خود خوانده می‌شود.

از بیست و هشت حرف الفبای عربی، چهارده حرف در حروف مقطعه به کار رفته‌اند.^۱ برای خواندن حروف مقطعه، لازم است اسامی این حروف را بدانیم:

«الف، حاء، راء، سین، صاد، طاء، عین، قاف، کاف، لام، میم، نون، هاء، یاء»
 دو نکته:

۱. حروفی که اسامی آن‌ها به همزه ختم می‌شود، در قرائت حروف مقطعه همزه آن‌ها خوانده نمی‌شود.
۲. حروفی که با علامت (◌) همراه هستند، با کشش بیشتر خوانده می‌شوند.

۱. فاضل نیشابوری مفسر قرن هشتم از قول شیعیان، عبارتی را نقل می‌کند که از جمع این حروف تشکیل شده است: «عَلَى صراطِ حَقِّ نُمَيْكَةَ» (تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص: ۱۳۳)

۲. این شکل، علامت مد نامیده می‌شود. علامت مد نشانه کشش بیشتر حروف مدی است.

مهارت افزایی

۱. جدول زیر را کامل کنید.

حروف مقطعه	سوره	شیوه قرائت
ص		
ق		
ن	قلم	نون
طه		
یس		
حم		
الت		
الر		
طس		
المص		
طسم		
المر		
کهیعیص		
حم عسق		

۲. سوره «قلم» را با رعایت تلفظ صحیح «و» و «ع»، همراه با قرائت الگو

زمزمه و سپس هم خوانی کنید.



مباحثی از علوم قرآن

معنای حروف مقطعه چیست؟

حروف مقطعه از جمله دل‌مشغولی‌های مفسران است و حداقل تا چهارده احتمال در مورد آن‌ها گفته شده است. از جمله: دلالت بر اعجاز قرآن، سوگند، فاقد معنای خاص، اشاره اجمالی به محتوای سوره، اشاره به اسماء الهی و ... که هیچ‌کدام قطعی و قابل اثبات نیست.

با توجه به برخی روایات^۱ اهل بیت علیهم‌السلام صحیح‌تر آن است که گفته شود: این حروف رمزی است میان خدا و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که جز از راه بیان حضرت و عترت مطهرش قابل دسترسی نیست.

البته رمزی بودن حروف مقطعه، منافاتی با وجود تأثیرات قابل درک برای عموم و حتی مشرکان و معاندان ندارد. از جمله احتمال دارد، این حروف باعث جلب توجه مخاطبان شده و فرصتی برای خواندن آیات قرآن بر مردم ایجاد شود. به هر حال وجود این حروف در قرآن کریم، نشان می‌دهد که بعضی از معارف قرآنی، از طریق فکر عادی، قابل درک نیست و راهی جز مراجعه به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیست.

۱. قَالَ جَعَفَرُ الصَّادِقُ عليه السلام الْم رَمْزٌ وَإِسَارَةٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ حَبِيبِهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله أَرَادَ أَنْ لَا يَطَّلِعَ عَلَيْهِ سِوَاهُمَا بِحُرُوفٍ بَعْدَتْ عَنْ ذَلِكَ الْإِعْتِبَارِ وَظَهَرَ التَّسْرُّبُ بَيْنَهُمَا لَا غَيْرُ. بحار الأنوار، مجلسی، ج ۸۹، ص: ۳۸۴؛ وسعد السعود للسيد بن طاووس، ص ۲۱۷.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۵۲ آیه	ردیف: ۲ بعد از علق قبل از مزمل	ردیف: ۶۸ بعد از ملک قبل از حاقه جزء ۲۹ صفحه ۵۶۴	برخی آیات سوره مدنی دانسته شده، که طبق نظر صحیح این قول مردود است.	مکی	به کار رفتن این کلمات در آیه اول	ن القلم

۲. غرض سوره

عبور دادن مناسب حضرت محمد ﷺ از چالشِ تهمت جنون به وی که تکذیب کنندگان در آغاز دعوت اسلامی به وی نسبت دادند.

۳. گزارش محتوای سوره

سوره به سه بخش ذیل تقسیم می‌شود:

بخش اول. (آیات ۱ تا ۱۵): توصیه خداوند به پیامبر ﷺ مبنی بر مقاومت در برابر مکذبان.

این توصیه در دو قسمت پی‌گیری شده است:

الف: رد نسبت ظالمانه دیوانگی به حضرت با وعده پاداش الهی و پیروزی وی. (آیات ۱ تا ۷)

ب: بر حذر داشتن پیامبر ﷺ از اطاعت و نرمش در برابر گروه تکذیب‌گری که دارای مجموعه‌ای از رفتار نادرست اجتماعی هستند و راهی برای اصلاح آنها نیست. (آیات ۸ تا ۱۵)



بخش دوم. (آیات ۱۶ تا ۴۷): واگذاری تنبیه و مجازات مکذبان به خدا

این بخش در سه قسمت تبیین شده است:

الف: تاکید بر مجازات خوارکننده مکذبان در ضمن ذکر عاقبت اصحاب

باغ. (آیات ۱۶-۳۳)

ب: تاکید بر عدالت پروردگار در برخوردار ساختن اهل تقوا و تسلیم به انواع

نعمت‌ها در مقابل تنبیه دنیوی و اخروی سرکشان مجرم (آیات ۳۴ تا ۴۳)

ج: نتیجه‌گیری از دو قسمت گذشته در واگذاری کار مجرمان به خدا و اشاره

به برخی از انگیزه‌های تکذیب‌گری (آیات ۴۴ تا ۴۷)

بخش سوم. آیات ۴۸-۵۲: نتیجه‌گیری کلی: توصیه پیامبر ﷺ به صبر، ریشه

کینه‌ورزی مکذبان عدم پذیرش کلام حق.

۴. ارتباط سوره

در سوره علق، خدای تبارک و تعالی پیامبر اکرم ﷺ را مأمور معرفی پروردگار

شایسته مردم کرد. اجرای این فرمان در مکه که در آن زمان کانون شرک شده بود،

موجب انفعال اجتماعی شدید شد. صاحبان قدرت و ثروت با انتساب دیوانگی

به آن حضرت، کمر همت به منفعل کردن پیامبر ﷺ بستند. سوره قلم فرو آمد تا

پیامبر اکرم ﷺ را برای عبور از این چالش راهبری کند.

قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف ثاء، پاسخ دهید:

• حرف « ث » در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، « ث » همانند « س » و متفاوت با تلفظ عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو، درمی‌یابیم که حرف « ث » در لهجه فصیح عربی، از برخورد نوک زبان با سردندان‌های پیشین بالا تلفظ می‌شود. به تعبیر دیگر « ث » همان « س » نوک زبانی است.

تمایز این دو حرف، در محل برخورد زبان است. در « س » سرزبان پشت دندان‌های پیشین ولی در « ث » نوک زبان بین دندان‌ها قرار گرفته و هوا به بیرون دمیده می‌شود.

اِثْمَ	اَسْمَ
گناه	نام
يَلْبَسُونَ	يَلْبَسُونَ
دزد می‌کنند	می‌پوشند



مهارت افزایی

۱. حرف « ث » را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف « س » بخوانید.

سَسِ سُسُ	سَا سِي سُو	سَا سِي سُسُ	أَسِ إِسِ أُسُ	أَسِ أَيْسِ أُسُ
ثَ ثِ ثُ	ثَا ثُو ثِي	ثَا ثِ ثُ	أَثِ إِثِ أَثُ	أَثِ أَثِ أَثُ

۲. کلماتی که در سوره « قلم » دارای حرف « ث » هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

..... أَثِيمِ

۳. سوره « قلم » را با رعایت تلفظ فصیح حرف « ث » همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

نون. سوگند به قلم و آنچه می نویسند!

که تو به سبب نعمت پروردگارت دیوانه
نیستی،

و قطعاً، برای تو پاداشی بی پایان است؛

و مسلماً تو برخوردار هستی (اخلاقی) بزرگوارانه ای
هستی؛

پس به زودی می بینی و می بینند،

که کدام یک از شما (دیوانه‌ای) فریب
خورده‌اید!

به راستی که پروردگارت، خود، به کسی که از
راهش گمراه گشته داناتراست؛ و (هم چنین)
او به (حال) ره یافتگان داناتراست.

پس، از تکذیب کنندگان اطاعت مکن.

(آنان) علاقه مند نرمش و سازش تو هستند تا
خود نیز نرمش نشان دهند!

و اطاعت مکن از هر بسیار سوگند یادکننده‌ی
خوارشده،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾

مَا أَنْتَ بِعِزَّةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

فَسَبِّحْهُ وَبِحَمْدِهِ ﴿٥﴾

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ ﴿٦﴾

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾

وَدُّوا لَوْ نَدَّهْنُ فَيَدَّهِنُونَ ﴿٩﴾

وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾

۱. «نَدَّهْنُ» از «إِدْهَان» به معنای روغن مالی و کنایه از نرمش نشان دادن و سازش است.



بسیار عیب‌جویی که به سخن‌چینی فراوان
گام برمی‌دارد،

هَمَّا زِمَّ مَشَاءَ بَنِمِيمٍ ﴿۱۱﴾

بسیار بازدارنده از نیکی، تجاوزگرگانه پیشه،

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتَمِ ﴿۱۲﴾

کینه‌توز، که بعد از این (همه) شرور است.

عُتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿۱۳﴾

(مبادا به خاطر آن) که دارای ثروت و پسران^۱
است (با آن‌ها سازش کنی)!

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿۱۴﴾

هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود،
می‌گوید: «(این‌ها) افسانه‌های پیشینیان
است.»

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ ﴿۱۵﴾

درسی از سوره

مراد از خَلْقِ عَظِيمٍ پیامبر ﷺ چیست؟ (آیه ۴)

خداوند متعال در آیات نخستین ضمن رد نسبت جنون به حضرت، در آیه چهارم به بزرگی اخلاق پیامبر ﷺ اشاره کرده است؛ «خَلْقٌ» به معنای سنجیده و خوی است و جمع آن اخلاق است. مراد از خلق عظیم آن است که تواز قومت مشکلاتی تحمل می‌کنی که قبل از تو تحمل نمی‌شد.

پیامبر ﷺ در معرض بدترین تهمت‌ها و سخت‌ترین فشارها است. در این موقعیت یادآوری اخلاق بزرگ پیامبر ﷺ و شکیبایی در برابر این فشارها، در تسلاهی دل آن حضرت بسیار مؤثر است.

۱. پسرداشتن کنایه از قدرت است.

بیشتر بدانیم

حکم نرمش و همراهی با جریان‌های مخالف چیست؟ (آیات ۸-۱۵)

با آن که نزول سوره قلم در آغاز رسالت پیامبر اکرم ﷺ بوده و فشارهای وارده بر حضرت بسیار سنگین بود، خدای متعال اجازه هیچ‌گونه نرمش، همراهی و فرمان‌پذیری از جریان‌های مخالف و معارض را نمی‌دهد و دو دلیل برای این ممنوعیت بیان می‌دارد:

۱. تکذیب‌گری؛ اینان گروهی هستند که هرآنچه با مذاقشان خوش نیاید تکذیب می‌کنند و تنها به دنبال همراه ساختن توباً خویش هستند.

۲. وجود مجموعه‌ای از سجایای اخلاقی فاسد؛ اخلاق و رفتار زشت ایشان نیز مانع جدی دیگری برای سازش بین پیامبر ﷺ و ایشان است.

از این نهی الهی می‌توان نتیجه گرفت که اگر هر یک از این دو ویژگی در جریان‌ی وجود داشته باشد، آن جریان در تعارض جدی با حرکت حق است و سازش و همراهی و نرمش و اطاعت از آن به معنای ضایع شدن جریان اصلاحی و منافی با تأمین کمال و سعادت انسان خواهد بود.

این قاعده کلی، باید مورد توجه همه مصلحان و رهبران دینی و اجتماعی قرار

گیرد.

آموزه‌های زندگی

۱. آیا مواردی را می‌شناسید که یک زن با رعایت سجایای اخلاقی، توانسته باشد بر

مشکلات خود پیروز شود؟

۲. آیا صفات زشت مذکور در آیات، در جامعه دینی ما وجود دارد؟ چگونه می‌توان

جامعه دینی را از این صفات، دور نگاه داشت؟



قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف ذال، پاسخ دهید:

• حرف « ذ » در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، « ذ » همانند « ز » و متفاوت با لهجه عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو، مشخص می‌شود که حرف « ذ » از برخورد نوک زبان با سردندان‌های پیشین بالا تلفظ می‌شود. به تعبیر دیگر « ذ » همان « ز » نوک‌زبانی است.

تمایز این دو حرف، در محل برخورد زبان است. در « ز » سر زبان پشت دندان‌های پیشین و در « ذ » نوک زبان بین دندان‌ها قرار می‌گیرد.

نکته: حرف « ذ » باید به صورت نازک و کم‌حجم تلفظ شود تا به حرف دیگری (ظ) تبدیل نشود.

ذَرَعًا	زَرَعًا
اندازه گرفتن	زراعت
ذَلَّ	زَلَّ
خوار شد	لغزید

مهارت افزایی

۱. حرف « ذ » را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف « ز » بخوانید.

زَرِزُ	زَا زِي زُو	زَا زِي زُو	زَا زِي زُو	زَا زِي زُو
ذَ ذِي ذُو	ذَا ذُو ذِي	ذَا ذُو ذِي	ذَا ذُو ذِي	ذَا ذُو ذِي

۲. کلماتی که در سوره « قلم » دارای حرف « ذ » هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

..... الْمَكْدِينِ ذَٰلِكَ

۳. سوره « قلم » را با رعایت تلفظ فصیح حرف « ذ » همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.



در محضر آیات سوره

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ﴿١٦﴾

به زودی بر بینی او داغ می نهیم!

در حقیقت، ما آن (تکذیب‌گر)ان را آزمودیم، همان‌گونه که باغ‌داران را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که آن (میوه‌های باغ) را صبحگاهان حتماً بچینند.

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾

و (سهمی را برای بینوایان) استثنا نکنند؛

وَلَا يَسْتَنُونَ ﴿١٨﴾

و (عذاب) چرخنده‌ای از جانب پروردگارت برگرد آن (باغ) چرخید، در حالی که آنان خوابیده بودند

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾

و هم چون درختان قطع شده (و خاکستر شده) گردید.

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾

و صبحگاهان يك ديگر را ندا دادند،

فَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾

که اگر میوه چین هستید، به سوی کشتزارتان بامدادان بیرون روید و با شتاب رفتند، در حالی که آنان آهسته به يك ديگر می گفتند:

أَنْ أَعْدُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٢﴾

«که امروز، هیچ بینوایی در آن (باغ) بر شما هرگز وارد نشود.»

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَخْلَفُونَ ﴿٢٣﴾

أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿٢٤﴾



و بامدادان بیرون رفتند، در حالی که بر منع
(بینوایان مصمم و توانا بودند.

وَعَدُوا عَلَىٰ حَرِّ قَدْرَيْنَ ﴿٢٥﴾

و هنگامی که آن (باغ) را دیدند، گفتند:
«قطعاً ما گم گشته ایم! (این باغ ما
نیست)

فَمَا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿٢٦﴾

(سپس متوجه شدند که این، همان باغ
است و گفتند) بلکه ما محروم شده ایم!

بَلْ لَمْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ ﴿٢٧﴾

میانه روترین آنان گفت: «آیا به شما نگفته
بودم که چرا تسبیح نمی گویند؟!»

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

گفتند: «منزه است پروردگار ما؛ در واقع ما
ستمکار بودیم!»

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾

و برخی از آنان به برخی [دیگر] روکرده، در
حالی که يك دیگر را سرزنش می کردند؛

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَمَّضُونَ ﴿٣٠﴾

گفتند: «ای وای بر ما که ما طغیانگر
بودیم!

قَالُوا يَا بُولَاقَانَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾

امید است که پروردگاران بهتر از آن برای
ما جای گزین کند؛ [چرا] که ما فقط به
سوی پروردگاران مشتاقیم.»

عَسَىٰ رَبَّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا
رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾

عذاب (دنیا) این گونه است، و حتماً
عذاب آخرت بزرگ تر است، اگر (بر
فرض) می دانستند.

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾



درسی از سوره

هدف از بیان داستان اصحاب باغ چیست؟

آیات این بخش نیز خطاب به پیامبر ﷺ است. در این آیات خدای متعال با بیان داستان اصحاب باغ، نمونه‌ای از برخورد با اشراف مغرور را نشان می‌دهد و از پیامبر ﷺ می‌خواهد تا برخورد با این گروه را به خدا واگذار کند که به زودی داغ ننگ را بر چهره‌ی این گروه خواهد زد و این انتظار، زمان زیادی به طول نخواهد انجامید. هدف از نقل این داستان، نشان دادن سرنوشت مشرکان مکی است تا پیامبر ﷺ احساس نگرانی به خود راه نداده و در مقابل آن‌ها منفعل نشود.

بیشتر بدانیم

۱. آیا عذاب الهی ستم بر بندگان است؟ (آیات ۲۸ تا ۳۱)

از داستان اصحاب باغ می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی نزول بلاى الهی، تصمیمات نابجا و رفتار غلط خود انسان است. بنابراین، هرگاه انسان مؤمن به بلایی گرفتار می‌شود، بایستی علت آن را در پندار و کردار خویش جستجو کند و از نسبت دادن ستم به حضرت حق خودداری نماید.

۲. در شکست‌های اجتماعی چه کسی مقصر است؟ (آیات ۲۸ تا ۳۱)

در شکست، معمولاً هرکس گناه را متوجه دیگری می‌نماید. معروف است که شکست، یتیم است و برای پیروزی، هزار پدر وجود دارد. عامل شکست‌های اجتماعی، خطای جمعی برآمده از توافق و همراهی برخی و سکوت و رضایت سایرین است. به همین دلیل برادران پس از محاکمه‌ی همدیگر متوجه شدند که طغیان، کاری جمعی بوده و هیچکدام دور از خطا نبوده‌اند.

آموزه‌های زندگی

۱. چگونه می‌توان مردم را به این باور رساند که مقصر اصلی رفتاری‌ها و مشکلات، خود انسان‌ها هستند؟
۲. تأثیر سکوت و رضایت اطرافیان در مشکل بدپوششی برخی زنان جامعه را بررسی کنید.



قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف ظاء، پاسخ دهید:

- حرف « ظ » در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، « ظ » همانند « ز » و متفاوت با لهجه عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو، درمی‌یابیم که حرف « ظ » همانند حرف « ذ » اما به صورت درشت و پرحجم تلفظ می‌شود. یعنی عقب زبان در هنگام تلفظ حرف « ظ » بالا رفته و فضای دهان را پر می‌کند. همانند کسی که صدایش را در گلو می‌اندازد. به تعبیر دیگر، « ظ » همان « ذ » درشت است.

تمایز این دو حرف در نازکی و درشتی است. « ذ » نازک و کم حجم ولی « ظ » درشت و پرحجم تلفظ می‌شود.

مَحْظُورًا	مَحْدُورًا
ممنوع شده	مورد پرهیز
ظَلٌّ	ذَلٌّ
سایه انداخت	خوار شد

مهارت افزایی

۱. حرف « ظ » را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف « ذ » بخوانید.

أَذَّ أَذَّ أَذُّ	أَذَّ إِذُّ أَذُّ	ذَّا ذُّ ذُّ	ذَا ذُوذِي	ذِ ذِ ذُ
أَظَّ أَظَّ أَظُّ	أَظَّ إِظُّ أَظُّ	ظَّا ظُّ ظُّ	ظَا ظُوظِي	ظِ ظِ ظُ

۲. کلماتی که در سوره « قلم » دارای حرف « ظ » هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

..... عَظِيمٍ

۳. سوره « قلم » را با رعایت تلفظ فصیح حرف « ظ » همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.



در محضر آیات سوره

در حقیقت، فقط برای خودنگه‌داران، نزد پروردگارشان بوستان‌های پر نعمت (بهشت) است.

و آیا تسلیم شدگان (در برابر حقایق و برنامه‌های تربیتی پروردگار) را هم چون خلفاکاران قرار می‌دهیم؟!؟

شما را چه شده؟! چگونه داوری می‌کنید؟!؟

بلکه آیا برای شما کتابی است که در آن می‌آموزید،

که در آن (کتاب) هست که (هر پاداشی) را برمی‌گزینید برای شماست؟!؟

یا برای شما بر ما سوگندها (و پیمان‌ها) ی رسایی تا روز رستاخیز است که آنچه را داوری می‌کنید برای شماست؟!؟

از آنان بپرس که کدامشان بر این (سوگند و پیمان) ضامن هستند؟!؟

یا برای آنان شریکان (معبود گونه) است؟! پس اگر راست‌گویند باید شریکانشان را بیاورند

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٣٤﴾

أَفَجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْجُرْمِينَ ﴿٣٥﴾

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

أَمْ لَكُمْ آيَاتُنَا عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾

سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَمَا يُؤْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾

۱. به عبارت روان تر: آیا شما پیمانی همراه با سوگند از ما گرفته اید که تا روز رستاخیز تداوم داشته باشد، که در آن

روز هر چه شما در باره پاداش خود حکم کنید، عملی شود؟!؟

روزی که (لباس) از ساق (پا) ها برطرف شود (و کار مشکل گردد) ^۱ و به سجده فراخوانده می شوند، و [لی] نمی توانند (سجده کنند).

در حالی که دیدگان شان (از ترس) فروتن گشته

(و) خواری آنان را فرا می گیرد؛ و به یقین، (در

دنیا) به سوی سجده فراخوانده می شدند در

حالی که آنان سالم بودند (اما سجده

نمی کردند)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

خَاشِعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ ﴿٤٣﴾

درس‌هایی از سوره

۱. چرا خدای متعال بر عدم یکسانی عاقبت تسلیم شدگان با مجرمان تکذیب‌گر تأکید می‌کند؟ (آیه ۳۵)

در سوره علق، مردم با پروردگار شایسته پرستش آشنا شدند. برای تنظیم رابطه ایشان با پروردگار " توجه دادن مردم به عدالت پروردگار" ضروری است. به همین دلیل، خدای متعال پس از اشاره به پاداش نیک متقیان، بر یکسان نبودن فرجام ایشان و مجرمان تکذیب‌گر تأکید می‌کند تا مخاطبان را با یکی از عناصر تحول‌آفرین یعنی باور به عدالت پروردگار، آشنا کند.

همان پروردگاری که باغ مکذبان را نابود می‌کند، در آخرت باغ گسترده و پر نعمت را به پرهیزکاران می‌بخشد.

۲. قرآن چگونه به توهم خوش فرجامی مجرمان تکذیب‌گر پاسخ می‌دهد؟ (آیات ۳۵ تا ۴۱)

ممکن است سرکشان و مکذبان، نظام جزا و پاداش عادلانه پروردگار را انکار

۱. تعبیر «کشف از ساق» کنایه از شدت گرفتن امور است. این اصطلاح در جنگ‌ها بیان‌کننده‌ی شدت درگیری است.



نموده و برای خود، فرجامی خوش تصور کنند. قرآن با ذکر چند احتمال و نقد آن‌ها، این توهم را باطل می‌کند:

۱. عقل، تساوی فرجام دو گروه تسلیم شده و مجرم را نمی‌پذیرد. استفهام انکاری در آیه به این اشاره دارد. (آیه ۳۵ و ۳۶)

۲. دلیل نقلی و نوشته‌ای مبنی بر این‌که مجرمان، حق انتخاب عاقبت دارند، وجود ندارد. (آیات ۳۷ و ۳۸)

۳. میان خدا و مجرمان، پیمانی که به ایشان حق انتخاب فرجام دهد نیز بسته نشده است. (آیات ۳۹ و ۴۰)

۴. شریکی برای پروردگار عالم نیست که هنگام عذاب مجرمان، به یاری ایشان بشتابد. (آیه ۴۱)

بیشتر بدانیم

چرا مجرمان در رستاخیز قادر بر سجده نیستند؟ (آیات ۴۲ و ۴۳)

ناتوانی مجرمان از سجده در روز رستاخیز، برآمده از عدم خشوع آنها در دنیا بوده است. بی تقوایی و ارتکاب اعمال مجرمانه در دنیا موجب می‌شود که انسان شخصیتی مجرم پیدا کند و با همین شخصیت وارد محشر شده و هنگامی که به سجده دعوت می‌شود، از اجابت آن، ناتوان خواهد بود. از این آیه می‌توان برداشت کرد که حقیقت رستاخیز، تجسم اعمال انسان در دنیا و گره خورده با سبک زندگی وی در این جهان است.

آموزه‌های زندگی

۱. نمودهایی از عدالت پروردگار را در جهان امروز ذکر کنید.
۲. بررسی کنید: آیا توهماتی مشابه توهمات چهارگانه مجرمان در اندیشه جامعه دینی ما نیز وجود دارد؟ (مانند کسانی که به دلیل مسلمان بودن، شیعه بودن، طلبه بودن و ... خود را نجات یافته می‌پندارند)

قرائت سوره

در درس پنجم خواندیم که حفظ قرآن، مورد تأکید پیامبر اکرم ﷺ بوده و دارای فضیلت و ارزش فراوانی است. حفظ قرآن، مهارتی است که با تکرار زیاد آیات و تمرین مستمر حاصل می‌شود. روش آموزشی قرائت در این کتاب به گونه‌ای است که گام‌های آغازین حفظ قرآن محقق شده و قرآن‌آموز در آستانه حفظ قرار می‌گیرد. از این‌رو در این درس و برخی درس‌های آینده، نکات کاربردی حفظ قرآن بیان می‌شود که با رعایت آن‌ها می‌توان سوره‌ها و آیات هر درس را به آسانی حفظ کرد.

نکات کاربردی حفظ قرآن (۱)

شیوه صحیح و روش مند حفظ قرآن، شامل گام‌های زیر است:

۱. حفظ جدید

۲. تثبیت حفظ جدید

۳. مرور محفوظات

مراحل بالا با انجام برخی فعالیت‌های تکمیلی، ماندگار می‌شود؛ مانند: مباحثه، نوشتن آیات و ...

ارزیابی قرائت توسط استاد

سوره «قلم» را در محضر استاد، قرائت کرده و نکات و تذکرات ایشان را یادداشت و سپس با تمرین‌های تکمیلی برای اصلاح آن‌ها تلاش کنید.
 نکات و تذکرات استاد





در محضر آیات سوره

پس من و کسی را که این سخن (قرآن) را تکذیب می‌کند، رهاکن! به زودی از جایی که نمی‌دانند، به تدریج، گرفتارشان خواهیم کرد؛

فَدَرِّبِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

و به آنان مهلت می‌دهم؛ [چرا] که نقشه‌ی من استوار است.

وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾

یا از آنان پاداشی می‌طلبی، پس آنان از [پرداخت] هزینه (آن) گرانبارند؟!۱

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾

یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است، پس آنان (از آن‌جا) می‌نویسند؟!۲

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾

پس برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکلیا باش، و مانند همراه ماهی (یونس) نباش، هنگامی که ندا در داد، در حالی که او مورد خشم قرار گرفته بود.

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْمَوْئِدِ
إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾

اگر نعمتی از پروردگارش او را دریافته بود، حتماً به کرانه‌ی خشکی افکنده می‌شد، در حالی که او نکوهیده بود.

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ
وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

و[لسی] پروردگارش او را برگزید و وی را از شایستگیان قرار داد.

فَأَجْنِبْهُ رَبُّهُ، فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾

۱. «مغرم» پرداخت غرامت و هزینه بدون آن که انسان بدهی داشته باشد. «مُثْقَلُونَ» کسانی که بارزایدی حمل می‌کنند یا همان گرانباران.



و مسلماً، نزدیک بود کسانی که کفرورزیدند هنگامی که آگاه کننده (قرآن) را شنیدند با دیدگان نشان تو را به زمین بزنند^۱ و می‌گویند: «قطعاً، او دیوانه است.»

در حالی که آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست.

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَلْقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

درسی از سوره

وظیفه پیامبر ﷺ در برابر جریان تکذیب گر چه بود؟ (آیات ۴۴-۵۰)

در قسمت پایانی سوره، به نتیجه‌گیری از دو قسمت گذشته می‌پردازد و وظیفه پیامبر ﷺ را در دو امر خلاصه می‌کند:

۱. واگذاری امور به پروردگاری؛ حال که پروردگارت قادر است تا داغ عذاب و خواری را در دنیا و آخرت بر صاحبان ثروت و قدرت بگذارد و آنان را با خواری و ذلت عذاب کند، کار آنان را به او واگذارد؛ من برای عذاب آنان کافی هستم. مسلماً آن‌ها را درجه به درجه، به گونه‌ای که ندانند، به سمت عذاب خواهم کشاند.
۲. شکیبایی؛ خدای متعال به حضرت ﷺ توصیه می‌کند در مقابل کسانی که رسالت او را تکذیب می‌کنند، شکیبایی بورزد. به این منظور، وی را به عبرت‌آموزی از ماجرای حضرت یونس ﷺ فرا می‌خواند.

بیشتر بدانیم

آیا آیه «و ان یکاد ...» به مسئله چشم زخم اشاره دارد؟ (آیات ۵۱-۵۲)

برخی از مفسران عبارت «لَيَلْقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ» را به معنی چشم‌زخم دانسته‌اند؛ حمل آیه‌ی مزبور بر چشم‌زخم، چندان قوتی ندارد؛ زیرا آن چه از روایات استفاده

۱. «يُلْقُونَ» از ماده‌ی «رَلَقَ»، به معنی لغزیدن و بر زمین افتادن است و کنایه از هلاکت و نابودی است. در این آیه به خشم فراوانی که در چشم نمایان می‌شود، تفسیر شده است.



می‌شود، این است که چشم‌زخم ناشی از «اعجاب» (مبهوت شدن از شدت بزرگی و عظمت یک پدیده) و یا «محبت» است. اما در آغاز رسالت^۱، که پیامبر ﷺ هنوز هوادار و قدرتی پیدا نکرده بود، کفار مکه نسبت به حضرت نه دچار اعجاب شده بودند و نه محبتی نسبت به پیامبر ﷺ پیدا کرده بودند تا بخواهند به وی چشم زخمی بزنند. بنابراین هرچند اصل وجود پدیده چشم زخم، غیرقابل انکار است، اما حمل آیه بر این موضوع مشکل است.

آموزه‌های زندگی

با توجه به آیات فوق، گفتگو کنید: آیا لازم است همواره و در هر شرایطی به مقابله با یاهو گویان پرداخت؟ یا گاهی بهترین پاسخ، سکوت و واگذاری امر به پروردگار است؟ مثال بزنید.

۱. سوره قلم، دومین سوره نازل شده است.



﴿سوره مزمل﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَتَأْتِيهَا الْمُرْمَلُ ﴿١﴾ فَرَأَيْتَ لَإِلَاقِيلاً ﴿٢﴾ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلاً
 ﴿٣﴾ أَوْ زِدَ عَلَيْهِ وَرَبِّهِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ﴿٤﴾ إِنَّا سَأَلْنَا عَلَيْكَ قَالَ
 قَلِيلاً ﴿٥﴾ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً ﴿٦﴾ إِنَّ لَكَ فِي
 النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾ وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً ﴿٨﴾
 رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَأَصْبِرْ
 عَلَى مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ
 أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهَاتُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَحَجِيمًا ﴿١٢﴾
 وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
 وَكَانَتْ الْجِبَالُ كَيْبًا مَهِيلًا ﴿١٤﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا
 عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ
 فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾ فَكَيْفَ تَنْفِقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ
 الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ؕ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾
 إِنَّ هَذَا لَهُ تَذَكُّرٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾



﴿۱۰۴﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي الثَّيْلِ وَيَصِفُّهُ وَيُثَلِّثُهُ، وَطَائِفَةٌ
 مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ الثَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَن لَّنْ نُّحْصِيهِ فَنَابَ
 عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَن سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ
 وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ
 يُقِنُّونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
 الزَّكَاةَ وَقَرِّضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا نُقِذُوا لِنَفْسِكُمْ مِن خَيْرٍ نَّجِدُوهُ
 عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۰۴﴾

قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف هاء، پاسخ دهید:

- حرف «ح» در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، «ح» همانند «ه» و متفاوت با تلفظ عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو، مشخص می‌شود که حرف «ح» از وسط حلق و با فشردگی و انقباض ماهیچه‌های آن تلفظ می‌شود. همانند کسی که بخواهد پوست تخمه‌ای را که در حلق گیر کرده با فشار هوا خارج کند.

تمایز این دو حرف در حالت خروج هوا از حلق است. هوا در «ه» بدون فشار و گرفتگی ولی در «ح» با فشار و گرفتگی از حلق خارج می‌شود.

أَهْوَى	أَحْوَى
واژگون کرد	سیاه گردانید
أُهْلَ (بِ)	أُحِلَّ
نام برده شده	حلال شد

مهارت افزاین

۱. حرف «ح» را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف «ه»

بخوانید.

هَهِ هُوَ	هَاهِ هُوَ	هَاهِ هُوَ	هَاهِ هُوَ	هَاهِ هُوَ
حَ حُ حٌ	حَ حُ حٌ	حَ حُ حٌ	حَ حُ حٌ	حَ حُ حٌ

۲. کلماتی که در سوره «مزل» و «قلم» دارای حرف «ح» هستند را بنویسید

و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

وَحِيدًا

.....

۳. سوره «مزل» را با رعایت تلفظ صحیح حرف «ح» و دیگر حروفی که

تاکنون آموخته‌اید، همراه با قرائت الگوزمزمه و سپس هم خوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه

۲. غرض سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۲۰ آیه	ردیف: ۳ بعد از قلم قبل از مدثر	ردیف: ۷۳ بعد از جن قبل از مدثر جزء ۲۹ صفحه ۵۷۴	آیه ۱۲۰	مکی	قرار گرفتن این کلمه در آیه اول	مزمل

آماده ساختن پیامبر ﷺ برای ورود موفق به عرصه‌ی انذار و هشدار مردم از راه ارائه‌ی برنامه‌ای جامع و اعلام صریح حمایت قاطع پروردگار متعال از وی.

۳. گزارش محتوای سوره

سوره به سه بخش مربوط به هم و هماهنگ تقسیم می‌شود:

بخش اول. آیات ۱ تا ۱۰: برنامه جامع آماده‌سازی پیامبر ﷺ

در آیات ابتدایی سوره، برنامه‌ای جامع جهت مهیا ساختن پیامبر ﷺ برای حضور در عرصه‌ی هشدار مردم، با بیداری و نماز شب، فارغ کردن دل برای خدا و توکل براو، و شکیبایی در برابر آزارهای زبانی مردم و درگیر نشدن با آن‌ها، در اختیار ایشان قرار می‌گیرد.

بخش دوم. آیات ۱۱ تا ۱۹: ابراز حمایت قاطع پروردگار از پیامبر ﷺ

خدای متعال به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد برخورد با مکذبان را به خدای



متعال و اگذار نماید. در ادامه با یادآوری نمونه‌ی برخورد خود با پادشاه سرکش مصر، در برابر رسول خدا (موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام)، به سرکشان مکی هشدار داده و توصیه می‌کند راهی به سوی پروردگار انتخاب کنند.

بخش سوم. آیه‌ی ۲۰: تعدیل حکم بیداری شب و جای‌گزینی برنامه جدید تغییر حجم تعیین شده برای بیداری در بخش اول سوره، و تقلیل و جای‌گزینی برنامه جدید به جای آن، با توجه به احکامی که در این فاصله نازل شده بود.

۴. ارتباط سوره

در سوره‌ی علق، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور شد ویژگی‌های پروردگار شایسته و نیاز مردم به او را بازگو کند. طبیعی بود مردم در برابر دعوت جدید، به دو دسته‌ی مطیع و سرکش تقسیم شوند. سوره‌ی قلم، به دل‌داری حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر واکنش سرکشان صاحبان قدرت پرداخته و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت را به ایشان می‌آموزد.

اکنون در این سوره، با ارائه برنامه‌های عبادی سخت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آماده می‌سازد تا بتواند به عرصه‌ی سخت هشدار و ابلاغ آیات پروردگار، (سوره مدثر) وارد شود.

۵. سبب نزول سوره

در برخی روایات آمده است: وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اولین پیام الهی و وحی را با احساس ناراحتی جسمانی دریافت کرد، وحشت‌زده نزد خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای استراحت آمد و فرمود: «مرا در جامه‌ای بپیچید». این جا بود که جبرئیل نازل شد، و «يا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ» را بروی فرو آورد.

این روایت افزون بر آن که برخی اشکالات داستان موهوم ورقه بن نوفل را دارد، با ترتیب نزول سوره‌ها نیز ناسازگار است، زیرا مزمل سومین سوره نازل شده بوده و با آغاز بعثت، دو سوره فاصله دارد.



قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف غین، پاسخ دهید:

- حرف «غ» در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟
- در گویش فارسی، «غ» همانند «ق» ادا شده و با تلفظ عربی آن متفاوت است.

با دقت در قرائت الگو، درمی‌یابیم که حرف «غ» از ابتدای حلق (محل تلفظ خ)، به صورت نرم و قابل کشش ادا می‌شود. همانند کسی که آب را در گلویش غرغره می‌کند.

تمایز این دو حرف، در انفجاری و سایشی ادا شدن آن‌هاست. «ق» به صورت محکم، چگشی و غیر قابل کشش ادا می‌شود و در هنگام تلفظ آن صدا قطع می‌شود؛ ولی «غ» به صورت نرم و قابل کشش تلفظ می‌شود. بنابراین در هنگام تلفظ آن صدا قطع نمی‌شود.

أَغْنِي	أَقْنِي
بی‌نیاز کرد	سرمایه عطا کرد
عَلَّ	قَلَّ
خیانت کرد	کم شد
عَدِير	قَدِير
برکه	توانا

مهارت افزایی

۱. حرف «غ» را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف «ق» بخوانید.

قَ قِ قُ	قَا قِ قُو	قَاقِ قُ	أَقِ إِقِ أُقِ	أَقِّ أَقِ أَقُّ
عَ غِ غُ	عَا غِ غُو	عَاقِ غُ	أَغِ إَغِ أُغِ	أَغِّ أَغِ أَغُّ

۲. کلماتی که در سوره «مزل» و «قلم» دارای «غ» هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی، بخوانید:

وَالْمَغْرِبِ

۳. سوره «مزل» را با رعایت تلفظ فصیح حرف «ظ» همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.



در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای جامه [به خود] پیچیده!

يَتَّيِبُهَا لَمُرْمِلٍ ۱

شب را، جز اندکی به پاخیز

قِرَّ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا ۲

نیمی از آن (شب) را، یا اندکی از آن را
کم نما

بِصَفْهِ أَوْ أَنْقَضَ مِنْهُ قَلِيلًا ۳

یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را با
تأمل و درنگ بخوان

أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَبِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۴

که ما به زودی گفتاری گرانبار بر تو القا
می‌کنیم.

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۵

در حقیقت، تنها پدیده‌ی شب، گامی
سخت‌تر و گفتاری پایدارتر است. ۲

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ۶

۱. «مُرْمِلٌ» به معنی شخصی است که لباس و مانند آن را بر خود پیچیده، به گونه‌ای که کاملاً در آن پوشیده شده است. هنگام نزول این آیات، حضرت در چنین حالتی بود. در پاسخ به چرایی استفاده از این تعبیر برای ندا کردن حضرت، چند احتمال وجود دارد:

یک. این خطاب، خطاب‌ی همراه با عطف است؛ در فضای انس، چنین خطاب‌های دوستانه‌ای وجود دارد. دو. این خطاب بر ضرورت تغییر این حالت تأکید می‌کند زیرا با توجه به این که پیامبر ﷺ بار سنگین رسالت را بر دوش می‌کشد، باید برای آمادگی روحی از طریق بیداری و عبادت شبانه تلاش کند.

سه. این تعبیر نشان از غم و اندوه جانکاهی دارد که بر حضرت وارد می‌شد تا جایی که حضرتش گاهی جامه‌ای به خود می‌پیچید، تا در این خلوت، قدری از غم و اندوه خود بکاهد. این خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید چاره‌ی رفع غم و اندوه، مناجات شبانه و بالا بردن ظرفیت است.

۲. «نَاشِئَةُ» از «نَشَأُ» به معنی پدید آمدن است و به حادثه هم اطلاق می‌شود و در اینجا «نَاشِئَةُ اللَّيْلِ» یعنی پدیده و حادثه‌ی شب. «وَطْأً» زیر پا گذاشتن که به قدم نهادن به عبادت اشاره دارد. مراد این است که عبادت در این

چرا که برای تو در روز رفت و آمدی طولانی است.

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾

و نام پروردگارت را یاد کن و کاملاً به او دل ببند^۱

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾

(او) پروردگار خاور و باختر است، در حالی که هیچ معبوی جز او نیست؛ پس او را کارساز (خویش) بگیر؛

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾

و بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و با دوری‌گزینی نیکویی از آنان فاصله بگیر؛

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾

درسی از سوره

خدای متعال چگونه پیامبر خویش را برای ورود به عرصه انداز آماده ساخت؟ به دوش گرفتن رسالت الهی در جامعه‌ی شرکت‌زده‌ی مکه و ابلاغ معارفی که مخاطب آن، جهانیان هستند، مسئولیتی بسیار سنگین است. ظرفیت فعلی محمد ﷺ، اصل رسالت را متوجه او می‌ساخت؛ اما دریافت و ابلاغ وحی‌های الهی که در ادامه رسالت نازل خواهند شد، ظرفیت بالاتری را طلب می‌کند. خداوند برای افزایش ظرفیت وجودی پیامبر ﷺ، او را به شب‌زنده‌داری‌های طولانی و قرائت متدبرانه قرآن و اذکار^۲ امر می‌کند. افزون بر این، او را به تبتل (دل از

ساعات اقدامی با بر جاترو گفتاری مؤثرتر است؛ و به همین دلیل برای عبادت انتخاب شده است.

۱. «تبتیل» از «بتل» به معنی قطع شدن و بریدن است. مراد در اینجا بریدن از همه مخصوصاً هوای نفس، و مخصوص کردن خود به پروردگار است.

۲. به نظر می‌رسد مراد از «قرآن» در این آیه، همه انواع خواندنی‌ها مانند اذکار، مناجات‌ها و قرآن باشد؛ زیرا در اوائل نزول قرآن، هنوز واژه‌ی «قرآن» به عنوان یک اصطلاح در کلام الله مجید استعمال نمی‌شد و از قرآن با واژه‌هایی چون «هذا الحدیث» (قلم ۲/ ۴۴)، «الذکر» (قلم ۲/ ۵۱ و ۵۲) و «قولا ثقیلا» (مزمّل ۳/ ۵) یاد می‌شده است.



غیر خدا بریدن)، توکل بر خدا، صبر بر گفتار جاهلانه مخالفان و هجر (چشم پوشی) از مقابله با آنان توصیه می کند

بیشتر بدانیم

چرا اولیاء الهی تکالیفی سخت تر از مردم عادی دارند؟

از آیات بالا استفاده می شود که شب زنده داری و اظهار بندگی در شب، برنامه ی ویژه و واجب بر اولیای بزرگ خداست. زیرا آنان نسبت به دیگران، تکالیف سنگین تری بردوش دارند و برای انجام کامل وظایف سنگین خود در جامعه، نیاز به کسب آمادگی و ظرفیت بسیار بالایی دارند. بنابراین گرچه شب زنده داری مستحب است، اما برایشان واجب می باشد.

به همین ترتیب تمام کسانی که جایگاهی در ترویج دین یا حکومت اسلامی دارند، بایستی متناسب با آن جایگاه، ظرفیت روحی و معنوی خویش را بالابرده و بیش از دیگران به ریاضت های سخت عبادی بپردازند.

آموزه های زندگی

۱. بررسی کنید آیا تشویق شیطان به برگزاری مجالس فساد در دل شب، ارتباطی با باز شدن پنجره قلب انسان در این ساعات ندارد؟
۲. یک زن مؤمن و متعهد به فرهنگ قرآنی، چگونه می تواند در اصلاح فرهنگ شب نشینی های طولانی بی هدف و خالی از محتوا، تأثیر گذار باشد؟
۳. آیا طلاب و مبلغان دین برای ورود در عرصه های تبلیغ دین به اندازه کافی ظرفیت روحی خود را افزایش داده اند؟ با توجه به آموزه های این سوره راه کارهای عملی برای افزایش این ظرفیت را ارائه دهید.



قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف طاء، پاسخ دهید:

• حرف « ط » در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، « ط » همانند « ت » و متفاوت با تلفظ عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو، درمی‌یابیم که حرف « ط » همانند حرف « د » اما به صورت درشت و پرحجم تلفظ می‌شود. یعنی عقب زبان در هنگام تلفظ حرف « ط » بالا رفته و فضای دهان را پرمی‌کند. همانند کسی که صدایش را در گلو می‌اندازد. به تعبیر دیگر، « ط » شبیه « د » درشت است.^۱

تمایز حرف « د » و « ط »، در نازکی و درشتی است. « د » نازک و کم‌حجم ولی « ط » درشت و پرحجم تلفظ می‌شود.

طین	دین	تین
گل	جزا، آیین	انجیر
طلّ	دلّ	تلّ
شبّنبم	راهنمایی کرد	تپه

۱. در گویش امروزی عرب زبان‌ها، حرف طاء به صورت تاء درشت ادا می‌شود و بیشتر کتاب‌های آموزش قرائت، تلفظ طاء را همین‌گونه آموزش می‌دهند. اما با دقت در صفات حرف طاء و قرائت فصیح، درمی‌یابیم این حرف به دال شبیه‌تراست. البته تلفظ حرف طاء به صورت تاء درشت نیز در قرائت نماز صحیح است.



مهارت افزایی

۱. حرف « ط » را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف « ت »

بخوانید.

ت تِ تٌ	تَاتِ تٌ	تَاتِ تٌ	تَاتِ تُو	تَاتِ تُو
ط طِ طٌ	طَاتِ طٌ	طَاتِ طٌ	طَاتِ طُو	طَاتِ طُو

۲. کلماتی که در سوره «مزمل» و «قلم» دارای حرف « ط » هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

یَسْطُرُونَ

۳. سوره «مزمل» را با رعایت تلفظ فصیح حرف « ط » همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم‌خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

وَدَّرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾
و مرا با تکذیب‌گران سرمایه‌دار رهاساز، و اندکی به آنان مهلت ده؛

﴿١١﴾
كِه نزد ما (برای ایشان) زنجیرها و آتشی بزرگ است؛
﴿١٢﴾

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾
روزی که زمین و کوه‌ها می‌لرزد و کوه‌ها توده‌های شن روان می‌شود.^۱
﴿١٤﴾

در واقع ما به سوی شما فرستاده‌ای فرستادیم که گواه بر شماست، همان‌گونه که به سوی فرعون فرستاده‌ای فرستادیم؛

﴿١٥﴾
وَلِي [فرعون فرستاده را نافرمانی کرد، پس او را با گرفتاری سنگینی گرفتار ساختیم.
﴿١٦﴾

پس، اگر کفر ورزید، چگونه خودتان را از (عذاب) حفظ می‌کنید؟ روزی که (شدت و هول آن) کودکان را سپیدموی (و پیر) می‌کند؛
﴿١٧﴾

۱. «أَنْكَالَ» جمع «نِكل» به معنای زنجیرهای سنگین است. اصل آن از ماده‌ی نکول به معنی ضعف و ناتوانی است و از آنجا که زنجیرهایی که بردست می‌زنند، انسان را از حرکت بازداشته و ناتوان می‌سازد، این واژه در معنای زنجیرها به کار رفته است. «جَحِيمٌ» به آتش بزرگ و زبانه‌کشیده اطلاق می‌شود. که مراد از آن جهنم است.
۲. «كُتَيْبًا» ریگ و رمل، توده‌ی شنی؛ به شن‌های متراکم و تل‌شده در یک مکان اطلاق می‌شود. «مَهِّلٌ» لغزنده. این کلمه از «هیل» است، به معنی ریختن چیزی نرم مثل شن و آرد به صورتی که با حرکت پایین، بالایش بلغزد.

آسمان در آن (روز) شکافته می‌شود؛
وعده‌ی او انجام شدنی است.

السَّمَاءُ مَنقَطِرَةٌ ۚ كَانَتْ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

درحقیقت، این (مطالب) یادآوری است،
پس هرکس بخواهد، راهی به سوی
پروردگارش برگزیند

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

درس‌هایی از سوره

۱. چگونه خدای متعال از فرستاده خویش در برابر تکذیب کنندگان حمایت نمود؟

پس از آن‌که خدای متعال، برنامه جامعی برای آماده سازی درونی پیامبر ﷺ جهت ورود به عرصه هشدار مطرح ساخت، در این آیات به حمایت همه جانبه از حضرت می‌پردازد که در دو محور سامان یافته است:

یک. توصیه به پیامبر ﷺ مبنی بر واگذاری امر تکذیب‌کنندگان به خدا.

دو. هشدار جدی به تکذیب‌کنندگان و سرکشان که به مقابله با حضرت

برمی‌خیزند.

۲. حضرت محمد ﷺ برای اولین بار با چه عنوانی معرفی شدند؟ (آیه ۱۵)

خدای متعال ویژگی‌های پروردگار شایسته بندگی را در سوره علق بیان داشت و در سوره قلم به مقام عدالت خویش اشاره کرد. در این مرحله، مردم برای انجام دستورات پروردگار نیاز به وجود واسطه و رسول دارند. در سوره مزمل برای اولین بار به طور رسمی به مردم اعلام می‌کند که حضرت محمد ﷺ را به عنوان «رسول» و «شاهد» به سوی ایشان فرستاده است. یعنی هرآن‌چه را که لازم است از جانب خدا به مردم برسد، به ایشان رسانده و از جانب خدا شاهد واکنش‌های مردم بوده و به او گزارش دهد.

این اعلام، در سیاق حمایت از پیامبر ﷺ و هشدار به تکذیب‌کنندگان و سرکشان بیان شده تا اشراف و بزرگان مکه از طغیانگری علیه حضرت بر حذر شوند.

آموزه‌های زندگی

۱. آیا رفتارهای فرعون گونه و متکبرانه، مخصوص مشرکان و کفار است یا ممکن است مسلمانان نیز رفتارهای مشابهی را در برابر دستورات پیامبر ﷺ انجام دهند؟
۲. با توجه به این که شاهد بودن پیامبر ﷺ هم چون رسالت اختصاصی به زمان حیات ایشان ندارد، اعتقاد به این نکته چه تأثیری در رفتار مؤمنان خواهد گذاشت؟ راه کارهای عملی برای تأثیر بیشتر آن در جامعه پیشنهاد دهید.

قرائت سوره

نکات کاربردی حفظ قرآن (۲)

برای به خاطر سپردن آیات قرآن رعایت مراحل زیرراه‌گشاست:

۱. دیدن و شنیدن آیه

همزمان با نگاه به آیات مورد نظر، چندین بار به قرائت الگو گوش داده و همراه با آن، آیات را زمزمه می‌کنیم.

۲. توجه به معنای آیه

توجه به معنا و مفهوم آیات و عبارات، مخصوصاً به صورت کلمه به کلمه، ماندگاری آیات و عبارات را در ذهن بیشتر خواهد کرد. زیرا با توجه به ترجمه کلمات و عبارات، معمولاً اتصال آیات را فراموش نخواهیم کرد، و نیز در صورت جا افتادن کلمه یا عبارتی، متوجه نقص معنا خواهیم شد.

۳. تکرار آیه و یا عبارت آیه (در صورتی که آیه بلند باشد)

با این کار، کم کم آیه و یا عبارت در ذهن ما جای گرفته و می‌توانیم بدون نگاه کردن به خط قرآن و یا شنیدن قرائت الگو، آیات و عبارات را از حفظ بخوانیم.

۴. اتصال آیات و عبارات

پس از حفظ هر آیه یا عبارت جدید، لازم است این آیه را با آیات و عبارات قبلی بصورت متصل و از حفظ بخوانیم تا به حفظ شدن آن‌ها مطمئن شویم.

۵. اطمینان از حفظ آیات

لازم است پس از حفظ آیات در یک مرحله، در ساعات دیگر روز نیز، آیات حفظ شده را تکرار کرده تا به صحت حفظ خود مطمئن شویم.

۶. ارائه حفظ

برای تکمیل مراحل حفظ، لازم است محدوده حفظ شده را برای استاد، هم بحث و یا هر شخص دیگری که بتواند صحت حفظ ما را تأیید کند، بخوانیم.

ارزیابی قرائت توسط استاد

سوره «مزل» را در محضر استاد، قرائت کرده و نکات و تذکرات ایشان را یادداشت و سپس با تمرین‌های تکمیلی برای اصلاح آن‌ها تلاش کنید.
نکات و تذکرات استاد

.....

.....

.....

در محضر آیات سوره

در واقع، پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که همراه تو هستند، نزدیک به دو سوم شب و (یا) نصف آن و (یا) یک سوم آن را به پا می‌خیزید؛

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ
وَنِصْفَهُ، وَثُلُثَهُ، وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ

و خدا شب و روز را اندازه می‌زند؛

وَاللَّهُ يَقْدِرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

(او) دانسته که آن (را دقیقاً) شمارش نمی‌کنید،^۱ پس به سوی شما بازگشت؛

عَلِمَ أَنَّ لَن نَّحْضُوهُ فَنَابَ عَلَيْنَا

۱. «تَحْضُوهُ» از «احصاء» به معنای به آخر رساندن شمارش و احاطه بر آن است و در این جا یا بدان معناست که شما نمی‌توانید دقیقاً وقت شب را از نظر مقدار تعیین کنید و به زحمت می‌افتید و یا بدین معناست که شما نمی‌توانید بر این کار در تمام طول سال مداومت کنید.



پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است
از قرآن بخوانید؛

(او) دانسته که برخی از شما به زودی بیمار
خواهند شد و (گروهی) دیگر در زمین سفر
می‌کنند، در حالی که از بخشش خدا
(روزی) می‌جویند، و (گروهی) دیگر در راه
خدا پیکار می‌کنند؛

پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است
از آن (قرآن) بخوانید

و نماز را برپا دارید و [مالیات] زکات را
بپردازید و به خدا و امی نیکو دهید

و هر نیکی‌ای که پیشاپیش برای خودتان
می‌فرستید، فقط آن را نزد خدا نیکوتر و
پاداش (آن) را بزرگ‌تر می‌یابید؛

و از خدا طلب آموزش کنید؛ [چرا] که خدا
بسیار آموزنده [و] مهربور است.

فَاقْرَأْهُ وَ مَا يَتَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ

عَلِمَ أَنَّ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرَضٌ ۖ وَآخَرُونَ
يَصْرَفُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ
اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَاقْرَأْهُ وَ مَا يَتَسَّرَ مِنْهُ ۚ

وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرِضُوا
اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ

وَمَا نَقِمْوهُ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ
هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ

وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۴۰﴾

درسی از سوره

چرا خدای متعال در پایان سوره، عبادت‌های طولانی شبانه را برای مؤمنان
تسهیل کرده است؟ چه جایگزینی برای آن قرار داده است؟

برنامه‌ی نماز شب و شب زنده داری های طولانی پیامبر ﷺ، به تدریج مورد
علاقه تعدادی از مؤمنان قرار گرفت. اما استمرار بر این عمل و رعایت حد و
اندازه‌ی اعلام شده، کار را بر عموم سخت می‌کرد و مردم عادی را در رعایت دقیق
لحظات و ساعات با مشکل مواجه می‌ساخت.

به همین دلیل پروردگار، حکم شب زنده داری را، برای عموم مؤمنان تسهیل و

جایگزینی برای آن قرار می‌دهد:

۱. قرائت قرآن تا حد امکان.
۲. انجام نمازهای واجب یومیه.
۳. پرداخت زکات.
۴. قرض دادن نیکو.
۵. استغفار به درگاه الهی.

مباحثی از علوم قرآن

۱. آیات استثنایی چیست؟

به گفته برخی مفسران، سوره مزمل در ابتدای نزول، نوزده آیه داشت؛ و آیه بیستم در مدینه نازل شد و سپس به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این سوره ملحق شد. به این آیه و آیات همانند آن، که از لحاظ مکی و مدنی بودن با دیگر آیات سوره متفاوت اند، «آیات استثنایی» می‌گویند. برخی نیز معتقدند این آیه در همان مکه، اما با فاصله هشت تا دوازده ماه و به قولی ده سال نازل شده است. این گونه آیات را «آیات الحاقی» می‌گویند.

ناگفته نماند که تعداد آیات استثنایی ادعا شده، و از دویست و اندی فراتر نمی‌رود که در مقایسه با بیش از شش هزار آیه قرآن، اندک است. اثبات استثنایی یا الحاقی بودن همین موارد نیز، نیازمند دلایل محکمی است که در غالب موارد، وجود ندارد. از این رو، برخی مفسران از اساس وجود پدیده آیات استثنایی را در قرآن رد کرده‌اند و برخی دیگر، تنها در موارد نادری هم چون این آیه را پذیرفته‌اند.^۱

۲. چرا آیه پایانی سوره مزمل، به صورت استثنایی (یا الحاقی) نازل شد؟

هنگام نزول سوره، پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان اندک وی، همچون امیر مؤمنان علیه السلام و

۱. برای مطالعه بیشتر رک: التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۱۷۰ تا ۲۳۷ و مهارت‌های بیان تفسیر، بهجت پور، ص ۶۳ تا ۷۲.



حضرت خدیجه رضی الله عنها، مشکلی در انجام عبادت‌های طولانی شبانه نداشتند. اما در ادامه دعوت اسلامی که افراد زیادی به اسلام روی آوردند، انجام این گونه عبادات در توان همه مسلمانان نبود، در این زمان آیه بیستم نازل شده و با تشریح برنامه جایگزین، وظیفه ایشان را ساده ساخت.

از این بیان مشخص می‌شود که اثبات استثنایی بودن یک آیه، به معنای بی ارتباطی و جدا بودن آن از سوره نیست؛ بلکه خدای متعال از ابتدا آیه را جزئی از سوره قرار داده بود، اما بنا به حکمتی، مانند فراهم آمدن شرایط، نزول آن را به زمان دیگری محول کرد.

آموزه‌های زندگی

۱. گفتگو کنید عمل به دستورات پنج گانه فوق، به چه میزان در جامعه امروزی ما شیوع دارد؟
۲. چه راه کارهایی برای انس بیشتر مردم (مخصوصاً خواهران) با قرآن می‌توانید پیشنهاد دهید؟

﴿سوره مدثر﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَتَأْتِيهَا الْمَدَّثُرُ ① قُرْ فَأَنْذِرْ ② وَرَبِّكَ فَكَثِرْ ③ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ④

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ⑤ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ⑥ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ⑦

فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ ⑧ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ⑨ عَلَى الْكَافِرِينَ

غَيْرِ سِيرٍ ⑩ ذَرَفِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ⑪ وَجَعَلْتُ لَهُ مَا لَا

مَمْدُودًا ⑫ وَبَيْنَ شُهُودًا ⑬ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ⑭ ثُمَّ يَطْمَعُ

أَنْ أَزِيدَ ⑮ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ⑯ سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ⑰



إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾ فَقِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾
 ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ
 يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾ إِن هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ
 مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾ لَا بُقْيَ وَلَا نَذْرٌ ﴿٢٨﴾ لَوْ آحَىٰ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾
 وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَزِيَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا
 وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
 وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي
 مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا
 وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهَا لِأَحَدَى
 الْأَكْبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَّقَ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٣٧﴾ كُلُّ
 نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّاتٍ يَسَاءَلُونَ
 ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ
 الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ نَعْلَمُ الْمُسْكِينِ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ
 الْخَالِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الَّذِينَ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ ﴿٤٧﴾



فَمَا نَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّفِيعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذِكْرِ مُعْرِضِينَ

﴿٤٩﴾ كَانَهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَزَتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ بَلْ يُرِيدُ

كُلُّ أَمْرٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوَفَّىٰ صُحُفًا مُنْشَرَةً ﴿٥٢﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ

الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ ﴿٥٤﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ النَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾



قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف صاد، پاسخ دهید:

- حرف « ص » در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟

در گویش فارسی، « ص » همانند « س » و متفاوت با تلفظ عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو، درمی‌یابیم که حرف « ص » همانند حرف « س » اما به صورت درشت و پرحجم تلفظ می‌شود. یعنی عقب زبان در هنگام تلفظ این حرف بالا رفته و فضای دهان را پرمی‌کند. همانند کسی که صدایش را در گلو می‌اندازد. به تعبیر دیگر، « ص » شبیه « س » درشت است. تمایز این دو حرف در نازکی و درشتی است. « س » نازک و کم حجم ولی « ص » درشت و پرحجم تلفظ می‌شود.

عَصَى	عَسَى
گناه کرد	شاید
صَلَّ	سَلَّ
درود بفرست	شمشیر بکش
حَصِير	حَسِير
زندان	خسته

مهارت افزایی

۱. حرف «ص» را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف «س»

بخوانید.

سَ بِي سُ	سَا بِي سُو	سَّا بِي سُ	أَسْ إِسْ أَسُ	أَسَّسْ أَسَّسْ
صَ بِي صُ	صَا صُوِي	صَّا صُ صُ	أَصْ إِصْ أُصْ	أَصَّصْ أَصَّصْ

۲. کلماتی که در سوره «مدثر» دارای حرف «ص» هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

فَأَصْبِرْ

۳. سوره «مدثر» را با رعایت تلفظ صحیح حرف «ص» و دیگر حروفی که تاکنون آموخته‌اید، همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

نام‌های سوره	وجه تسمیه	مکی یا مدنی	آیات استثنایی	سوره در مصحف	سوره در نزول	تعداد آیات سوره
مدثر	به‌کار رفتن این کلمه در آیه اول	مکی	ندارد	ردیف: ۷۴ بعد از مزمل قبل از قیامت جزء ۲۹ صفحه ۵۷۵	ردیف: ۴ بعد از مزمل قبل از حمد	۵۶ آیه



۲. غرض سوره

توجیه پیامبر ﷺ برای ورود به عرصه انذار مردم به وسیله قرآن

۳. گزارش محتوای سوره

غرض سوره با چهار بخش زیر حاصل می‌شود:

بخش اول. آیات ۱ تا ۷: فرمان ابلاغ انذار به پیامبر ﷺ و بیان آداب آن

بخش دوم. آیات ۸ تا ۳۷: بیان نمونه‌ای از آزار مغرضان به حضرت و تنبیه ایشان

توسط پروردگار

بخش سوم. آیات ۳۸ تا ۴۸: تشریح آنچه باید پیامبر ﷺ با آن مردم را انذار نماید

بخش چهارم. آیات ۴۹ تا ۵۶: تحلیل علل پندگیزی مشرکان و تأکید بر اختیار

انسان در پذیرش تذکرات قرآن

۴. ارتباط سوره

قرآن دست‌ننامه‌ی تغییر و تحول است. پیامبر اکرم ﷺ مأمور بود، به کمک

آیات این کتاب مقدس، که به تدریج نازل می‌شود، برنامه تحول مردم را پایه‌ریزی

کند. در آغاز می‌باید باورها، رفتارها، بدعت‌ها، و فرهنگی که پشتیبان آنان بود، در

هم کوبیده شود و تغییر یابد تا زمینه شکل‌گیری جامعه دینی فراهم آید. سوره‌های

علق، قلم و مزمل سه عامل تغییر را در زندگی مردم وارد کرد:

۱. باور به پروردگار و صاحب‌اختیاری واحد و بی‌نظیر که سررشته همه امور

است؛

۲. باور به مسئولیت انسان در برابر صاحب اختیارش و برخورد متفاوت خدای

متعال با افراد تسلیم در برابر او امر پروردگار، با سرکشان و مجرمان؛

۳. باور به رسول و پیامبری الهی که زبان ارائه خواست‌ها و اراده‌های خدا در

میان مردم باشد.

اکنون نوبت آن رسیده که پیامبر ﷺ مردم را از اعتقادات و رفتارهای جاهلانه

ای که آینده آنها را با خطر مواجه می‌کند، برحذر داشته، مسئولیت اعمالشان را به



آنها گوشزد کند. این مهم، در سوره مدثر با دستور به پیامبر ﷺ مبنی بر انداز
مشرکان حاصل می‌شود.

مباحثی از علوم قرآن

۱. سوره‌های قرآن توسط چه کسی نام‌گذاری شده‌است؟

در نام‌گذاری سوره‌ها دو نظر وجود دارد:

یک. برخی دانشمندان علوم قرآنی به توقیفی بودن (به امر خدا و بیان
پیامبر ﷺ) نام سوره‌ها معتقدند. لازمه توقیفی بودن این است که دیگران اجازه
تغییر آن را ندارند.

دو. برخی دیگر معتقدند این نام‌گذاری توقیفی نبوده؛ بلکه گاه از سوی
مسلمانان نامیده و کم‌کم معروف شده‌است. شاهد این مطلب آن‌که برای
بسیاری از سوره‌ها دو یا چند نام نقل شده‌است.

اما بهر روی امروزه ادب اسلامی بر این قرار گرفته که نام‌گذاری‌های صورت
گرفته تغییر نیافته و نامی جدید بر سوره‌ها گذاشته نشود.

۲. ضابطه نام‌گذاری سوره‌ها چه بوده‌است؟

این نام‌گذاری‌ها دو دلیل اساسی دارد:

یک. گاهی به مناسبت مشهورترین یا چشم‌نوازترین کلمه‌ای که معمولاً در
آیات ابتدایی آن وجود دارد، نام‌گذاری شده‌است. مانند: علق، ن، قلم، مزمل،
مدثر و ...

دو. گاهی نام سوره به دلیل موضوعی است که به تفصیل یا به صورت
اختصاصی در آن سوره مطرح شده‌است. مانند: بقره، آل عمران، یوسف، نساء

و ...

قرائت سوره

مهارت‌افزایی

۱. کلماتی که در سوره «قلم» و «مزمّل» دارای حرف «ص» هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

.....	نَصَّفَهُ
.....
.....
.....

۲. سوره «مدثر» و «علق» را با رعایت تلفظ صحیح حرف «ص» و دیگر حروفی که تاکنون آموخته‌اید، همانند قرائت الگو بخوانید.

در محضر آیات سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز

يَتَأْتِيهَا الْمَدْيَنُ ﴿١﴾

ای جامه خواب به خود پیچیده! ^۱

قَرَأَنَّا ذُرِّيَّةً

برخیز و هشدار ده،

وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ ﴿٢﴾

و پروردگارت را بزرگ شمار،

وَيَأْتِيكَ فَطَهِّرُ ﴿٤﴾

و لباست را پاک کن

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرُ ﴿٥﴾

و از پلیدی ^۲ دوری کن،

وَلَا تَمَنَّيَنَّ تَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾

و منت مگذار در حالی که فزونی می طلبی ^۳،

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرُ ﴿٧﴾

و بخاطر پروردگارت شکبیا باش

درس هایی از سوره

۱. اولین وظیفه پیامبر ﷺ به عنوان رسول چیست؟ (آیات ۱ و ۲)

در این سوره یکی دیگر از گام های تحول آفرین قرآن، یعنی اعلام خطر و هشدار به مردم مطرح شده است. هشدار چنان اهمیتی دارد که جزو موضوعات محوری

۱. «مُدَّتِيرُ» در اصل «مُدَّتِيرُ» بوده، تاء به دال تبدیل شده و در آن ادغام شده است. به کسی که لباسی را که روی لباس های می پوشند، به تن کرده باشد و نیز به کسی که همین لباس را در خواب بر روی خویش می کشد. در تفاوت مدثر و زممل گفته می شود هر چند واژه «تَزْمِلُ» و «تُدَّتِرُ» هر دو به معنای پیچیده شدن در لباس و مثال آن است، لغت دانان معتقدند که استعمال تدتیر در لباس رویین رسمی است.

۲. «رُجْزُ» در اصل به معنی اضطراب و لرزش است و به معنای گناه و عذاب نیز استعمال شده است.

۳. «تَسْتَكْبِرُ» از «كثرت» در اصل مقابل قَلت است و «استیکثار» به معنی زیاده بینی؛ یا فزونی خواهی و زیاده طلبی است.



بسیاری از سوره‌های نازل شده پس از این سوره است. هرچند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم بشارت‌دهنده و هم پیم‌دهنده است، اما در غالب سوره‌های آغاز نزول، از او فقط به عنوان منذر و هشداردهنده یاد شده است.^۱ هشدار، مقدمه‌ی بیداری است و بیداری مقدمه‌ی عزم و حرکت به سمت تغییر است. خدای متعال در سوره‌ی مزمل حضرت را مهیای انجام این مأموریت کرد. بنابراین اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان رسول، هشدار و اعلام بیدار باش به مردم است.

۲. هشدار چه آدابی دارد؟ (آیات ۲ تا ۷)

به طور طبیعی، مردم علاقه‌ای به پذیرش هشدارهای دیگران ندارند و گاه کوچک‌ترین بهانه‌ها زمینه‌ی عدم پذیرش اندازها و مقاومت در برابر تغییرهای خواسته شده می‌شود. به همین جهت خداوند حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مکلف می‌سازد تا ابتدا، به تکبیر پروردگار بپردازد و جایگاه رفیع او را به مردم یادآور شود و مردم بفهمند که در برابر چه کسی قرار دارند و ثانیاً، به او می‌آموزد که چند ادب و خصلت را به طور هم‌زمان و مستمر مراعات کند که عبارتند از:

۱. پاکیزه کردن لباس و ظاهر؛
۲. پرهیز از پلیدی؛
۳. پرهیز از منت‌گذاری و زیاده‌خواهی؛
۴. صبر.

بیشتر بدانیم

منشأ منت‌گذاری چیست؟ و راه درمان آن چیست؟ (آیه ۶)
هرگاه کسی خدمت خود به مردم را بزرگ بشمارد؛ نتیجه آن، منت‌گذاری بر دیگران است که گاه باعث هدر رفتن آن خدمات می‌شود. راه درمان



منت‌گذاری، بزرگ‌نشمردن خدمات است. به همین جهت در توصیه مردم به انفاق، تعبیر «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» (فاطر ۴۳ / ۲۹، قصص ۴۹ / ۵۴ و ...) آورده می‌شود. یکی از فوائد این تعبیر آن است که افراد برخوردار بدانند، آنچه به دیگران انفاق می‌کنند، رزقی است که از جانب پروردگار به آنها عطا شده است. در این صورت، جایی برای بزرگ‌بینی و در نتیجه منت‌گذاری باقی نمی‌ماند.

آموزه‌های زندگی

۱. بررسی کنید آیا جامعه امروزی ما به اندازه کافی نسبت به سرنوشت و وظایف خویش در برابر پروردگار، مورد هشدار قرار گرفته است؟ آیا افراد جامعه این هشدارها را جدی گرفته‌اند؟
۲. بررسی کنید هر یک از آداب هشدار، امروزه تا چه حدی توسط مبلغان دینی رعایت می‌شود؟

قرائت سوره

با استماع قرائت الگو و دقت در تلفظ حرف ضاد، پاسخ دهید:

- حرف « ض » در قرائت قرآن چگونه تلفظ می‌شود؟
- در گویش فارسی، « ض » همانند « ز » و متفاوت با تلفظ عربی آن ادا می‌شود.

با دقت در قرائت الگو در می‌یابیم که هنگام تلفظ حرف « ض »، زبان بین دندان‌ها قرار گرفته و به صورت « د » دندانی^۱ درشت و پرحجم تلفظ می‌شود.^۲ یعنی عقب زبان هنگام تلفظ این حرف بالا رفته و فضای دهان را پر می‌کند. همانند کسی که صدایش را در گلو می‌اندازد.

تمایز حرف « د » و « ض » علاوه بر محل تلفظ آن دو، در نازکی و درشتی است. زبان هنگام تلفظ « د » به لثه‌های بالا برخورد کرده و « د » به صورت نازک و کم حجم ادا می‌شود ولی در تلفظ « ض » زبان به دندان‌های بالا برخورد می‌کند و به صورت درشت و پرحجم ادا می‌شود.

۱. زبان در هنگام تلفظ « د » به لثه‌های بالا برخورد می‌کند؛ اما در « د » دندانی، میان دندان‌ها قرار می‌گیرد. از این توضیح، تفاوت بین « ط » و « ض » نیز معلوم می‌شود. « ط » از درشت تلفظ کردن « د » عادی و « ض » از درشت تلفظ کردن « د » دندانی تولید می‌شود.

۲. حرف « ض » در گویش عربی به دو شیوه تلفظ می‌شود. روشی که در بالا گذشت، مطابق تلفظ امروزی بیشتر کشورهای عربی و قاریان مصری است. اما روشی که در کتاب‌های تجوید بیان شده است، تلفظ فصیح عربی در زمان‌های گذشته است که امروزه مردم برخی از کشورهای عربی مانند عراق، ضاد را شبیه آن ادا می‌کنند.



زَلَّ	ذَلَّ	ظَلَّ	ضَلَّ
لغزید	خوار شد	سایه انداخت	گم شد
زَاعَ	ذَاقَ	-----	ضَاقَ
منحرف شد	چشید	-----	تنگ شد
عَزِينَ	-----	عَظِينَ	عَضِينَ
گروه‌ها	-----	موعظه کنید	پاره پاره

مهارت افزایی

۱. حرف «ض» را در حالات مختلف و با توجه به تمایز آن با حرف «ز»

بخوانید.

زَرَزُ	زَا زِي زُو	زَا زِرُّ	أَزِزُ	أَزِزُ
ضَ ضِ ضُ	ضَا ضُو ضِي	ضَا ضِرُّ	أَضِضُ	أَضِضُ

۲. کلماتی که در سوره «مدثر» دارای حرف «ض» هستند را بنویسید و آن‌ها

را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید:

يُضِلُّ

۳. سوره «مدثر» را با رعایت تلفظ صحیح حرف «ض» همراه با قرائت الگو

زمزمه و سپس هم خوانی کنید.



در محضر آیات سوره

فَإِذَا نُفِرَ فِي الْأَقْوَرِ ﴿٨﴾

و هنگامی که در شیپور دمیده شود،^۱

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾

و آن، در آن روز، روزی سخت است،

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرِ سِيرٍ ﴿١٠﴾

که بر کافران غیر آسان است!

ذَرَفِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾

مرا با کسی که (او را) به تنهایی آفریده‌ام و اگذارا

وَجَعَلْتُ لَهُ، مَا لَا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

و برای او مال گسترده‌ای قرار دادم،

وَبَيْنَ شُهُودًا ﴿١٣﴾

و پسرانی شاهد (و حاضر به خدمت)،

وَمَهْدَتٌ لَهُ، تَمَهِيدًا ﴿١٤﴾

و برای او (وسایل زندگی را) کاملاً آماده کردم.

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

سپس طمع ورزید که بیفزایم.

كَلَّا إِنَّهُ، كَانَ لِإِنْتِنَاعِيْدًا ﴿١٦﴾

هرگز چنین نیست؛ [چرا] که او نسبت به (آیات

و) نشانه‌های ما ستیزه‌گر^۲ بود.

سَارَهُقَهُ، صَعُودًا ﴿١٧﴾

بزودی او را به بالا رفتن (از گردنه عذاب) وا

۱. «نُفِرَ» ماضی مجهول از «نَفَرَ» به معنی کوبیدنی که منتهی به سوراخ کردن شود و «أَقْوَرُ» وسیله‌ای است که در آن برای ایجاد صدا می‌کوبند. منقار پرندگان را که وسیله‌ی کوبیدن و سوراخ کردن اشیاء است، از این جهت منقار نامیده‌اند. «نقردر ناقور» اشاره به صدای فوق‌العاده دهشتناک و تکان‌دهنده‌ای است که موجب بیداری و حیات سراسر جهان و برپاشدن رستاخیز می‌گردد که همان نفخ در صور و صیحه‌ی برخاستن در روز رستاخیز است

۲. «عنید» از «عنود» به معنی کسی است که با وجود آگاهی به مطلب حقی، با تکبر با آن مخالفت کند.

۳. «أُزْهِقُهُ» از «أرهاق» به معنی عاجزکردن به زور، و احاطه با زور است و در اینجا به معنی پوشیده شدن و گسترش انواع سختی است. «صَعُود» صیغه مبالغه، گردنه‌ای که بالاترین از آن دشوار و همراه با مشقت باشد. قرآن این حقیقت را با تصویری از «صَعُود» که بالاترین از گردنه‌های کوه و مکان‌های مرتفع باشد، نشان داده است.

[چرا] که او تفکر کرد و (نقشه را) معین نمود^۱.

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

پس کشته باد! که چگونه معین کرد؟!.

فَقِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾

سپس کشته باد! که چگونه معین نمود!؟

ثُمَّ قِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾

سپس نظر کرد،^۲

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾

سپس چهره در هم کشید و با ترشروی شتاب کرد؛

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾

سپس پشت کرد و تکبر ورزید،

ثُمَّ أَدْبَرَ وَأَسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

وگفت: «این (قرآن) جز سحری حکایت شده نیست.^۳

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَى ﴿٢٤﴾

این جز گفتار بشر نیست.

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

بزودی او را به دوزخ آزار دهنده وارد می‌کنم (و می‌سوزانم)

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

و چه چیز تو را آگاه کرد که دوزخ آزار دهنده چیست؟!.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

۱. «فَكَّرَ» اندیشه کرد، از مصدر «تفکیر» به معنای اندیشیدن، و «قَدَّرَ» اندازه و حدی تعیین کرد. از مصدر «تقدیر» به معنای اندازه‌گیری کردن و سنجیدن است، و تقدیر از روی تفکیر بدین معناست که چند معنا را در ذهن چیده و با جابجا کردن آنها و ردیف کردنشان، هدفی را نتیجه گرفت. ترکیب دو کلمه اندیشه و اندازه گرفتن، معنایی نزدیک به مهندسی کردن است.

۲. «نَظَرَ» در اینجا به معنای نگاه کردن همراه با تدبر و تأمل و دقت است. منظور این است که شخص معاند، با نگاهی به ظاهر متفکرانه به آیات قرآن گوش فراداد تا مردم او را متهم به طراحی قبلی نقشه و توطئه نکنند.

۳. «يُؤْتَى» از اثر به معنی نشانه و باقیمانده از چیزی یا کسی، و به معنی بعد و پشت سر نیز معنی کرده‌اند. «سحر یؤْتَى» یعنی کلام سحرانگیزی که با نقل و تعلیم از گذشته‌ها به محمد ﷺ رسیده است



لَا بُقِي وَلَا نَذْرٌ ﴿٢٨﴾

(دوزخی) که نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌سازد.

که (آن دوزخ) سوزاننده و تغییر دهنده (رنگ)

لَوَا حَةً لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

پوست‌هاست.

درسی از سوره

نقشه ولید بن مغیره در برابر پیامبر ﷺ چه بود؟

هشدارهای پیامبر اکرم ﷺ به مردم، مقاومت‌هایی را در پی داشت و گروهی به اهانت، تکذیب و آزار آن حضرت رو آوردند. یکی از این افراد «ولید بن مغیره» بود که در میان مشرکان مکه به عقل و درایت معروف بود. با وجودی که خدای متعال به وی شوکتی داده بود، اما او در برابر نشانه‌های الهی، به لجاجت می‌پرداخت. او با تظاهر به علم و انصاف، به سخنان پیامبر ﷺ گوش فراداد، و پس از مقداری تأمل، با ترش رویی و تکبر، چهره برتافت و این سخنان را سحری معرفی کرد که حضرت محمد ﷺ از دیگر انسانها فرا گرفته است. بدین ترتیب با وجهه به ظاهر حق‌نما و منصف خود مردم را فریب داده تا در گفته‌های پیامبر ﷺ تردید کنند.

خدای متعال پیامبر ﷺ را با وعده و تشریح مجازات سخت ولید، دلداری داده و نگرانی‌های حضرت را برطرف می‌سازد.

البته خدای متعال در ادامه به خنثی سازی نقشه ولید پرداخته که در آیات قسمت بعد بدان اشاره خواهد شد.

بیشتر بدانیم

آیا همواره وجهه علمی، نشان دهنده حقانیت شخص است؟

در برابر حرکت‌های اصلاحی و الهی، گاهی جریان‌هایی به راه می‌افتد که با اندیشه و برنامه ریزی و نقشه مدبرانه به مقابله پرداخته و تلاش می‌کند، نیات باطل و پلید خود را با ظاهری علمی و منصفانه بپوشاند. امروزه این‌گونه دسیسه‌ها در فضای مجازی بسیار نمود دارد.

آحاد جامعه به ویژه مسئولان، ضمن حفظ احترام به مقام دانش و دانشمندان،

نباید فریفته این‌گونه رفتارها شوند؛ بلکه با رصد فعالیت‌های به‌ظاهر علمی دشمن، برای مقابله با آن‌ها برنامه‌های دقیق و علمی سامان دهند.

آموزه‌های زندگی

۱. بررسی کنید کدام یک از ارزش‌های دینی توسط دشمن با ادبیاتی علمی و ظاهری منصف، به چالش کشیده شده‌است؟ ابزارهای دشمن برای این هجمه‌های به‌ظاهر علمی چیست؟
۲. نمونه‌هایی از اشخاص یا سازمان‌هایی را نام ببرید که با ادبیاتی علمی و ظاهری منصف، به تخریب فرهنگ پوشش و پاکدامنی برخاسته‌اند.



قرائت سوره

مهارت افزایی

۱. کلماتی که در سوره «قلم» و «مزمّل» دارای حرف «ض» هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو با رعایت تلفظ فصیح عربی بخوانید.

الأرضُ

.....

.....

.....

۲. سوره «مدثر» و «مزمّل» را با دقت در تمایز حروف «ض»، «ظ»، «ذ» و «ز» همانند قرائت الگو بخوانید.



در محضر آیات سوره

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿۳۰﴾

نوزده (فرشته) بر آن (دوزخ، گماشته شده) است.

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۙ

و (مأموران) اهل آتش را جز فرشتگان قرار ندادیم،

وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا

و تعداد آنان را جز آزمایشی برای کسانی که کفر

ورزیدند قرار ندادیم

لَيَسْتَفِيقَنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدُّوا
الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا

تا کسانی که به آنان کتاب داده شده یقین کنند و

برایمان کسانی که ایمان آوردند بیفزاید،

و کسانی که به آنان کتاب داده شده و مؤمنان

تردید نکنند،

وَلَا يَزِيدَنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ ۙ

و برای اینکه کسانی که در دل‌هایشان [نوعی]

بیماری است و کافران بگویند: «خدا از این مثل

چه اراده کرده است؟!»

وَلَيَقُولَنَّ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ
مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا

«اینگونه خدا هر کس را بخواهد (بخاطر

اعمالش) در گمراهی وا می‌نهد، و هر کس را

(شایسته بداند و) بخواهد راهنمایی می‌کند.

كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن
يَشَاءُ

و (تعداد) لشکریان پروردگارت را جز او نمی‌داند

وَمَا يَعْلَمُ جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ

و این جز یادآوری برای بشر نیست.

وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشْرِ ﴿۳۱﴾

هرگز چنین نیست، (که تصور می‌کنند)، سوگند به

ماه!

كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿۳۲﴾

و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند!

وَأَيُّ لِيلٍ إِذْ أَدْبَرَ ﴿۳۳﴾



و سوگند به صبح، هنگامی که روشن شود!

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿۳۴﴾

قطعا آن (قرآن) یکی از (نشانه‌های) بزرگ است.^۲

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبِيرِ ﴿۳۵﴾

در حالی که هشدارگری برای بشر است.

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿۳۶﴾

برای هر کس از شما که بخواهد پیشرو باشد یا
واپس ماند.

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿۳۷﴾

درس‌هایی از سوره

۱. نقشه و لید بن مغیره چگونه خنثی شد؟

همان گونه که در آیات قسمت قبل گذشت، خدای متعال پیامبر را مامور ساخت که در برابر ولید بن مغیره صبوری کرده و امر وی را به خدا واگذار کند. پروردگار در آیات این قسمت، اقدام به خنثی سازی نقشه های ولید نمود. بدین گونه که عدد پاسبانان جهنم را نوزده نفر اعلام کرد؛ بدون این که از چیستی و چرایی آن سخنی بگوید. به طور طبیعی، اشخاص منصف و اندیشمند، در برابر این چنین اخباری که اطلاع دقیقی نسبت به آن ندارند، سکوت اختیار کرده و با پیگیری و سؤال، درستی و چیستی آن را بررسی می‌کنند. اما به عکس، سران قریش که مجری نقشه ولید علیه پیامبر ﷺ و قرآن بودند، با شنیدن این خبر، بدون هرگونه پیگیری و سؤال، شروع به مسخره کردن نمودند. بدین ترتیب مشت آن‌ها باز و معلوم شد که ادعای تحقیق و بررسی در مورد قرآن و وجود روحیه انصاف و کشف حقیقت در ایشان، چیزی بیش از ظاهر سازی نیست.

۱. «أَسْفَرَ» از ماده "سفر" (بروزن فقر) به معنی باز کردن پوشش و کشف حجاب، به همین دلیل به زنان بی حجاب "سافرات" گفته می‌شود، و این تعبیر در مورد طلوع صبح مشتمل بر یک نوع تشبیه زیبا و جالب است.

۲. «كَبِيرٌ» جمع کبری، افعال تفضیل برای مؤنث و به معنای بزرگ است که در مقابل صغیر و صغری به کار می‌رود.



۲. فایده دیگر به چالش کشیدن کافران چه بود؟

آزمایش بالا (بیان ابهام آمیز عدد نوزده)، گذشته از خنثی سازی نقشه ولید و همدستان کافرش، فایده های دیگری نیز داشت. از جمله باعث رسوا شدن گروهی بیمار دل شد که خود را مسلمان و مومن معرفی می کردند، اما در برابر این خبر، مانند کافران، موضع انکاری گرفته و به تحقیر و تمسخر پرداختند و گفتند: خدا با این خبر چه چیزی را اراده نموده است؟!

بیشتر بدانیم

نحوه صحیح برخورد با توطئه گران و اشخاص لجوج چگونه است؟ غفلت از توطئه ها و نداشتن تدبیر برای مقابله با نقشه های توطئه گران، موجب عقیم شدن تلاش ها می شود. در این سوره نحوه برخورد با توطئه گران و اشخاص لجوج نشان داده شد:

ابتدا باید شکیبایی پیشه کرد و عاقبت آنان را به خدا وا گذاشت. برخورد عجولانه و احساسی، نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه چه بسا مشکل را تشدید می نماید.

سپس بایستی طی برنامه ای حساب شده و با ایجاد چالش، تناقض های موجود در ادعای ایشان را نمایان ساخت؛ همان گونه که قرآن مجید با طرح مسئله عدد نوزده، این مهم را به انجام رساند.

آموزه های زندگی

۱. چه برنامه ای برای به چالش کشیدن جریان های مخالف پوشش و پاکدامنی و

نمایان ساختن تناقض های ایشان، ارائه می دهید؟

۲. مواردی از هم نوایی برخی مسلمانان عصر حاضر با دشمنان را در زیر سؤال بردن

باورها و رفتارهای دینی ذکر کنید.

قرائت سوره

نکات کاربردی حفظ قرآن (۳)

تثبیت حفظ جدید

حفظ جدید آیات قرآن با رعایت نکات گفته شده، به راحتی حاصل می شود. اما مسأله مهم، نگه داشتن این محفوظات است. زیرا هرچه به حافظه می سپاریم ابتدا در حافظه کوتاه مدت ثبت شده و اگر وارد حافظه بلند مدت نشود، به آسانی فراموش خواهد شد.

پس باید برای ماندگاری و تثبیت سوره ها و آیات جدیدی که حفظ کردیم، برنامه ای در نظر گرفت که این برنامه را تثبیت حفظ جدید می نامیم.

برای این منظور کافی است، سوره های حفظ شده را حداقل ده روز (و بهتر است تا بیست روز) از حفظ بخوانیم. این کار باعث می شود محفوظات ما وارد حافظه بلند مدت شده و در ذهن ماندگار شود.

ارزیابی قرائت توسط استاد

سوره «مدثر» را در محضر استاد، قرائت کرده و نکات و تذکرات ایشان را یادداشت و سپس با تمرین های تکمیلی برای اصلاح آن ها تلاش کنید.

نکات و تذکرات استاد

.....

.....

.....



در محضر آیات سوره

- هر شخصی درگرو^۱ دستاورد (خویش) است. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾
- مگر سعادت‌مندان،^۲ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾
- که در بوستان‌های (بهشتی) پرسش می‌کنند، فِي جَنَّاتٍ يَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾
- از خلفاکاران: عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾
- چه چیز شما را به دوزخ آزار دهنده وارد ساخت؟^۳ مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾
- می‌گویند: از نمازگزاران نبوده‌ایم، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ ﴿٤٣﴾
- و هرگز به بینوایان غذا نمی‌دادیم، وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾
- و پیوسته با فرورفتگان (در باطل) فرو می‌رفتیم،^۳ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾
- و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم، وَكَاذِبٌ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾
- تا اینکه یقین (به مرگ) به سراغ ما آمد حَتَّىٰ آتَنَا الْيَقِينَ ﴿٤٧﴾
- پس شفاعت شفاعت‌کنندگان برای آنان سودی نخواهد داشت. فَمَا نَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾

۱. «رَهِينَةٌ» به معنای گروا از ریشه «رهن» که در لغت، ثبات و لزوم است و به همین مناسبت وثیقه را رهن گفته‌اند.

۲. «یَمِين» مصدر به معنی مرهون (مفعول) و «هاء» در اینجا برای مبالغه است.

۳. «یَمِين» از «يمن» به معنای قوت در خیر، در مقابل شؤم به معنی ضعف و فرورفتن در شر است، گاه در مطلق خیر و برکت و زیادی نعمت نیز استعمال می‌شود.

۳. «نَخُوضُ» از «خوض» به معنی داخل شدن در آب و رفتن در آن است و به طور استعاره، در معنی «وارد شدن در امور» استعمال شده است و در اکثر موارد به ورود در جاهایی که مذموم است، اطلاق می‌شود.



و آنان را چه شده که از یاد آوری (قرآن)
رویگردانند!؟

چنانکه گویی آنان گورخرانی رمیده‌اند،

که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند!

بلکه هر مردی از آنان می‌خواهد که کتابی گشاده
(به او) داده شود.^۱

هرگز چنین نیست (که آنان می‌گویند)، بلکه از
آخرت نمی‌ترسند.

هرگز چنین نیست (که آنها می‌گویند)، در واقع آن
(قرآن) یاد آوری است.

و هر کس بخواهد آن (قرآن) را یاد کند؛

و یادآور نمی‌شوند مگر اینکه خدا بخواهد؛ او سزاوار
این است که از او پروا کنند و او سزاوار آموزش (تقوا
پیشگان) است.

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذِكْرِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

كَانَهُمْ حَمَرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ
صُحُفًا مُّنشَرَةً ﴿٥٢﴾

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ ﴿٥٤﴾

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ
النُّفُوى وَأَهْلُ الْغَفْرِهٖ ﴿٥٦﴾

درس‌هایی از سوره

۱. کسب به چه معناست و چه رابطه‌ای با عاقبت انسان دارد؟ (آیه ۳۸)

کسب در قرآن به شخصیتی اشاره دارد که در انسان به حالت ثابت درآمده

۱. «صُحُفٌ» جمع «صحیفه» به معنی چیز گسترده، مثل چیزی که در آن می‌نویسند. «مُنشَرَةٌ» از «نشر» به معنی گسترده و گسترده شدن چیزی است که قبلا بسته و منقبض بوده است. اشراف مکه، ابراز می‌داشتند که این پیام‌ها را تنها در صورتی می‌پذیریم که برای هریک از ما نوشته‌ای از آسمان بیاید و ما را مستقیما موعظه نماید. در حالی که مسأله‌ی مهم در پند و اندرز، مجتوا و مضمون آن است. این که هشدارها به طور مستقیم یا غیر مستقیم ابلاغ شوند، دخالتی در نتیجه ندارد.



است. واژه‌ی کسب، در آیه ۳۸، نشان از اختیار انسان و تأثیر آن بر رفتاری یا رهایی وی دارد. هر رفتاری را که انسان بیشتر تکرار کند، تبدیل به شخصیت او می‌شود. به عنوان مثال، اگر بارها صبوری کند، شخصیتی شکیبا به دست می‌آورد، و اگر در هر مشکلی، به جزع و فزع پردازد، شخصیت او ناشکیبا خواهد شد. خدای متعال می‌فرماید هر نفسی در گرو آن چیزی است که کسب و شخصیت خود را بر اساس آن ساخته است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» بنابراین، عاقبت انسان، به جایی ختم می‌شود که متناسب با شخصیت او باشد.

۲. عوامل اصلی پندناپذیری انسان‌ها چیست؟ (آیات ۵۲ و ۵۳)

خدای متعال در این آیات، برخی انسان‌ها را سرزنش می‌کند که چرا از هشدارهای قرآن پند نمی‌گیرند و هم‌چون گورخرانی که از مقابل شیر، می‌گریزند، از نصایح قرآن فرار می‌کنند. سپس دو دلیل برای چنین رفتاری بیان می‌کند:

یک. تکبر: در واقع این روی‌گردانی، نه به دلیل محتوای قرآن، بلکه برآمده از تکبر و یا حسادت ایشان است؛ آن‌ها انتظار دارند از جانب خدا به هر یک از ایشان، نوشته‌ای سرگشاده، به طور مستقیم داده شود!

دو. بی‌اعتنایی به آخرت: این گروه چون دغدغه آخرت ندارند، از هشدارها پند نگرفته و بهانه‌جویی می‌کنند.

بیشتر بدانیم

چرا در سوره‌های نخستین که هنوز وجوب نماز اعلام نشده، این عمل مورد تأکید قرار گرفته است؟

هرچند در زمان نزول سوره مدثر، نماز و دیگر وظایف شرعی هنوز برای عموم مردم واجب نشده بود، اما در این سوره بر آن تأکید شده و ترک آن مایه شقاوت انسان معرفی می‌شود. پیش از این نیز در سوره علق به برپایی نماز توسط پیامبر ﷺ اشاره شده بود.

بیان اهمیت نماز، قبل از واجب شدن آن (که در موارد دیگری غیر از نماز نیز در



قرآن مشاهده می شود) بدان جهت است که ابتدا نماز نزد مخاطبان به یک ارزش مهم تبدیل شود، تا هنگام اعلام وجوب نماز، جامعه با آغوش باز پذیرای آن شود و در اجرای آن مقاومتی نشان ندهد.

آموزه‌های زندگی

۱. گفته می‌شود: «دختران را قبل از بلوغ، در انتخاب پوشش و رفتار و ... کاملاً آزاد بگذارید». با توجه به آموزه‌های سوره، این گفته را مورد نقد قرار دهید
۲. بررسی کنید خانم‌های بدپوشش، برای نپذیرفتن پندها و نصایح دلسوزانه، چه توجیهاتی می‌آورند؟ منشأ این توجیهات چیست؟

﴿سوره حمد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤ أَهْدِنَا

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

قرائت سوره

رعایت تلفظ صحیح حروف عربی در قرائت حمد، سوره و اذکار واجب نماز، لازم است. بنابراین در این درس، علاوه بر قرائت سوره حمد، قرائت اذان و اقامه و اذکار نماز را نیز مورد بررسی قرار می دهیم.

مهارت افزایی

۱. پس از استماع قرائت الگو و همخوانی سوره حمد، کلماتی را که دارای تلفظ ویژه عربی هستند نوشته و همانند قرائت الگو بخوانید.

.....
.....
.....

۲. پس از استماع قرائت الگو، قرائت صحیح عبارات اذان و اقامه را تمرین کنید.

اللَّهُ أَكْبَرُ
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
 أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
 حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
 حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
 حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
 اللَّهُ أَكْبَرُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

۳. پس از استماع قرائت الگو، قرائت صحیح اذکار واجب نماز را تمرین کنید.

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۱. بهتر است قرائت صحیح اذکار مستحبی نماز نیز تمرین شوند:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

يَحُولُ اللَّهُ وَقُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَأَقْعَدُ



آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۷ آیه	ردیف: ۵ بعد از مدثر قبل از مسد	ردیف: ۱ قبل از بقره جزء ۱ صفحه ۱	ندارد	مکی	<p>۱. مصحف با آن شروع می‌شود؛ ۲. اولین سوره‌ای است که در نماز تلاوت می‌شود؛ ۳. در مقام تعلیم ابتدا از این سوره استفاده می‌شود.</p> <p>زیرا هفت آیه دارد و در هر نماز دوبار خوانده می‌شود.</p> <p>چون محتوای این سوره (تنظیم رابطه انسان با خدا) ریشه تمام محتوای قرآن است</p>	<p>فاتحة الكتاب</p> <p>سبع- المثانی</p> <p>أم الكتاب</p> <p>و.....</p>



۲. غرض سر:

تنظیم روابط انسان با پروردگار متعال در پرتوشناخت نقش های منحصر او در هستی

۳. گزارش محتوای سوره

سوره به واکنش موجودات مختار در برابر پروردگار اختصاص دارد. این سوره با ابراز ستایش خدای متعال به جهت نقش های منحصر او در هستی اعم از دنیا و آخرت شروع می شود و با اظهار توحید بندگی، توحید استعانت و تقاضای هدایت به راه مستقیم از پروردگار به پایان می رسد.

۴. ارتباط سوره

قرآن، برای تغییر و اصلاح شرایط نامطلوب جامعه عصر نزول، در چهار سوره نخست، گام هایی را برداشت: ایجاد احساس نیاز به پروردگار (علق، نزول ۱)، تبیین عدالت خدا و مسئولیت انسان در برابر وی (قلم، نزول ۲)، تاکید بر جایگاه پیامبر اکرم ﷺ به عنوان رسول خدا (مزل، نزول ۳)، آن گاه با استفاده از این سه عامل، به هشدار و انذار مردم، پرداخت (مدثر، نزول ۴). بدین ترتیب، مردم برای پذیرش تغییر آماده شدند.

اکنون در سوره حمد، زیرساخت های تغییر و نجات انسان از شقاوت و وصول به سعادت مطرح می شود که در تنظیم رابطه انسان با پروردگار نهفته است. خدای متعال در این سوره و از زبان انسان، نگاهی را که باید انسان به پروردگار داشته باشد، بیان می کند، و بر پایه این نگاه، از زبان انسان، درخواست هدایت به راه نجات را تقاضا می کند.

۵. فضیلت سوره

بیان فضیلت این سوره در قرآن بیش از هر چیز دیگری فضل آن را می‌رساند، آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^۱ و ما به تو هفت آیه از قرآن (سوره حمد) و قرآن عظیم را دادیم.»

این عظمت به دلیل معارف والایی است که در سوره حمد وجود دارد. زیرا موضوع اصلی سوره حمد، درخواست هدایت به راه مستقیم از خدای متعال در پرتو تنظیم روابط انسان با صاحب اختیارش است؛ در نتیجه، این سوره اساس و شالوده قرآن است؛ زیرا قرآن هدایت تفصیلی بشر در عرصه‌های گوناگون حیات است؛ هدایتی از جانب پروردگار برای کسانی که رابطه آنان با خداوند محکم شده و جهان را پرتوی از تجلی ذات احدیت می‌دانند. از این رو سوره حمد با قرآن برابر دانسته شده است. در حدیثی، امیرمؤمنان علی علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«خدای بزرگ به سبب دادن سوره حمد بر من منت ویژه‌ای نهاده و آن را در برابر قرآن عظیم قرار داده و سوره حمد با ارزش‌ترین ذخیره‌ای است که در گنج‌های عرش خدا وجود دارد.»^۲

۱. سوره حجر، آیه ۸۷.

۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ، «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» فَأَفْرَدَ الْإِمْتِنَانَ [عَلَى] بِقَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَجَعَلَهَا يَا رَأَى الْقُرْآنَ الْعَظِيمِ وَإِنَّ قَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُتُوبِ الْعَرْشِ. (نور الثقلین، عروسی حویزی، ج ۱، ص ۶، نشر اسماعیلیان ۱۴۱۵ ه. ق.)



قرائت سوره

ارزیابی قرائت نماز^۱

برای اطمینان از صحت قرائت نماز، یک نماز دو رکعتی بخوانید و نکات و تذکرات استاد ارجمند را در فرم تصحیح قرائت نماز، یادداشت و جهت اصلاح آن‌ها تلاش کنید:

فرم تصحیح قرائت نماز	
موضوع	تذکرات
اذان و اقامه	
سوره حمد	
سوره توحید	
ذکر رکوع و سجود	
تسبیحات اربعه	
تشهد	
سلام	

۱. با توجه به اهمیت تصحیح قرائت نماز دو جلسه برای این مهم پیش بینی شده تا قرائت یکایک طلاب محترم مورد ارزیابی قرار گیرد و در صورت نیاز، بایستی جلسات فوق العاده‌ای برای تکمیل ارزیابی تشکیل شود.



در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

ستایش مخصوص خدایی است که

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

پروردگار جهانیان است

(همان خدایی) که گسترده مهر مهرورز

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

است.

مالک روز جزاست.

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

درس هایی از سوره

۱. چرا در سوره حمد به تنظیم رابطه انسان با خدا پرداخته شده است؟
سیر تحول موجودات مختار (انسان و جن) باید به تحول در چهار ساحت رابطه با پروردگار، رابطه با خود، رابطه با دیگران و رابطه با هستی بیانجامد. در این بین اگر بشر در ارتباط با پروردگار متعال وظایف خود را به خوبی بشناسد و به آن‌ها پای بند باشد، روابط دیگر و نیز در پرتو این رابطه سامان می‌یابد. در سوره حمد اصول این رابطه به اجمال تنظیم می‌شود، تا مخاطبان برای تحول یافتن در سایه رهنمودهای خدای متعال آماده شوند.

۲. علت اختصاص حمد به خدا چیست؟

حمد، ثنا و ستایش از کسی است که صفت نیکی را در خود به اختیار ایجاد کرده باشد.^۱ «لام» در «الله» برای اختصاص حمد به «الله» است. زیرا:

۱. قید اختیار واژه‌ی حمد را از مدح جدا می‌کند؛ زیرا در مدح، شخص یا چیزی بر امری اعم از اختیاری یا غیر اختیاری ستایش می‌شود. این واژه با شکر نیز تفاوت دارد؛ زیرا شکر در مواردی استعمال می‌شود که دیگری با میل و اراده، نعمتی یا لطفی را به شخص سپاسگزار رسانده باشد، اما در حمد چنین ملاحظه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین حمد محدود تر و به اصطلاح اخض از مدح است، اما گسترده تر و اعم از شکر می‌باشد.



یک. رب العالمین است: خدای متعال اختیارداری است که اصلاح، پرورش و شکوفایی موجودات عالم به دست اوست.

دو. رحمن و رحیم است: خدایی که با رحمت فراگیر خود نسبت به همه موجودات (الرحمن) و رحمت خاص خویش نسبت به بندگان شایسته (الرحیم)، رشد و ارتقای همه موجودات را رقم می‌زند.

سه. مالک یوم الدین است: دایره مالکیت او روز جزا را نیز در بر گرفته و عملکرد موجودات مختار را داوری و جایگاه ابدی ایشان را رقم می‌زند.

بیشتر بدانیم

بهره‌مندی از نعمت‌های خدای متعال چند گونه است؟

نعمت‌ها جلوه‌های رحمت پروردگار هستند که بر دو گونه‌اند:

یک. نعمت‌های عام (که از واژه رحمن استفاده می‌شود) اشاره به تمام فرصت‌هایی است که خدای متعال به مخلوقات عطا کرده است؛ هیچ مخلوقی نیست مگر آنکه پس از آفرینش، نسبتش با دیگر پدیده‌ها برقرار شده و زمینه شکوفا شدن استعدادهایش فراهم شده است.

دو. رحمت خاص (که از واژه رحیم استفاده می‌شود) از زمانی جلوه می‌کند که پدیده‌های مختار با حسن اختیار، راه درست را انتخاب کنند؛ در اینجاست که مشمول عنایت ویژه و خاص او می‌شوند و برای رسیدن به مراتب بالاتر، راهبری می‌شوند.

آموزه‌های زندگی

۱. گفتگو کنید که چگونه می‌توان حق حمد الهی را ادا نمود؟
۲. گفتگو کنید بانوان برگزیده‌ای هم‌چون حضرت زهرا علیها السلام چگونه زیستند که مشمول رحمت خاص الهی شدند؟
۳. نمونه‌هایی از بانوانی را ذکر کنید که در دوران معاصر مشمول رحمت خاص خدا شده‌اند.

قرائت سوره

ارزیابی قرائت نماز

برای اطمینان از صحت قرائت نماز، یک نماز دو رکعتی بخوانید و نکات و تذکرات استاد ارجمند را در فرم تصحیح قرائت نماز، یادداشت و جهت اصلاح آن‌ها تلاش کنید:

فرم تصحیح قرائت نماز	
موضوع	تذکرات
اذان و اقامه	
سوره حمد	
سوره توحید	
ذکر رکوع و سجود	
تسبیحات اربعه	
تشهد	
سلام	

در محضر آیات سوره

(خدایا) تنها تو را می پرستیم و

تنها از تو یاری می جوئیم

ما را به راه راست راه نمایی فرما.

راه کسانی که به آنان نعمت دادی،

(همان کسانی که) بر آنان خشم

نشده است و [از] گمراهان نیستند

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

درسی‌هایی از سوره

۱. توحید در عبودیت و استعانت به چه معناست؟ (آیه ۵)

پس از بیان انحصار حمد و ستایش به خدای متعال در آیات ابتدایی سوره، دومین و سومین رابطه‌ای که میان انسان با خدا برقرار می‌گردد توحید در عبودیت و استعانت است که در این آیه بیان می‌شود.

«نَعْبُدُ» می‌پرستیم، از ریشه «عبد» به معنای نهایت درجه‌ی تواضع و فروتنی و اطاعت محض از دیگرست که از آن به پرستش یاد می‌کنیم. پرستش عرصه بسیار گسترده‌ای است که علاوه بر پرستش به معنای نمادین آن (مانند نماز و حج)، شامل اطاعت از خدا در تمام عرصه‌ها نیز می‌شود.

«نَسْتَعِينُ» یاری می‌خواهیم، از ریشه «عون» به معنی یاری و نصرت گرفته

شده است

از مقدم شدن «إِيَّاكَ» بردو فعل «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» انحصار فهمیده می‌شود. یعنی تنها باید او را پرستید و تنها از او کمک خواست؛ که از آن به توحید در عبودیت و استعانت یاد می‌شود.

وقتی هیچ کمالی جز در پرتو ربوبیت الهی پدید نمی‌آید، و هیچ موجودی جز او مالک پاداش و مجازات نیست، در نتیجه، انسانی که طالب رهایی از شقاوت و خواهان وصول به سعادت است، تنها راه تحصیل این خواسته را در پرتو اطاعت و تواضع و فروتنی کامل و یاری خواستن از صاحب کمال حقیقی می‌بیند؛ صاحب کمالی که با رحمت عام و خاصش استعدادها را شکوفا می‌کند و مالک به ثمر رساندن آن‌هاست.

۲. مهم‌ترین خواسته بشر چه باید باشد؟

تمام روابط سه‌گانه‌ای که در آیات گذشته از زبان انسان بیان شد، زمینه‌ی مهم‌ترین درخواست از خدا است. اما مهم‌ترین خواسته بشر چه چیزی باید باشد؟



انسانی که خود را تنها و گمراه می‌دانسته و تصمیم به نجات و تعالی دارد، مهمترین نیاز و خواسته‌اش راهنمایی شدن به راه راست خواهد بود. پس از خدا می‌خواهد: خدایا ما را به «صراط مستقیم» یعنی راه استوار و بدون اعوجاج و انحراف، راهنما باش!

۳. صراط مستقیم، راه چه کسانی است؟

خدای متعال در پایان سوره، انسان‌ها را به سه دسته تقسیم کرده، تنها گروه نخست را بر صراط مستقیم می‌داند و به بندگان آموزش می‌دهد راه ایشان را در پیش گیرند. این سه گروه عبارت‌اند از:

یک. انعمت علیهم: گروهی که احساس نیاز به پروردگار و آفرینش و ربوبیت او نمودند، روح بندگی در وجودشان شکوفا شد و تن به قوانین و ضابطه‌ها داده و مشمول نعمت‌های الهی شدند.

دو. مغضوب علیهم: این افراد گرچه مشمول نعمت الهی بوده‌اند، اما به سبب طغیانگری و فساد، به غضب او گرفتار شده و نعمت از کف داده‌اند.

سه. ضالین: کسانی که هر چند به مقابله با حق پرداخته بودند، اما در مسیر حق نیز نبوده و در گمراهی به سر می‌بردند.

آموزه‌های زندگی

۱. نمونه‌هایی از نعمت‌های الهی به خود را بیان کنید و بگویید برای پاس‌داشت آن‌ها چه کرده‌اید؟

۲. نمونه‌هایی از مصادیق «انعمت علیهم»، «مغضوب علیهم» و «ضالین» را در عصر حاضر شناسایی کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ① مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا
 كَسَبَ ② سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ③ وَأَمْرَاتُهُ
 حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ④ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَمٍ ⑤

قرائت سوره

پس از استماع سوره «مسد» به سؤال زیر پاسخ دهید:

• حروف باء و دال در آخرین کلمه‌ی هر آیه، چگونه ادا می‌شوند؟

همانگونه که در تلاوت الگوشنیدیم، صدای حرف باء و دال در حالت سکون

کاملاً آشکار می‌شود.

توضیح آن‌که، هنگام ادای حرف باء و دال، هوا در محل تلفظ آن‌ها حبس می‌شود و جریان پیدا نمی‌کند و با رهاسازی ناگهانی هوا، این حروف به صورت انفجاری تلفظ می‌شوند.^۱ انفجاری بودن این حروف، هنگام متحرک بودن به طور طبیعی رعایت می‌شود. اما در حالت سکون معمولاً رعایت نشده و حرف

۱. این ویژگی در هشت جیف «ء، ب، ت، ج، د، ط، ق، ک» وجود دارد که در علم تجوید به آن، «شدت» می‌گویند. برخلاف بقیه حروف که به صورت سایشی و نرم ادا می‌شوند.



به درستی تلفظ نمی‌شود.^۱ برای تلفظ صحیح این حروف در حالت سکون، بایستی هوای حبس شده رها شود تا صدای حرف آشکار گردد. البته باید دقت شود این رهاسازی موجب متحرک شدن حرف نگردد.

این رهاسازی در پنج حرف «ق، ط، ب، ج، د» قلقله نامیده می‌شود.

نکته: همان‌گونه که در قرائت الگو شنیدیم، حرف باء در «وَقَبَّ» و «كَسَبَ» با اندکی تفاوت ادا می‌شود. زیرا قلقله حرف مشدّد، بایستی با کمی مکث صورت گیرد تا تشدید این حرف به درستی ادا شود.^۲ اما قلقله حروف غیر مشدّد، ضعیف تر انجام می‌شود.

مهارت افزایی

۱. در سوره «علق»، کلماتی که دارای حروف قلقله هستند را بنویسید و آن‌ها را همانند قرائت الگو بخوانید.

..... اَقْرَأْ

۲. با دقت در نکات درس و رعایت تلفظ فصیح حروف عربی، سوره «مسد» را همراه با استماع قرائت الگو یک بار زمزمه و بار دیگر همخوانی کنید.

۱. زیرا به دلیل نبود حرکت، هوا در محل تلفظ حرف، نگه داشته شده و صدای این حروف به گوش نمی‌رسد.
 ۲. حرف مشدّد از دو حرف (اولی ساکن و دومی متحرک) تشکیل شده است. از این رو برای ادای صحیح حرف مشدّد، بایستی به اندازه تلفظ دو حرف، روی آن مکث صورت بگیرد. این حالت برای حرف مشدّدی که در آخر کلمه ساکن می‌شود نیز باید اجرا شود. بنابراین لازم است حرف ساکن مشدّد، با مکث بیشتری ادا شود. مانند:

يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ^۳

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۵ آیه	ردیف: ۶ بعد از حمد قبل از تکویر	ردیف: ۱۱۱ بعد از نصر قبل از اخلاص جزء ۳۰، صفحه ۶۰۳	ندارد	مکی	ابتدا یا انتهای آیات	تبت أبی لهب المسد اللهب

۲. غرض سوره

اعلام غضب الهی و تصریح به عذاب قطعی دو تن از نزدیکان پیامبر ﷺ که وی را تکذیب کرده و سدّ راه جریان تبلیغی او بودند .

۳. گزارش محتوای سوره

مجموع سوره یک بخش است که با اعلام حکم قطعی خداوند درباره نابودی و هلاکت ابولهب، علی‌رغم همه داشته‌ها و دارایی‌هایش آغاز می‌شود و با الحاق همسرش امّ جمیله به سرنوشت او، پایان می‌یابد.

۴. ارتباط سوره

با شروع دعوت رسمی پیامبر اکرم ﷺ واکنش‌های شدید از جانب رهبران جریان جهالت متوجه پیامبر ﷺ و رسالت او شد و هر کدام به شیوه‌ای به مقابله با آن پرداختند. در سوره‌های گذشته به چندین مورد از این واکنش‌ها پرداخته شد.



یکی از بدترین انواع اذیت و آزارها، از جانب عمومی پیامبر ﷺ، ابولهب، و همسرش صورت می گرفت که در سوره مسد بدان پرداخته و خدای متعال با بیان عاقبت شوم این دو تن، از پیامبر و آیین خویش حمایت کرده است.

۵. سبب نزول سوره

این سوره در پاسخ به توهین ابولهب نازل شد. پس از آن که پیامبر ﷺ بر فراز کوه صفا رفت و همه قبایل را فراخواند و ایشان را نسبت به عذاب الهی هشدار داد، ابولهب گفت: «تَبًّا لَكَ! أَمَا جَمَعْتَنَا إِلَّا لِهَذَا؛ زیان و مرگ بر تو باد! آیا توفیق برای همین سخن ما را جمع کردی؟!» در این هنگام بود که این سوره نازل شد: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ﴾

لازم به ذکر است که خطرو عداوت ابولهب و همسرش برای اسلام منحصر به این مورد نبود. بنابراین سرزنش صریح و شدید قرآن، ریشه در عمق و استمرار این رفتارهای عداوت آمیز دارد.



در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۱

زیانکار و هلاکت بار باد دودست ابولهب؛
وزیان دید و هلاک شد.^۱

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا
كَسَبَ ۲

ثروتش و آنچه کسب کرده بود، (عذاب را)
از او دفع نکرد.

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۳

به زودی در آتشی شعله‌ور وارد می‌شود (و
می‌سوزد).

وَأُمَّرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۴

(نیز) همسرش، در حالی که هیزم‌کش
(دوزخ) است؛

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۵

در گردنش ریسمانی از لیف خرما می‌تافته
است.^۲

درسی از سوره

دشمنی کینه‌توزانه ابولهب و همسرش با پیامبر ﷺ چه پیامدی برای آن‌ها داشت؟ همان‌گونه که در آشنایی با سوره گذشت، سوره مبارکه مسد، پاسخی سنگین از جانب خدای متعال در برابر شدت آزار و اذیتی است که ابولهب و همسرش بر پیامبر ﷺ روا می‌داشتند. تکرار فعل «تَبَّ» می‌رساند که هم قدرت ابولهب نابود می‌شود و هم خودش هلاک خواهد شد.

۱ «تَبَّتْ» در مسیر هلاکت قرار گرفت. از مصدر تباب، به معنی زیان همیشگی و یا زبانی است که سرانجام فرد را به نابودی بکشانند.

۲ «جید» گردن و «مسد» به ریسمان تابیده شده از لیف خرما اطلاق می‌گردد. منظور طنابی بسیار محکم و استوار است که در جهنم برگردن وی می‌اندازند.



همسر «ابولهب» نیز در آتش شعله‌ور جهنم خواهد افتاد، در حالی که طناب محکمی بر گردنش بسته شده است. این تعبیر اشاره به تجسم اعمال دنیایی او در آخرت دارد. زیرا وی در دنیا، هیزم‌هایی دسته می‌کرد و با طنابی که به دور گردنش بود، تا در خانه‌ی پیامبر ﷺ می‌کشید تا حضرت را آزار دهد. قرآن می‌فرماید او با همین حالت در رستاخیز محشور می‌شود، اما در حقیقت این طناب مایه اسارت و ذلت او خواهد بود.

بیشتر بدانیم

مبلغان دین در برابر کسانی که به دشمنی می‌پردازند چه واکنشی باید داشته باشند؟

دشمنی و مقابله نزدیکان، از مهم‌ترین موانع پیش روی ترویج‌دهندگان دین است. این سوره به مبلغان دین می‌آموزد که وقتی مخلصانه و با آگاهی کامل، در مسیر تبلیغ دین قدم برمی‌دارند، در برابر واکنش‌های کینه‌توزانه هرچند از جانب بستگان نزدیک، بایستی با امید به حمایت خدای متعال، دشمنی‌ها را تحمل کرده و در مسیر خود استوار باقی بمانند.

آموزه‌های زندگی

نمونه‌هایی از آزار و اذیت‌هایی که خانم‌های چادری به واسطه تبلیغ پوشش اسلامی از اطرافیان خود می‌بینند را ذکر کرده و بررسی کنید در این موارد، آیا مقابله، نتیجه‌بخش تر بوده یا تحمل؟

﴿سوره تکویر﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ
 سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ
 ﴿٥﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ وَإِذَا
 الْمَوْتُودَةُ سُيِّلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُنِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الصُّعْفُ نُشِرَتْ
 ﴿١٠﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ
 أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ ﴿١٥﴾
 الْجَوَارِ الْكُنَسِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا نَفَسَ ﴿١٨﴾
 إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ
 ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْأَمِينِ
 ﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾
 فَأَيْنَ تَذَهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ
 يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

قرائت سوره

پس از استماع سوره «تکویر» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- حروف جیم و قاف در کلمات «بِمَجْنُونٍ» و «أَقِمْ» چگونه تلفظ می‌شوند؟

همانگونه که در تلاوت الگوشنیدیم، هنگام تلفظ جیم و قاف ساکن، هوای حبس شده در محل تلفظ حرف، بدون آن که سکون به حرکت تبدیل شود رها می‌شود و صدای حرف در حالت سکون آشکار می‌گردد.

نکته: با دقت بیشتر در تلفظ این دو کلمه و مقایسه با مثال‌های درس گذشته، درمی‌یابیم قلقله حرف ساکن در وسط کلمه از سایر موارد، ضعیف‌تر انجام می‌شود. بنابراین مراتب قلقله از شدید به ضعیف عبارت‌اند از: ۱. حرف مشدد در آخر کلمه، ۲. حرف ساکن در آخر کلمه، ۳. حرف ساکن در وسط کلمه

مهارت افزایی

۱. در سوره «تکویر» و «قلم»، کلماتی که دارای حروف قلقله در حالت سکون هستند را بنویسید و همانند قرائت الگو بخوانید.

۱. حرف بی حرکت، ساکن نام دارد و در رسم الخط قرآنی، آن را با علامت سکون مشخص می‌کنند. مانند أَحْضَرَتْ. البته در برخی رسم الخط‌ها، برای سکون هیچ علامتی قرار نمی‌دهند. مانند: أَحْضَرَتْ

أَقِمْ

.....

.....

.....

.....

۲. با دقت در نکات درس و رعایت تلفظ فصیح حروف عربی، سوره «تکویر» را همراه با استماع قرائت الگویک بار زمزمه و بار دیگر هم خوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۲۹ آیه	ردیف ۷ بعد از مسد قبل از اعلی	ردیف ۸۱ بعد از عبس قبل از انفتار جزء ۳۰، صفحه ۵۸۶	ندارد	مکی	بکار رفتن این دو کلمه در آیه اول	تکویر کورت



۲. غرض سوره

ترغیب کسانی که خواهان رشد و قوام شخصیتی هستند به بهره‌گیری از قرآن.

۳. گزارش محتوای سوره

بخش اول. آیات ۱-۱۴: در این بخش به تحولات عظیم پایان دنیا و نشانه‌های برپا شدن جهان آخرت و نیز حاضر شدن اعمال انسان در آخرت اشاره می‌شود تا مخاطبان به دنبال راهی برای نجات در آن شرایط سخت برآیند.

بخش دوم. آیات ۱۵-۲۹: در بخش دوم، جهت پاسخ به آن خواسته، قرآن را به عنوان منشور هدایت، به مردم معرفی می‌کند. به این صورت که ابتدا همراه با چند سوگند، به انتساب قرآن به جبرئیل و فرازمینی بودن آن اشاره و برخی ویژگی‌های جبرئیل را بیان می‌کند. هم‌چنین توهّمات غلط دربارهٔ پیامبر ﷺ و قرآن را مردود می‌خواند. در نهایت برای کسانی که خواستار هدایت هستند، قرآن را معرفی می‌کند.

۴. ارتباط سوره

تا کنون مردم با پروردگار عالم (علق)، عدالت او (قلم) و رسولش (مزمّل) آشنا شده و نسبت به سرنوشت خود انداز شده‌اند (مدثر). در این بین افراد حق طلب توانسته‌اند رابطه خویش را با آن پروردگار تنظیم نموده و از جانب خدا هدایت را طلب نمایند (حمد)

خدای متعال در سوره تکویر، در پاسخ به این خواسته، ضمن بیان نقش عمل در شکل‌گیری آیندهٔ هر یک از افراد و تأکید بر انتساب قرآن به خود، انسان‌های هدایت‌طلب را به بهره‌گیری از این کتاب برای ایجاد شخصیت انسانی ترغیب می‌کند.

قرائت سوره

پس از استماع سوره «تکویر» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- حروف تاء و کاف در کلمات « سُرَّتْ » و « ذِکْرٌ » چگونه ادا می‌شوند؟

همانگونه که در تلاوت الگوشنیدیم، صدای حرف تاء و کاف ساکن، آشکار می‌گردد. زیرا این دو حرف نیز از حروف انفجاری بوده و لازم است همانند حروف قلقله، هوای حبس شده در حالت سکون رها شود تا صدای حرف آشکار گردد. نکته: از آن جا که رهاسازی هوا در این دو حرف، صدای ضعیف‌تری ایجاد می‌کند، از حروف قلقله به‌شمار نرفته‌است.

مهارت‌افزایی

۱. در سوره «مدثر»، کلماتی را که دارای حروف انفجاری در حالت سکون هستند نوشته و آن‌ها را همانند قرائت الگو بخوانید.

تَسْتَكْبِرُ

.....
.....
.....

۲. با دقت در نکات درس، سوره «تکویر» را همراه با استماع قرائت الگو یک بار زمزمه و بار دیگر همخوانی کنید.

در محضر آیات سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۱

هنگامی که خورشید در هم پیچیده شود

و هنگامی که ستارگان بی فروغ شوند (و سقوط کنند)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۲

و هنگامی که کوه‌ها روان شوند

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۳

و هنگامی که شتران باردار متروک شوند

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۴

و هنگامی که حیوانات وحشی پراکنده شوند

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۵

و هنگامی که دریاها برفروخته (و پُر) شوند

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۶

و هنگامی که اشخاص (گروه) گروه شوند،^۱

وَإِذَا النَّفُوسُ زُوِّجَتْ ۷

و هنگامی که از دخترزنده به گور شده پرسیده شود:^۲

وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ ۸

«به کدامین پیامد (گناه) کشته شد؟!»

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۹

۱. «زُوِّجَتْ» قرین هم می‌گردند. از «تزوِیج» به معنای مقارنه‌ی هرچیزی با چیزی مناسب آن است. گیاهان را زوج می‌گویند؛ زیرا از صنف هم و قرین یکدیگرند. موجودات عالم نیز با توجه به مشابهت‌هایی که دارند در برخی از آیات مثل سوره واقعه آیه‌ی ۷، زوج خوانده شده‌اند: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً». پس منظور از زوج در سوره تکویر یعنی هر یک از موجودات به آن چیزی که مقارن با آن‌ها است، نزدیک می‌شوند.

۲. «مَوْءِدَةٌ» دخترزنده به گور شده از «وَاد» زنده به گور کردن است.

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿۱۰﴾

و هنگامی که نامه‌ها (ی اعمال) گشوده شود

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿۱۱﴾

و هنگامی که پرده از (حقایق) آسمان برداشته شود

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ﴿۱۲﴾

و هنگامی که دوزخ شعله‌ای فروزان شود

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ ﴿۱۳﴾

و هنگامی که بهشت نزدیک شود،

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿۱۴﴾

(در آن روز، هر) شخصی آنچه را که حاضر کرده است، می‌داند.

درسی از سوره

چرا خدای متعال با ادبیات و تعبیراتی بسیار هول انگیز از پایان دنیا و برپایی قیامت یاد می‌کند؟

حق تعالی به این وقایع عظیم و دهشت‌ناک اشاره کرد تا انسان را نسبت به رابطه‌ی اعمال و فرجام نگران کند. زیرا فرجام انسان در قیامت، همان اعمالی است که در دنیا انجام داده‌است. «ما احضرت» نشان می‌دهد در قیامت، خود عمل نزد انسان حاضر می‌شود. به تعبیر دیگر، آخرت تجسّم اعمال دنیا است.

بیشتر بدانیم

حکمت اشاره به رها شدن «عِشَار» چیست؟

در عصر نزول قرآن یکی از پرفایده‌ترین و باارزش‌ترین اموال عرب، «عِشَار» یا همان ماده شترانی است که ده ماهه باردار هستند. خداوند در آیه چهارم سوره می‌فرماید: حوادث آخر دنیا آن قدر سهمگین می‌شود که کسی به عِشَار توجه نمی‌کند.

البته باید توجه کرد که این معنا تنزیل آیه است؛ یعنی آن معنایی که در زمان نزول از این آیه برداشت می‌شد و برای عرب جاهلی قابل درک بود؛ زیرا گران‌بهارترین چیز نزد عرب، «عِشَار» بود. بدین ترتیب خداوند این حیوان را شاهد



آورد تا مثالی باشد از باارزش‌ترین و پرمعنفت‌ترین دارایی‌ها. یعنی در آستانه رستاخیز، مردم از شدت هول و دهشت، باارزش‌ترین دارایی‌های خود را فراموش کرده و رها می‌کنند.

آموزه‌های زندگی

۱. با توجه به شیوع سقط جنین در ایران و جهان به ظاهر متمدن امروز، وجه تشابه و تفاوت آن را با زنده به گور کردن دختران در عصر جاهلی بیان کنید.
۲. می‌توانید در قالب نمایش نامه‌ای کوتاه، روز رستاخیز و تجسم اعمال انسان را به نمایش درآورید؟



قرائت سوره

نکات کاربردی حفظ قرآن (۴)

مرور محفوظات

در درس بیست و سوم با شیوه تثبیت محفوظات آشنا شدیم. اما باید توجه داشت هرچند پس از تثبیت محفوظات با تکرار ده روز یا بیشتر، سوره‌های حفظ شده در حافظه ماندگار می‌شود، اما برای جلوگیری از فراموشی آن‌ها، بایستی در دوره‌های هفت روزه، تمام سوره‌های تثبیت شده را تکرار کرد. به این کار مرور محفوظات می‌گوییم.

برای این کار، بایستی جدولی تهیه شود و هرروز، حداقل یک هفتم آیاتی را که قبلاً تثبیت کرده‌ایم، مرور کنیم.

شیوه‌های مختلفی برای مرور وجود دارد که بهترین شیوه، مرور مباحثه‌ای است که در درس‌های آینده به آن اشاره خواهد شد.

ارزیابی قرائت توسط استاد

سوره «تکویر» را در محضر استاد، قرائت کرده و نکات و تذکرات ایشان را یادداشت و سپس با تمرین‌های تکمیلی برای اصلاح آن‌ها تلاش کنید.

نکات و تذکرات استاد

.....

.....

.....



در محضر آیات سوره

و سوگند یاد نمی‌کنم به (سیارات) بازگردنده،^۱

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ ۱۵

روان شده‌ی پنهان شونده؛

الْجَوَارِ الْكُنَسِ ۱۶

و سوگند (یاد نمی‌کنم) به شب، هنگامی که روی آورد و برگردد (و به آخر رسد)؛

وَالْأَيْلِ إِذَا عَسَّسَ ۱۷

و سوگند (یاد نمی‌کنم) به بامداد، هنگامی که بدمد،

وَالصُّبْحِ إِذَا نَفَسَ ۱۸

که قطعاً آن (قرآن) سخن فرستاده‌ی ارجمند (جبرئیل) است

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۱۹

که قدرتمند [و] دارای جایگاهی نزد صاحب تخت (جهاندار) و تدبیر هستی) است.

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۲۰

که در آن‌جا (در میان فرشتگان، فرمان او) اطاعت شده [و] امین (و درستکار) است.

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۲۱

و هم‌نشین شما (/ پیامبر) دیوانه نیست؛

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۲۲

۱. در مورد «لا» که در کنار واژه «قسم» آمده، دو نظر وجود دارد: یک. «لا» زائد و برای تأکید است یعنی قطعاً قسم می‌خورم. دو. «لا» به همان معنای اصلی خودش به کار رفته، به این منظور که موضوع آن قدر واضح است که نیازی به قسم خوردن نیست و من قسم نمی‌خورم. نظر دوم قوی‌تر است. در هر صورت، این نوع تعبیر، همان کارایی سوگند عادی را در تأکید کلام دارد؛ اما تأکید بیشتر و شدیدتری را می‌رساند.



و به یقین او را در افق روشن دیده است؛

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمَيِّنِ ﴿٢٣﴾

و او نسبت به (بازگویی اخبار) نهان
بخیل نیست؛^۱

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾

و آن (قرآن) سخن شیطان رانده شده
نیست.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾

پس به کجا می‌روید؟

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾

آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان
نیست،

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾

برای کسی از شما که بخواهد به (راه)
راست برود.

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾

و (چیزی) نمی‌خواهید، مگر آنکه
خدایی که پروردگار جهانیان است
بخواهد.

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

درسی از سوره

نزول قرآن چه ویژگی‌هایی داشت؟ (آیات ۱۹-۲۵)

خدای متعال، پس از ایجاد نگرانی در مخاطب نسبت به فرجام خویش، و پیش از آنکه ایشان را در آیات انتهایی سوره به سوی قرآن دعوت نماید، به بیان ویژگی‌های نزول قرآن می‌پردازد تا الهی بودن و مصون بودن آن را از هرگونه جعل و کژی نشان دهد. ویژگی‌های نزول قرآن عبارتند از:

۱. توسط فرشته‌ای (جبرئیل) نازل شده که اولاً، ارجمند است، ثانیاً، تواناست،

۱. «ضَنِين» به معنی بخیل نسبت به چیزهای نفیس و گران قیمت است. برخی این کلمه را به معنای ملازم آن یعنی «مُتَّهِم» تفسیر کرده‌اند.



ثالثا، دارای جایگاه ویژه نزد پروردگار است، و رابعا، امانت دار است.

۲. توسط پیامبری دریافت شده که اولاً، دچار جنون نیست؛ ثانياً، فرشته وحی را دیده و می شناسد پس دچار تردید و توهم نشده است. و ثالثاً، بخیل نیست و مطالب وحی شده را بی کم و کاست در اختیار مردم قرار می دهد.

۳. محتوای آن گفته های شیطان رانده شده نیست؛ پس خالی از هرگونه دروغ و فریب است.

بیشتر بدانیم

چرا معرفی قرآن به عنوان منشور هدایت تا این زمان (سوره هفتم) به تاخیر افتاد؟ (آیات ۲۷-۲۸)

همان گونه که در ارتباط سوره گذشت، خدای متعال در یک فرایند دقیق و منطقی و توجه به نقش اعمال در کیفیت حیات رستاخیز، انسان های حق جورا کاملاً تشنه هدایت پذیری نمود. حال با این پیش زمینه در سوره تکویر با سؤالی حکیمانه و بیدارگر، بر همه راه های دیگر خط بطلان می کشد: «فَأَيُّنَ تَذْهَبُونَ» سپس گام تحول جدیدی را رقم زده و برای اولین بار، انسان های تشنه هدایت را به ضرورت بهره گیری از قرآن به عنوان منشور هدایت الهی، فرا می خواند.

قرآن وسیله ای است که ظرفیت ها و داشته های فطری و عقلی همه بشریت را بیدار می کند. البته، تنها فطرت کسانی بیدار می شود که دغدغه مند بوده و خواهان قوام یافتن کامل شخصیت انسانی خویش هستند.

آموزه زندگی

با توجه به فرایندی که خدای متعال در ترغیب مردم به مراجعه به قرآن انجام داد، گفتگو کنید که با چه روش ها و برنامه هایی می توان جوانان امروز را نسبت به قرآن دغدغه مند نمود، به گونه ای که خود، تشنه مراجعه و تبعیت از قرآن شوند؟

﴿سوره اعلی﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ① الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ② وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

③ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ④ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ⑤ سَتَقِرُّكَ

فَلَا تَسْتَوِي ⑥ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ⑦ وَيُخَوِّفُكَ

لِلْإِسْرَى ⑧ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ⑨ سَيَذَكِّرُكَ مِنْ يُخَشَى ⑩

وَيُنَجِّبُهَا الْأَشْقَى ⑪ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ⑫ ثُمَّ لَا يَمُوتُ

فِيهَا وَلَا يَحْيَى ⑬ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ⑭ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ⑮

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ⑯ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ⑰ إِنَّ

هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ⑱ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ⑲

قرائت سوره

پس از استماع سوره «اعلیٰ» به سؤال زیر پاسخ دهید:
 • حرف همزه در کلمه «تُوَثِّرُونَ» چگونه تلفظ می‌شود؟

همانگونه که در تلاوت الگو شنیدیم، حرف همزه تیز و محکم تلفظ شده و در هنگام ادای آن، صدا قطع می‌شود.^۱ این حالت همیشه با همزه همراه است. پس هیچ‌گاه نباید همزه را با نرمی تلفظ کرد. به ویژه هنگامی که همزه ساکن است. باید توجه داشت که برخلاف دیگر حروف انفجاری، هوای حبس شده در محل تلفظ همزه ساکن رها نمی‌شود، بلکه تنها یک لحظه صدا قطع می‌گردد. به عبارت دیگر، سایر حروف انفجاری ساکن با رها کردن هوای حبس شده ادا می‌شوند، اما همزه ساکن تنها با قطع ناگهانی صوت ادا می‌شود.

مهارت افزایی

۱. در سوره‌های «علق، قلم و مدثر»، کلماتی را که دارای همزه ساکن هستند، نوشته و تلفظ صحیح همزه در حالت سکون را تمرین کنید:

أَقْرَأْ

.....
.....
.....

۱. در درس هشتم به این ویژگی همزه اشاره شد که در اصطلاح به آن «نَبْر» می‌گویند.



۲. با دقت در نکات درس و رعایت تلفظ فصیح حروف عربی، سوره «اعلی» را همراه با استماع قرائت الگویک بار زمزمه و بار دیگر همخوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

نام‌های سوره	وجه تسمیه	مکی یا مدنی	آیات استثنایی	سوره در مصحف	سوره در نزول	تعداد آیات سوره
اعلی سبح	به‌کار رفتن این کلمات در آیه اول	مکی	طبق قول صحیح، آیه استثنایی ندارد. ^۱	ردیف: ۸۷ بعد از طارق قبل از غاشیه جزء ۳۰ صفحه ۵۹۱	ردیف: ۸ بعد از تکویر قبل از لیل	۱۹ آیه

۲. غرض سوره

بیان راه رستگاری به عنوان یکی از مهمترین تذکرات قرآن برای کسانی که اهل خشیت شده باشند.

۳. گزارش محتوای سوره

بخش اول. آیات ۱-۱۳: تاکید بر نقش خشیت در پذیرفتن تذکرات قرآن پس از دستور به پیامبر ﷺ برای تنزیه پروردگار، اطمینان می‌دهد که آن حضرت می‌تواند بدون نگرانی از فراموشی، آیات را به مردم انتقال دهد. سپس او را مامور می‌کند تا مردم را به وسیله آیات الهی تذکر دهد. در ادامه پیش بینی می‌کند

۱. گروهی از مفسران، آیه ۱۴ و ۱۵ را مدنی می‌دانند؛ چون برخی روایات، مصداق آن را زکات فطره قبل از نماز عید دانسته‌اند، اما صحیح آن است که این روایات یکی از مصداق معنای عام آیه است.



تنها کسانی که خشیت دارند، از این تذکرات بهره‌مند می‌شوند و کسانی که فاقد خشیت هستند، خود را گرفتار آتش خواهند کرد.

بخش دوم. آیات ۱۴-۱۹: تبیین برنامه جامع رستگاری و معرفی اصلی‌ترین مانع تحقق آن

در این بخش یکی از مهم‌ترین تذکرات قرآن یعنی راه رستگاری بیان می‌شود: «تذکیه نفس، یاد پروردگار و نماز». سپس دنیاگزینی را مانع پیمودن راه رستگاری شمرده و به درمان این مانع می‌پردازد. در نهایت به مشترک بودن این تذکرات در کتاب‌های آسمانی پیشین توجه می‌دهد.

۴. ارتباط سوره

خدای متعال در سورهٔ تکویر مردم هدایت طلب را به قرآن ارجاع داد. از آنجا که متن قرآن به وسیله رسول اکرم ﷺ بر مردم خوانده می‌شد، در این سوره نسبت به توانا شدن پیامبر ﷺ برای حفظ کامل و خواندن بی‌کم و کاست قرآن بر مردم تضمین می‌دهد.

از جهت دیگر، به مردمی که در سوره قبل برای هدایت به قرآن ارجاع داده شده بودند، در این سوره با راهکار اصلی رستگاری آشنا می‌شوند.

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره «اعلیٰ» به سؤال زیر پاسخ دهید:

• در کلمات قرآن، حروف به کمک چه صداهایی خوانده می‌شوند؟

در درس‌های گذشته با حروف زبان عربی و تلفظ صحیح آن‌ها آشنا شدیم. از آن‌جا که حروف، بی‌صدا (صامت) هستند، به کمک صداها (مصوّت‌ها) خوانده می‌شوند. صداها (مصوّت‌ها) در زبان عربی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. مصوّت‌های کوتاه، که حرکات نامیده می‌شوند؛ و عبارت‌اند از: فتحه، کسره و

ضمه؛

۲. مصوّت‌های کشیده، که حروف مدی نامیده می‌شوند؛ و عبارت‌اند از: الف

مدی، یاء مدی و واو مدی.

نحوه ادای برخی صداها در قرائت قرآن با گویش فارسی تفاوت دارد؛ که در

درس‌های بعد با تلفظ فصیح آن‌ها آشنا خواهیم شد.

ضمه <u>َ</u>	کسره <u>ِ</u>	فتحه <u>َ</u>	کوتاه (حرکات)	مصوت‌ها
واو مدی (<u>و</u>)	یاء مدی (<u>ی</u>)	الف مدی (<u>ا</u>)	کشیده (حروف مدی)	

نکته: از آن‌جا که در فارسی، حروف بدون علامت نوشته می‌شوند، هنگام خواندن کلمات، فقط به شکل حروف توجه می‌شود. ولی در نگارش کلمات قرآن، حروف همراه با علامت‌ها نوشته و به کمک آن‌ها خوانده می‌شوند. بنابراین

توجه دقیق به شکل علامت‌ها به ویژه حرکات^۱ نقش مهمی در صحیح خوانی قرآن دارد.

مهارت افزایی

۱. سوره «اعلیٰ» را بار دیگر همراه با قرائت الگو زمزمه و سپس هم خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ ①

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ②

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ③

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ④

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ⑤

سُنُقَرُوكَ فَلَا تَنْسَوِ ⑥

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ

⑦

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

نام پروردگار و لاترت را تسبیح بگوی؛

(همان) کسی که آفریده و مرتب کرد؛

و کسی که معین کرد و ره‌نمون ساخت؛

و کسی که گیاه را بیرون آورد؛

سپس آن را خاشاک‌ی تیره‌گون قرارداد.

به زودی تو را (به آیات قرآن) خوانا می‌کنیم^۲

پس فراموش نمی‌کنی،

مگر آنچه را خدا بخواهد؛ [چرا] که او آشکار

و آنچه را پنهان می‌شود می‌داند.

۱. اشتباه در حرکات (غلط‌های اعرابی) از رایج‌ترین آسیب‌ها در قرائت قرآن است. برای جلوگیری از این آسیب، لازم است هنگام قرائت، بیش از حروف، به حرکات توجه کرد.

۲. «تَقْرَأُ» خوانا می‌کنیم. از «قرء» به معنی جمع کردن است. جمع کردن حروف در کلمه، و کلمات در جمله را نیز به همین اعتبار قرائت می‌گویند. «اقراء»، خواندن بردیگری و خوانا کردن است. منظور از «اقراء» خوانا کردن پیامبر ﷺ به آیاتی است که جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت ﷺ نازل می‌نمود؛ به گونه‌ای که آیات را بدون هیچ کم و کاستی بر مردم بخواند.

وَيَسِّرْكَ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٨﴾

و آسان‌ترین (راه) را برای تو فراهم می‌کنیم؛

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ﴿٩﴾

پس یادآوری کن اگر یادآوری سودمند است؛

سَيَذَرُكَ مَنْ يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾

که به زودی کسی که می‌هراسد متذکر می‌شود.

وَيَجْنِبُهَا الْأَشْقَىٰ ﴿١١﴾

و شقی‌ترین (افراد) از آن دوری می‌گزیند،

الَّذِي يَصَلِي النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾

(همان) کسی که در آتش بزرگ‌تر وارد می‌شود (و می‌سوزد)؛

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾

سپس در آن جا نه می‌میرد و نه (در خوشی) زنده می‌ماند.

درسی از سوره

چه کسانی از تذکرات پیامبر ﷺ بهره‌مند می‌شوند؟ (آیات ۱۰ و ۱۱)

در این آیات، مخاطبان تذکرات پیامبر ﷺ به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱. اهل خشیت، که واکنش مثبت نشان داده و در راه رستگاری قرار می‌گیرند:

(سَيَذَرُكَ مَنْ يَخْشَىٰ) «يَخْشَىٰ» به معنی می‌ترسد، از «حَشِيَّتٍ» به معنای ترس

همراه با درک اُبْهَت طرف مقابل است.

۲. شقی‌ترین افراد، که از تذکرات تو دوری می‌گزینند: (وَيَجْنِبُهَا الْأَشْقَىٰ)

«يَتَجَنَّبُ» دور می‌شود، از «جنب» به معنای دور شدن است. «شقی» کسی است

که برای شناخت راه رستگاری خود، تلاش نکند؛ اما «شقی‌تر» کسی است نه تنها

خود تلاشی برای رستگاری نمی‌کند، بلکه حتی هنگام راهنمایی و تذکره به راه

رستگاری، باز هم از پذیرش آن امتناع ورزد.



بیشتر بدانیم

قرآن برای گرایش مردم به خشیت، چه راهی را پیموده است؟

بر پایه‌ی سیر نزول قرآن برای درک ابهت پروردگار و رسیدن به خشیت، ابتدا اصلی‌ترین نعمت‌های پروردگار را معرفی کرد، تا احساس نیاز به پروردگار را در مخاطب برانگیزاند. (علق، نزول ۱، آیه ۱ تا ۵)؛ سپس خدای متعال را مالک نفع و ضرر انسان دانست تا احساس مسئولیت او را نسبت به پروردگار تقویت کند. (علق، نزول ۱، آیه ۹ تا ۱۸ و قلم، نزول ۲، آیه ۱۶ تا ۳۵ و مزمل، نزول ۳، آیه ۱۱ تا ۱۹) سپس پیامبر ﷺ را مأمور کرد که با توجه دادن به بزرگی پروردگار، مخاطب را نسبت به عاقبت اعمالش هشدار دهد. (مدثر، نزول ۴، آیه ۱ تا ۳) و به او آموخت که تنها راه دست‌یابی به مسیر استوار، درخواست از پروردگار است (حمد، نزول ۵، آیه ۶) در ادامه با تبیین حوادث هول‌انگیز قیامت، بار دیگر او را نسبت به سرنوشت خویش در قیامت، به هراس انداخت، (تکویر، نزول ۷، آیه ۱ تا ۱۴) در نتیجه همه مخاطبان به جز شقی‌ترین آن‌ها، در برابر پروردگار خویش ترسی همراه با درک ابهت پیدا کرده و نسبت به تذکرات فرستاده‌اش، واکنش مثبت نشان خواهند داد.

آموزه زندگی

بررسی کنید: آیا روحیه خشیت در میان خواهران طلبه در حد مطلوب وجود دارد؟ برای تقویت آن، پیشنهادهای عملی مطرح کنید.



قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «اعلیٰ» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- مصوّت‌های « ڪَ » و « ڪَا » چگونه ادا می‌شوند؟

همان‌گونه که در قرائت الگوشنیدیم، فتحه « ڪَ » همانند گویش فارسی و به صورت کوتاه (معادل یک ضرب) ادا می‌شود.^۱ اما الف مدی « ڪَا »^۲، در بیشتر موارد متفاوت با گویش فارسی و به صورت فتحه‌ای که دو برابر کشیده شده (معادل دو ضرب) ادا می‌شود. مانند:

جَهَدَ - جَاهَدَ	فَعَلَ - فَعَلَا
------------------	------------------

بنابراین در قرائت قرآن، فتحه و الف مدی از نظر کیفیت ادا مشابه یک‌دیگر هستند و تفاوت آن دو فقط در میزان کشش است. به عبارت دیگر الف مدی، همان فتحه کشیده شده است. اما در گویش فارسی، صدای « ا » تلفظی کاملاً متفاوت با « ڪَ » دارد.

۱. حرف دارای فتحه را مفتوح می‌نامند.

۲. الف مدی، الف بی‌علامتی است که پس از حرف مفتوح قرار می‌گیرد. در برخی از شیوه‌های علامت‌گذاری قرآن، فتحه قبل از الف مدی به صورت ایستاده درج شده است. مانند (هَلَا) و در برخی دیگر از شیوه‌ها، فتحه حذف می‌شود. مانند: شَاءَ



مهارت افزایی

۱. حروف الفبا را با رعایت میزان کشش فتحه و الف مدی بخوانید:

کَا	کَ	ضَا	ضَ	دَا	دَ	ءَا	ءَ
لَا	لَ	طَا	طَ	ذَا	ذَ	بَا	بَ
مَا	مَ	ظَا	ظَ	رَا	رَ	تَا	تَ
نَا	نَ	عَا	عَ	زَا	زَ	ثَا	ثَ
وَا	وَ	خَا	خَ	سَا	سَ	جَا	جَ
هَا	هَ	فَا	فَ	شَا	شَ	حَا	حَ
يَا	يَ	قَا	قَ	صَا	صَ	خَا	خَ

۲. کلمات زیر را با دقت در تفاوت بین فتحه و الف مدی قرائت کنید.

وَجَدًا	وَجَدَ	جَهْدًا	جَهْدَ	فَعَلًا	فَعَلَ
جَاوَزًا	جَاوَزَ	جَعَلًا	جَعَلَ	تَابًا	تَابَ

۳. کلمات زیر را با رعایت تلفظ فصیح فتحه و الف مدی بخوانید:

فَسْوَى - فَهْدَى - الْمُرْعَى - أَحْوَى - فَلَا تَسْجَ - وَمَا يَخْفَى - يَخْشَى - وَلَا
يَجِي - تَزَكَّى - فَصَلَّى - الْحَيَوَةَ - مَالَم - كَلَام - رَاهُ - كَانَ - نَاصِيَةَ -
خَاطِئَةً - نَادِيَهُ - الزَّيْبَانِيَةَ

۴. اکنون بار دیگر، سوره «اعلیٰ» را با رعایت تلفظ فصیح فتحه و الف مدی،

همراه با قرائت الگوزمزه و سپس هم خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾

به یقین، رستگار شد کسی که [پاک گردید و] رشد یافت،^۱

و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد.

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾

بلکه (شما) زندگی دنیا را برمی‌گزینید.^۲

بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾

قطعاً، این (مطالب) در کتاب‌های نخستین

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى

(آمده) است؛

﴿١٨﴾

(همان) کتاب‌های ابراهیم و موسی.

صُّحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

درس‌هایی از سوره

۱. برنامه جامع قرآن برای رستگاری چیست؟ (آیات ۱۴ و ۱۵)

رستگاری بزرگ‌ترین دغدغه آدمی است. هر انسانی آرزو دارد از تمام رنج‌ها و تلخی‌ها رها گردد. قرآن که تاکنون تلاش کرده است، مخاطب خود را نسبت به آینده خود دغدغه‌مند سازد و حس رستگاری جویی وی را بیدار کند، در این سوره، برنامه جامع رستگاری را در اختیار وی قرار می‌دهد:

۱. «أَفْلَحَ» به معنی رستگار شد. این کلمه از فلاح به معنی رستن، رهایی است. وقتی کلمه «قد» بر سرفعل ماضی می‌آید، قطعیت فعل را می‌رساند. «تَزَكَّى» برای پاک کردن خود تلاش کرد. از ریشه زکو به معنی پاک کردن است و باب تَفْعَلُ تکلف و سختی و تلاش را می‌رساند.

۲. «تُؤْتِرُونَ» از مصدر «إِثَارَ» است. «إِثَارَ» به معنای برگزیدن، انتخاب کردن و ترجیح دادن است. که برگزینش مثبت و منفی، هر دو، اطلاق می‌شود.

یک. تزکیه نفس. «تزکیه» به معنای تطهیر از چیزهایی است که مانع حرکت انسان در مسیر رشد می‌شود: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى)

دو. یادکردن ویژگی‌های آفریدگاری پروردگار: (وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ)

سه. برپایی نماز، که ابراز میثاق بندگی و اطاعت پروردگار است: (فَصَلِّ)

۲. چرا با وجود این که همه طالب رستگاری هستیم، اما همگی راه رستگاری

را پی نمی‌گیریم؟ (آیات ۱۶ و ۱۷)

قرآن پاسخ می‌دهد: علت آن است که شما زندگی پست دنیوی را برمی‌گزینید. انتخاب دنیا و فراموشی آخرت، باعث شده شما از تلاش برای رستگاری خویش غافل بمانید.

قرآن برای رفع این مانع، دنیا را با آخرت مقایسه کرده و یادآوری می‌شود که زندگی اخروی هم از نظر کیفی برتر (بدون هرگونه رنج و خوف) است و هم از نظر کمی بهتر (مانندگاتر و پایدارتر) است.

بیشتر بدانیم

آیا قرآن نسبت به دنیا نگاه منفی دارد؟

در بسیاری از آیات و روایات (مانند آیه ۱۶ همین سوره)، شاهد موضع منفی نسبت به دنیا هستیم. اما باید توجه داشت که هدف اسلام مدیریت غرائز دنیوی است نه نابودی آن‌ها. اسلام خواهان ترک دنیا نیست، بلکه مخالف بسنده کردن تلاش و همت انسان به آن است. دنیا از نگاه اسلام وبه تعبیر مولای متقیان علی علیه السلام محل تجارت (مَتَجَر) اولیای خدا است.^۱ جهان فرصت شکوفاشدن ظرفیت‌های انسان است.

۱. «إِنَّ الدُّنْيَا..... وَ مَتَجَرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

آموزه‌های زندگی

۱. با توجه به تأثیر منفی دنیاطلبی در رستگاری انسان، راه کارهای کم کردن دنیاطلبی را در میان طلبه‌ها پیشنهاد دهید.
۲. آیا همواره گرایش به زینت و تجمل‌گرایی در زنان، مصداق دنیا طلبی بوده و مانع رشد و تعالی آن‌هاست؟

﴿سوره لیل﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ① وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ② وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ③

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ④ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَانْفَى ⑤ وَصَدَقَ بِالْحَسَنَى ⑥

فَسْتَيْسِرُهَا لِلْيُسْرَى ⑦ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ⑧ وَكَذَبَ بِالْحَسَنَى

⑨ فَسْتَيْسِرُهَا لِلْعُسْرَى ⑩ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ⑪ إِنَّ عَلَيْنَا

لِلْهُدَى ⑫ وَإِن لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ⑬ فَأَنْذَرْتَكُمْ نَارًا تَلْظَنُ ⑭

لَا يَصْلَحُهَا إِلَّا الْأَشْقَى ⑮ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ⑯ وَسَيُجَنَّبُهَا

الْأَتَقَى ⑰ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَرَكَّى ⑱ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ

نِعْمَةٍ مُّجْرَى ⑲ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ⑳ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ㉑



قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره «لیل» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- نماد «^۱» در «یَعَشَى» نشانه چیست و چگونه ادا می‌شود؟

این نماد، نشانه الف مدی است که در بسیاری از کلمات قرآن، به جای نماد «ا» علامت‌گذاری شده و در تلفظ هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

باید توجه داشت در دو مورد با وجود خوانده شدن الف مدی، نماد «^۱»

حذف می‌شود:

۱. لام لفظ جلاله:

اللَّهُ = اللَّهُ

۲. پایان برخی کلمات.^۱ مانند:

عَلَى الْخُرُطُومِ	يَصَلَّى النَّارَ	الْأَشَقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي
--------------------	-------------------	-------------------------

۱. در این گونه کلمات، الف مدی هنگام وصل به کلمه بعدی خوانده نمی‌شود، بنابراین نماد «^۱» حذف می‌شود.

در درس های آینده با توضیح بیشتر این مورد آشنا خواهیم شد.



مهارت افزایی

سوره «لیل» را با رعایت تلفظ فصیح فتحه و الف مدی و تلفظ فصیح حروف عربی، همراه با قرائت الگوزمزمه و سپس همخوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۲۱ آیه	ردیف: ۹ بعد از اعلی قبل از مزمل	ردیف: ۹۲ بعد از شمس قبل از ضحی جزء ۳۰، صفحه ۵۹۵	ندارد	مکی	بکار رفتن این کلمات در آیه اول	لیل واللیل

۲. غرض سوره

بیان عواملی که استعداد های انسان را در جهت مثبت یا منفی به فعلیت می‌رساند و او را به سمت آسانی و یا سختی سوق می‌دهد. مخاطب با شناخت این عوامل به رفتارهایی روی می‌آورد که راه رسیدن به آسایش و بهشت را هموار می‌سازد.

۳. گزارش محتوای سوره

غرض سوره در دو بخش حاصل می‌شود:

بخش اول. آیات ۱-۱۳: عوامل پیش‌برنده به سوی رستگاری و شقاوت این بخش با سوگند به چند پدیده گوناگون آغاز می‌شود و عوامل جلب توفیق الهی و پیش‌برنده انسان به سوی رستگاری و در مقابل، عوامل خذلان و حرکت به سوی بدبختی را معرفی می‌کند.

بخش دوم. آیات ۱۴-۱۹: مصداق شقاوت و رستگاری

در این بخش یکی از مصداق حقیقت یاد شده در بخش اول را بیان می‌دارد و



ضمن برعهده گرفتن هدایت بشر، به انداز و هشدار وی درباره وقایع رستاخیز می‌پردازد و به دنبال آن با تقواترین انسان‌ها کسانی می‌داند که برای تزکیه خود، به انفاق مالی می‌پردازند.

۴. ارتباط سوره

قرآن در امتداد حرکت اصلاحی در سوره اعلی راه نجات را تزکیه و یاد پروردگار معرفی نموده و دنیا خواهی را مانع نجات دانست. با توجه به جاذبه دنیا، پیمودن راه رستگاری انگیزه‌ای بسیار قوی می‌خواهد که تنها در سایه عنایات الهی حاصل می‌شود.

خدای حکیم در سوره لیل، عواطف سالم انسانی را که در تقوای از خدا، انفاق به نیازمندان و تأیید خوبی‌ها تجلی می‌کند، پرورش می‌دهد تا باعث جلب توفیقات و عنایات الهی گشته و انگیزه لازم را در شخص ایجاد نماید.

مباحثی از علوم قرآن

۱. سبب نزول چیست؟

مرحوم طبرسی هنگام تفسیر سوره لیل داستانی را از ابن عباس نقل کرده‌است: «مردی در میان مسلمانان بود که شاخه یکی از درختان خرما می‌او بالای خانه مرد فقیر عیالمندی قرار گرفته بود. هنگامی که صاحب نخل بالای درخت می‌رفت تا خرماها را بچیند، گاهی چند دانه خرما در خانه مرد فقیر می‌افتاد و کودکش آن را برمی‌داشتند، ولی آن مرد از نخل فرود می‌آمد و خرما را از دستشان می‌گرفت، (و آن قدر بخیل و سنگدل بود که) اگر خرما را در دهان یکی از آن‌ها می‌دید، انگشتش را داخل دهان او می‌کرد تا خرما را بیرون آورد!

باشکایت مرد فقیر به پیامبر ﷺ، حضرت صاحب نخل را ملاقات کرد و فرمود: این درخت را به من می‌دهی تا در مقابل آن نخلی در بهشت از آن تو باشد؟ مرد گفت: من درختان نخل بسیاری دارم، و خرما می‌هیچ کدام به خوبی این درخت نیست (و حاضر به چنین معامله‌ای نیستم).



کسی از یاران پیامبر ﷺ این سخن را شنید، عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! اگر من بروم و این درخت را از این مرد بخرم و واگذارم، شما همان چیزی را که به او می‌دادید به من عطا خواهید کرد؟ فرمود: آری.

آن مرد رفت و صاحب نخل را دید و گفت: آیا نخل را به من می‌فروشی؟ گفت: نمی‌فروشم مگر آن که مبلغی را که گمان نمی‌کنم کسی بدهد، به من بدهی. گفت: چه مبلغ؟ گفت: چهل نخل. خریدار تعجب کرد و گفت: عجب بهای سنگینی برای نخلی که کج شده مطالبه می‌کنی؛ چهل نخل! سپس بعد از کمی سکوت گفت: بسیار خوب، چهل نخل به تو می‌دهم. سپس خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! نخل به ملک من در آمد و تقدیم (محضر مبارکتان) می‌کنم. رسول خدا ﷺ به سراغ خانواده فقیر رفت و به صاحب خانه گفت: این نخل از آن تو و فرزندان تو است. این جا بود که سوره و اللیل نازل شد (و گفتنی‌ها را دربارهٔ بخیلان و سخاوتمندان گفت).

به این داستان و امثال آن^۱ سبب نزول اطلاق می‌شود. سبب نزول، سوال یا واقعه‌ای است که بافاصله کمی بعد از آن، آیه یا آیاتی نازل شده و مطالبی را در مورد آن سوال یا واقعه بیان می‌دارد.

۲. آیا همه سبب‌های نزول ذکر شده صحیح‌اند؟

به گفته دانشمندان قرآنی، بیشتر روایات سبب نزول قابل اعتماد نیستند. زیرا: یک. سند ضعیفی دارند و معمولاً در منابع شیعی نیامده است.

دو. ناقل سبب نزول، خود شاهد ماجرا نبوده بلکه از روی حدس و گمان برخی وقایع را سبب نزول برخی آیات معرفی کرده است. به گفته علامه طباطبایی، بسیاری از اسباب نزولی که در تفاسیر ذکر شده است، در حقیقت سبب نزول نیست، یعنی آیات بعد از آن واقعه نازل نشده است، بلکه تطبیق سوره بر آن واقعه

۱. همانند سبب نزول سوره مزمل و مسد که در درس‌های ۱۵ و ۲۷ گذشت.



است که برخی گمان کرده‌اند سبب نزول است.^۱

توضیح آن که با دقت به خصوصیات داستان ذکر شده درمی‌یابیم این ماجرا با فضای نزول سوره لیل که در اوایل نزول قرآن می‌باشد، سازگار نیست، بلکه بیشتر به فضای مدینه و تشکیل حکومت اسلامی سازگاری دارد.

بنابراین، بر فرض صحت روایت، باید گفت: این ماجرا سالها بعد از نزول سوره اتفاق افتاده است و پیامبر ﷺ یا یکی از مسلمانان، به علت تناسب میان ماجرا و محتوای سوره لیل، این سوره را پس از آگاهی از ماجرا قرائت کرده است. و بعدها گمان شده است که واقعا این سوره پس از آن ماجرا نازل شده است. به عبارت دیگر، باید گفت: این قصه از تطبیقات سوره بر ماجراست نه آن که ماجرا، سبب نزول سوره باشد.

۱. رک: المیزان، ج ۴، ص ۷۴ و قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۵۳، ص ۱۷۳.



قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «لیل» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- آیا کیفیت تلفظ فتحه یا الف مدی در تمامی حروف یکسان است؟

با دقت در قرائت الگودرمی یا بیم صدای فتحه و هم چنین الف مدی در حروف «ص، ض، ط، ظ، غ، ق، خ، ر» با حروف دیگر متفاوت است. در این هشت حرف، صدای فتحه و نیز الف مدی درشت و پرحجم (شبه صدای «آ» در فارسی) ادا می‌شود. مانند:

ق	خَلَقَ	وَأَنْفَقَ
ر	الذِّكْرَ	لِلْيَسْرِى
ص	وَصَدَقَ	صَلِّىْنَ

مهارت افزایی

۱. فتحه و الف مدی را با دقت در تفاوت بین حروف هشت‌گانه و بقیه حروف

بخوانید.

ک	کَ	ض	ضَ	د	دَ	ء	ءَ
لا	لَا	ط	طَ	ذ	ذَ	ب	بَ
ما	مَا	ظ	ظَ	ر	رَ	ت	تَ
نا	نَا	ح	حَ	ز	زَ	ث	ثَ
وا	وَا	خ	خَ	س	سَ	ج	جَ
ها	هَا	ف	فَ	ش	شَ	ح	حَ
یا	يَا	ق	قَ	ص	صَ	ح	حَ

۲. در سوره‌های «لیل» و «اعلی»، کلماتی که فتحه و الف مدی آن‌ها درشت

ادا می‌شود را بنویسید و با تلفظ صحیح بخوانید:

..... اَعْطَى

.....

.....

.....

۳. سوره «لیل» را با دقت در تلفظ فصیح فتحه و الف مدی همراه با قرائت

الگوزمزه و سپس هم‌خوانی کنید.



در محضر آیات سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۱

سوگند به شب، هنگامی که فرا گیرد!

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۲

سوگند به روز، هنگامی که آشکار شود!

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۳

سوگند به آن (خدایی) که نر و ماده را
آفرید!

إِنْ سَعَيْكُمْ لَشِقَىٰ ۴

که قطعاً، تلاش شما گوناگون است!^۱

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَانْفَىٰ ۵

و اما کسی که عطا کند و خود نگه داری (و
پارسایی) نماید،

وَصَدَقَ بِالْحَسَنَىٰ ۶

(و وعده‌ی) نیکوی (پاداش رستاخیز) را
تصدیق کند،

فَسَنِيْرَهُ لِّلْیَسْرِیٰ ۷

پس به زودی او را برای آسانی آماده
می‌کنیم^۲

وَأَمَّا مَنْ يَبْخُلُ وَاسْتَفْنَىٰ ۸

و اما کسی که بخل ورزد و توانگری نماید،

وَكَذَّبَ بِالْحَسَنَىٰ ۹

(و وعده‌ی) نیک (پاداش رستاخیز) را
تکذیب،

فَسَنِيْرَهُ لِّلْعَسْرِیٰ ۱۰

پس به زودی او را برای دشواری آماده می‌کنیم

۱. «شَتَّىٰ» از «شتیت» به معنی پراکنده شدن، متفرق و گوناگون است. مراد این است که کوشش انسان‌ها به سرانجام یکسانی ختم نخواهد شد.

۲. قرآن از تلاش برای فعال شدن استعداد های انسانی و نتایج عمل به دین و حتی راهی که منجر به آن نتایج می‌گردد، با واژه «یسری» یاد می‌کند.



و هنگامی که هلاک شود، ثروتش
(عذاب را) از او دفع نمی‌کند

وَمَا يَنْفَعِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾

قطعاً، راه‌نمایی فقط بر [عهده‌ی]
ماست؛

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾

و مسلماً، (سرای) آخرت و (سرای)
نخستین فقط برای ماست.

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾

درس‌هایی از سوره

۱. عوامل پیش‌برنده به سوی آسایش و سعادت چیست؟ (آیات ۵ تا ۷)
بنابر مضمون آیات این سوره کسانی که به فرجام نیکو و رستگاری می‌رسند،
این‌گونه تلاش می‌کنند:

یک. بخشش: داشته‌های خود را اعم از ثروت، اعتبار، و جاهت، دانش و ...
برای آسان کردن زندگی دیگران مصرف می‌کنند. (أَعْطَىٰ)

دو. تقوا: در همه عرصه‌های زندگی، مطابق وظیفه و قانون رفتار می‌کنند.
(وَأَنْفَىٰ)

سه. تصدیق نیکی‌ها: با هرگونه نیکی که مواجه شوند، اعم از پندار و گفتار و
کردار و خصلت، آن را پذیرفته و تأیید می‌کنند. (وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ)

۲. عوامل پیش‌برنده به سوی گرفتاری و بدفرجامی کدام است؟ (آیات ۸ تا ۱۱)
در مقابل خوش‌فرجامان، کسانی که به فرجام بد و شقاوت می‌رسند، این‌گونه
رفتار می‌کنند:

یک. بُخل: روحیه تنگ‌نظری داشته و حتی در صورت دارا بودن نیز بخشش
نمی‌کنند. (بُخِلَ)



دو. احساس بی‌نیازی: خود را بی‌نیاز از انجام رفتارهای نیکی چون انفاق دانسته و دلیلی بر رفتار قاعده‌مند و تقوامدار نمی‌بینند. (وَاسْتَغْفِرُ)

سه. تکذیب نیکی‌ها: نمی‌خواهند از محیط نامطلوب و بد خویش خارج شوند؛ در نتیجه، هرگونه نیکی را رد کرده و آن را غیر واقعی می‌شمرند. (وَكُذِّبَ

بِالْحُسْنَىٰ)

آموزه‌های زندگی

۱. با توجه به این که بسیاری از خانم‌ها به دلیل اشتغال به امر خطیر مدیریت خانواده، درآمد مستقل و کافی برای بخشش ندارند، چگونه می‌توانند صفت بخشش را در خود پروراند؟

۲. نیکی‌هایی را نام ببرید که در زندگی روزمره ما به فراوانی وجود دارد، اما بی‌تفاوت از کنار آن‌ها می‌گذریم. چگونه می‌توان آن‌ها را یادکرد و به تصدیق آنها پرداخت؟



قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «لیل» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- آیا صدای فتحه در بخش‌های مختلف کلمه با هم تفاوتی دارد؟

یکی از اشتباهات رایج در قرائت عموم مردم، کشش صدای فتحه، به خصوص در آخر کلمات است. با دقت در قرائت الگو، در می‌یابیم که هیچ تفاوتی بین صدای فتحه در ابتدا، وسط و آخر کلمه وجود ندارد. مانند:

إِنَّ سَعْيَكُمْ وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى بِخِلٍّ وَأَسْتَعْفَى

در صورت کشش، صدای فتحه تبدیل به الف مدی شده و ساختار کلمه

تغییر می‌کند. مانند:

إِنَّ (قطعا)	←	إِنَّا (قطعا ما)
صَدَّقَ (تأیید کرد)	←	صَدَّقَا (تأیید کردند)
بَخِلَ (بخش و ورزید)	←	بَخَلَا (بخش و ورزیدند)

نکته: در مواردی که کلمه بعدی با ساکن یا تشدید شروع می‌شود، معمولا این اشکال پیش نمی‌آید. این‌گونه موارد الگوی مناسبی برای تلفظ صحیح فتحه در آخر کلمات است. مانند:

خَلَقَ الذَّكْرَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ



مهارت افزایی

۱. مثال‌های زیر را بخوانید و به تلفظ فتحه در ابتدا، وسط و آخر کلمه توجه

کنید:

إِنَّ عَلَيْنَا	وَكَذَّبَ	بِخَلٍ وَأَسْتَعْنَى	وَصَدَقَ	إِنَّ سَعْيَكُمْ
	بِالْحُسْنَى		بِالْحُسْنَى	
وَلَسَوْفَ يَرْضَى	ابْتِغَاءَ وَجْهِ	كَذَّبَ وَتَوَلَّى	لِلْآخِرَةِ	وَإِنَّ لَنَا
			وَالْأُولَى	
إِنَّ إِلَى	الْإِنْسَانِ	عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا	عَلَّمَ بِالْقَلَمِ	الْإِنْسَانَ مِنْ
	لِيَطَّعَنِ			
بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى	كَذَّبَ وَتَوَلَّى	أَمَرَ بِالْقَوَى	كَانَ عَلَى	أَرْءَيْتَ إِنْ

۲. اکنون بار دیگر، سوره «لیل» را با دقت در فتحه آخر کلمات، همراه با قرائت

الگوزمزه و سپس هم خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

پس شما را به آتشی که شعله ورمی شود
هشدار می‌دهم!

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾

که جز بدبخت‌ترین (افراد) وارد آن
نمی‌شود (و نمی‌سوزد)؛

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾

(همان) کسی که تکذیب کرد و روی
بیرتافت؛

الَّذِي كَذَبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾

و به زودی خودنگه‌دارترین (مردم) از آن
دورنگه داشته می‌شود؛

وَسَيَجْزِيهَا الْآتِقَى ﴿١٧﴾

(همان) کسی که ثروتش را می‌دهد تا
[پاک شود] و رشد یابد.

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾

و برای هیچ‌کس نزد او نعمتی نیست که
پاداش داده شود،

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾

جز آن‌که به خاطر طلب (رضایت) ذات
پروردگارش که والاتراست (انجام

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾

می‌دهد)؛

وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

و حتماً در آینده خشنود می‌شود.

درس‌هایی از سوره

۱. «اشقی» و «اتقی» به چه معناست؟ چرا انسانها به این دو جایگاه می‌رسند؟
خدای متعال در این آیات مردم را به دو گروه «اشقی» و «اتقی» تقسیم کرده و

۱. «یصلی» وارد می‌شود. از ریشه «صلی» به اقامت دائمی و ملازم بودن اطلاق شده است و به گونه‌ای معنای خلود را می‌رساند.



به تفاوت های رفتاری آنها اشاره می‌کند.

«أَشْقَى» بدبخت‌ترین. یعنی کسی که در حصار حیوانی باقی مانده و از کمالات انسانی باز مانده‌است. در نتیجه رنج‌های بی‌کران را در دنیا و آخرت متوجه خود ساخته‌است. سقوط انسان به این جایگاه، ریشه در دو اقدام دارد:

یک. غیر واقعی شمردن نیکی‌ها؛ (كَذَّبَ)

دو. روی گردانی از نیکی‌ها. (وَتَوَلَّى)

«أَتَقَى» پرهیزگارترین. صفت تقوا نتیجه وظیفه‌مداری و پرهیز از رفتارهای خارج از چارچوب و قانون الهی است. تقوا مراتبی دارد؛ «اتقی» به مرتبه کمال آن اشاره دارد. رسیدن به این جایگاه، ریشه در دو اقدام دارد:

یک. بخشش اموال برای پاک شدن نفس؛ (يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى)

دو. خلوص نیت در کسب توجه و رضایت پروردگار. (ابْنَاءَ وَجْهِهِ الْأَعْلَى)

۲. بارزترین مصداق «اشقی» کیست؟

در برخی از روایات اسلامی تکذیب ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و رویگردانی از ولایت او، یکی از مصداق آیه ۱۶ شمرده شده‌است. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام با اشاره به آیه مذکور فرموده‌اند: شقی‌ترین فرد، کسی است که [بیانات] پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در مورد علی علیه السلام تکذیب کرده و از ولایت وی روی گرداند.^۱ باید دانست آنچه در این روایات بیان شده، یگانه مصداق آیه نیست، بلکه آیه قابلیت انطباق بر مصداق متعددی را دارد. آنچه در این روایات بیان شده، بزرگ‌ترین و بارزترین مصداق آیه است.



آموزه‌های زندگی

۱. در کارهای نیک، از جمله بخشش، چگونه می‌توان شرایط را برای خلوص نیت مهیا نمود؟ راهکارهای عملی پیشنهاد دهید. (مثل انفاق مخفیانه و ...)
۲. گفتگو کنید: به نظر شما چه عواملی موجب می‌شود برخی افراد، بعد از شناخت حق، آن را تکذیب کرده و روی گردانی کنند؟

﴿سوره فجر﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۝١
وَلِيَالٍ عَشْرٍ ۝٢
وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝٣
وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ ۝٤
هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ۝٥
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝٦
إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝٧
الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝٨
وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝٩
وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝١٠
الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ۝١١
فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝١٢
فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝١٣
إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ ۝١٤
فَأَمَّا
الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ، وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ
۝١٥
وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ۝١٦
كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ۝١٧
وَلَا تَحْضُونِ عَلَى طَعَامِهِ
الْمَسْكِينِ ۝١٨
وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝١٩
وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝٢٠
كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا
دَكًّا ۝٢١
وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝٢٢
وَجِئَاءَ يَوْمَيْهِمْ
بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَنْذَكُرُ الْإِنْسَانَ وَاتَىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ۝٢٣



يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا ﴿٢٥﴾

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ يَتَأَيَّنُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجِعْ

إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخِلْ فِي عَبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخِلْ جَنَّتِي ﴿٣٠﴾



قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «فجر» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- در کلمات «سَوَطٌ» و «كَيْفٌ» فتحه قبل از واو و یاء ساکن

چگونه تلفظ می‌شود؟

یکی از اشتباهات رایج در قرائت، تبدیل فتحه قبل از واو ساکن به ضمه و فتحه قبل از یاء ساکن به کسره است. مثلاً «سَوَطٌ» را «سُوطٌ» و «كَيْفٌ» را «كَيْفٌ» می‌خوانند.

با توجه به قرائت الگودرمی یابیم در لهجه فصیح عربی، هیچ تفاوتی بین ادای فتحه قبل از واو و یاء ساکن^۱ با بقیه موارد نیست و نباید فتحه تحت تأثیر واو و یاء تغییر کند. مانند:

الْأَوْنَادِ

وَفِرْعَوْنَ

كَيْفٌ

وَأَيْلٌ

مهارت افزایی

۱. در سوره «قلم» کلمات دارای فتحه قبل از واو و یاء ساکن را با رعایت تلفظ صحیح فتحه بخوانید:

۱. به واو ساکن ما قبل مفتوح (ـَ و) و یاء ساکن ما قبل مفتوح (ـِ و) حروف لین گفته می‌شود.

عَرَّ - لِلْخَيْرِ - بَلَوْنَهُمْ - بَلَوْنَا - فَنَادَوْا - الْيَوْمَ - وَعَدُوا - رَأَوْهَا - أَوْسَطَهُمْ
لَوْلَا - يُوَلِّئْنَا - خَيْرًا - لَوْ - كَيْفَ - أَيْمَنُ - يَوْمٍ - وَيَدْعُونَ - حَيْثُ
كَيْدِي - الْغَيْبُ

۲. سوره «فجر» را با رعایت تمامی نکات گفته شده در تلفظ صحیح فتحه و تلفظ فصیح حروف عربی، همراه با قرائت الگوزمزمه و سپس همخوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام های سوره
۳۰ آیه	ردیف: ۱۰ بعد از لیل قبل از ضحی	ردیف: ۸۹ بعد از غاشیه قبل از بلد جزء ۳۰، صفحه ۵۹۳	ندارد	مکی	بکار رفتن در آیه اول سوره	الفجر

۲. غرض سوره

اطمینان بخشی بیشتر به پیامبر ﷺ مبنی بر تنبیه سرکشانی که با استفاده از قدرت و ثروت در جامعه به فسادگری می پردازند و در طرف مقابل تشویق کسانی که به مقام اطمینان نفس رسیده اند.

۳. گزارش محتوای سوره

این غرض با این سه بخش حاصل می شود:

بخش اول. آیات ۱-۱۴: نقش پروردگار در تنبیه سرکشان

این بخش با سوگند آغاز شده و از صاحبان قدرت و ثروتی یاد می کند که به دلیل گسترش طغیان و فسادشان نابود شدند، تا پیامبر ﷺ را به نقش پروردگار در تنبیه طغیان گران و سرکشان اطمینان دهد.



بخش دوم. آیات ۱۵ - ۲۰: نقش پروردگار در تنبیه دنیوی ثروت مندان

در این بخش به نقش پروردگار در تنبیه دنیوی برخی ثروت مندان اشاره کرده و آن را بازتاب رفتار اقتصادی نامناسب خودشان می‌شمارد.

بخش سوم. آیات ۲۱ - ۳۰: نقش پروردگار در پاداش و مجازات اخروی انسان‌ها
در این بخش ابتدا، برخی تحولات جهان آخرت را متذکر شده، آن‌گاه دو نوع برخورد پروردگار را با اشخاص منحرف و مفسد، و اشخاص مطمئن به فضل پروردگار، بیان می‌دارد.

۴. ارتباط سوره

سوره فجر تداوم تبیین نقش پروردگار در حیات بشر است. خدای متعال در سوره لیل نقش پروردگاری خویش را در شیب دادن شخصیت انسان به سمت آسانی‌ها و سختی‌ها بیان کرد. در این سوره به تبیین مصادیقی عینی از نقش خود در سختی و آسانی زندگی بشر در دنیا و آخرت پرداخت.



قرائت سوره

- پس از استماع دقیق سوره مبارکه «فجر» به سؤال زیر پاسخ دهید:
- بخش پایانی کلمه « أَكَلًا » چگونه خوانده می‌شود؟

همان‌گونه که در قرائت الگوشنیدیم، بخش پایانی این کلمه، «لَن» خوانده می‌شود.

در آخر برخی کلمات قرآن، پس از صدای فتحه، «ن» ساکنی خوانده می‌شود که در علامت‌گذاری به صورت تکرار فتحه (ـَـ) نوشته شده است. این علامت را تنوین فتحه می‌نامند.

تنوین فتحه: مَاءَنَ ← مَاءَ (نَ ← ـَ)

معمولاً پس از تنوین فتحه الف ناخوانا (ـَـ) می‌آید. مانند: لَأَجْرًا در برخی موارد برای اشاره به قواعد تجویدی، تنوین فتحه به شکل (ـَـ) نوشته می‌شود. مانند:

أَكَلًا جَاءَ

تذکر: تنوین فتحه در حروف هشت گانه همانند فتحه، به صورت درشت و پرحجم شبیه «آن» فارسی تلفظ می‌شود.



مهارت افزایی

۱. در سوره «مزمّل» کلمات دارای تنوین فتحه را نوشته و با رعایت تلفظ صحیح آن‌ها را بخوانید:

قِيلَا

۲. سوره «فجر» را با رعایت تلفظ صحیح تنوین فتحه، همراه با قرائت الگو مزمزه و سپس همخوانی کنید.

در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوگند به سپیده دم!^۱

وَالْفَجْرِ ۱

سوگند به شب‌های دهگانه!^۲

وَلَيْالٍ عَشْرِ ۲

سوگند به زوج و فرد!^۳

وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ ۳

سوگند به شب، هنگامی که سپری می‌شود

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ ۴

۱. «الفجر» شکافتن، به صبح هم فجر می‌گویند، چون شب را می‌شکافد.

۲. بنا بر احتمال قوی «وَلَيْالٍ عَشْرِ»، قسم به ده شب بسیار ارزشمند برای عبادت، یعنی ده شب اول ذی‌الحجه است.

۳. «شفع»، اشاره به دو چیز است که یکدیگر را یاری می‌کنند و می‌تواند اشاره به سعی صفا و مروه باشد که در کنار یکدیگر قرار دارند. «وتر»، فرد یگانه‌ای است که بسیار ارزشمند است و می‌تواند اشاره به کعبه داشته باشد.



آیا در این (موارد) سوگندی برای خردمند
نیست؟!

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ﴿٥﴾

آیا ندیده‌ای که پروردگارت با (قوم)
«عاد» چه کرد؟!

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾

(همان مردم شهر) ارم ستون دار،

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾

که همانند آن در شهرها آفریده نشده
بود!

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ ﴿٨﴾

و (قوم) ثمود که صخره‌ها را در سرزمین
(خود) می‌بریدند؛

و ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾

و فرعونی که صاحب لشکرها بود؛

و فرعونَ ذِي الْأَوْنَادِ ﴿١٠﴾

(همان) کسانی که در شهرها طغیان
کردند،

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ ﴿١١﴾

و در آن جا فساد را افزودند؛

فَاكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾

و پروردگارت تازیانه‌ی عذاب را بر آنان
فرو ریخت!

فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾

قطعاً، پروردگارت در کمینگاه است.

إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

درسی از سوره

چرا در این سوره به مجازات اقوام عاد و ثمود و فرعون اشاره می‌شود؟

در سال‌های آغازین رسالت، بیشتر پیروان پیامبر ﷺ را طبقات محروم و مستضعف جامعه تشکیل می‌دادند و در مقابل بسیاری از مخالفان حضرت، صاحب قدرت و ثروت و نفوذ بودند. بنابراین پیامبر ﷺ و یارانش، مورد حمله شدید و همه جانبه مخالفان قرار می‌گرفتند. لذا خداوند برای آرامش خاطر و اطمینان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من در کمین دشمنان تو هستم تا در فرصت



مناسب با آن‌ها برخورد نمایم. همان‌گونه که در طول تاریخ، اقوام قوی‌تر از این‌ها را پس از اوج گیری قدرتشان درهم کوبیدم.» از این‌رو سرگذشت سه قوم فسادگرا یادآور می‌شود:

- یک. قوم عاد؛ که از لحاظ جسمی و ساختمان‌های بلند، زبان زد بودند.
- دو. قوم ثمود؛ که توانایی شکافتن و کندن صخره‌ها را داشتند.
- سه. فرعونیان؛ که با توجه به لشکریان فراوان، حکومت مقتدری فراهم کرده بودند.

بیشتر بدانیم

آیه شریفه: «**إِنَّ رَبَّكَ لِيَا لِمَرْصَادٍ**» چه پیامی برای مؤمنان دارد؟

آیه فوق‌گرفته خطاب به پیامبر مکرم ﷺ است، اما برای همه پیروان حضرت در سراسر تاریخ، اطمینان‌بخش و آرامش‌دهنده است. امروزه وقتی می‌بینیم آتش فتنه ستم‌گران و سرکشان، سراسر عالم را فراگرفته و تلاش می‌کنند، حرکت‌های حق‌طلب را کم‌فروغ کنند؛ باید امیدوار بود روزی در کمین‌پروردگار گرفتار شده و به سزای اعمال خویش می‌رسند. زیرا فرمود:

«**إِنَّ رَبَّكَ لِيَا لِمَرْصَادٍ**؛ قطعاً پروردگار تو در کمین‌گاه است.»

آری، پروردگار عالم، با قدرت بی‌کران خویش هرگز اجازه نخواهد داد جریان حق و حق‌طلب، مغلوب این جریان‌های به ظاهر قدرت‌مند، شود.

آموزه‌های زندگی

۱. آیا وعده الهی، در عذاب دشمنان پیامبر ﷺ محقق شد؟ با مستندات تاریخی به این سوال پاسخ دهید.
۲. وقتی به مردم می‌گوییم: «سردمداران استکبار جهانی نیز روزی گرفتار عذاب الهی خواهند شد»، برخی با انکار و تردید برخورد می‌کنند. چگونه می‌توان ایشان را به این باور رساند؟

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «فجر» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- مصوت‌های « َ » و « ِ » چگونه ادا می‌شوند؟

همان‌گونه که در قرائت الگو شنیدیم، صدای کسره « َ »، با تلفظ فارسی آن متفاوت است. صدای کسره در قرآن مشابه صدای « ای » در فارسی ولی به صورت کوتاه (معادل یک ضرب) ادا می‌شود.^۱ اما یاء مدی « ِ »، به صورت کسره‌ای که دو برابر کشیده شده (معادل دو ضرب) و همانند گویش فارسی ادا می‌شود. مانند:

عَذَابٍ - عَذَابِي	بَنَاتٍ - بَنَاتِي
--------------------	--------------------

۱. حرف دارای کسره را مکسور می‌نامند.

۲. یاء مدی، یاء بی‌علامتی است که پس از حرف مکسور قرار می‌گیرد. در برخی از شیوه‌های علامت‌گذاری قرآن، کسره قبل از یاء مدی به صورت ایستاده درج شده است. مانند (الَّذِي) و در برخی دیگر از شیوه‌ها، کسره حذف می‌شود. مانند (الَّذِي)

بنابراین در قرائت قرآن، کسره و یاء مدی از نظر کیفیت ادا مشابه یکدیگر هستند و تفاوت آن دو فقط در میزان کشش است. به عبارت دیگر یاء مدی، همان کسره کشیده شده است. اما در گویش فارسی، صدای « ای » تلفظی کاملاً متفاوت با « اَ » دارد.

نکته: در زبان فارسی، « اَ » در کلماتی مانند: خیال، نیاز، خیابان، بیابان و ... شبیه کسره عربی تلفظ می‌شود. این گونه موارد الگوی مناسبی برای تلفظ فصیح کسره در زبان عربی است.

مهارت افزایی

۱. حروف الفبا را با رعایت میزان کشش کسره و یاء مدی بخوانید:

اِ	اَ	یِ	یَ
بِ	بَ	بِ	بَ
تِ	تَ	تِ	تَ
ثِ	ثَ	ثِ	ثَ
جِ	جَ	جِ	جَ
حِ	حَ	حِ	حَ
خِ	خَ	خِ	خَ
دِ	دَ	دِ	دَ
ذِ	ذَ	ذِ	ذَ
رِ	رَ	رِ	رَ
زِ	زَ	زِ	زَ
سِ	سَ	سِ	سَ
شِ	شَ	شِ	شَ
صِ	صَ	صِ	صَ
ضِ	ضَ	ضِ	ضَ
طِ	طَ	طِ	طَ
ظِ	ظَ	ظِ	ظَ
عِ	عَ	عِ	عَ
غِ	غَ	غِ	غَ
فِ	فَ	فِ	فَ
قِ	قَ	قِ	قَ
کِ	کَ	کِ	کَ
لِ	لَ	لِ	لَ
مِ	مَ	مِ	مَ
نِ	نَ	نِ	نَ
وِ	وَ	وِ	وَ
هِ	هَ	هِ	هَ
یِ	یَ	یِ	یَ



۲. کلمات زیر را با دقت در تفاوت بین کسره و یاء مدی قرائت کنید:

سَبِيلٍ	سَبِيلِي
عَذَابٍ	عَذَابِي
بَنَاتٍ	بَنَاتِي
ءَابَاءٍ	ءَابَائِي

۳. در سوره‌های «فجر» و «قلم» کلمات زیر را با رعایت تلفظ فصیح کسره و

یاء مدی بخوانید:

لِحَيَاتِي - اَرْجِي - عَبْدِي - بِالْمُهْتَدِينَ - الْمَكْذِبِينَ - بِنَمِيمٍ - مُصْبِحِينَ -
 صَرْمِينَ - مَسْكِينٌ - قَدِيرِينَ - ظَلَمِينَ - لِلْمُتَّقِينَ - الْمُسْلِمِينَ - كَالْجُرْمِينَ - فِيهِ -
 صَدِيقِينَ - الْحَدِيثِ - الصَّالِحِينَ - لِلْعَالَمِينَ

۴. اکنون بار دیگر، سوره «فجر» را با رعایت تلفظ فصیح کسره و یاء مدی، همراه با قرائت الگوزمزه و سپس هم خوانی کنید.

در محضر آیات سوره

و اما انسان هنگامی که

پروردگارش او را بیازماید و او را ارج
 نهد و وی را نعمت بخشد، پس
 می‌گوید: «پروردگارم [مرا] ارج

نهاده است!»

و اما هنگامی که او را بیازماید و

روزی‌اش را بر او تنگ سازد، پس
 می‌گوید: «پروردگارم [مرا] خوار

کرده است!»

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ
 فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي
 أَهْنَنِ ﴿١٦﴾



هرگز چنین نیست؛ بلکه یتیم (ها)
را ارجح نمی‌نهیید،

كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

و يك ديگر را بر غذا دادن بينوا
(يان) تشويق نمی‌کنيد،

وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾

و ميراث را كاملاً يك‌جا
می‌خوريد،^۱

وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾

و ثروت را با علاقه‌ای فراوان
دوست داريد.^۲

وَتُحِبُّونَ الْأَمَْالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

درسی از سوره

آیا خدای متعال مسئول سلب نعمت‌ها و بروز سختی‌ها برای انسان است؟

خدای متعال انسان‌ها را گاه با نعمت بخشیدن و گاه با سلب نعمت آزمایش می‌کند. انسان هنگام برخورداری از نعمت‌ها، ادعا می‌کند که مورد اکرام پروردگار قرار گرفته است. اما اگر ورق برگردد و این نعمت‌ها از او گرفته شود، آن‌را اهانت پروردگار به خود تلقی می‌کند.

قرآن، این گونه قضاوت را رد کرده و خود انسان‌ها را مسئول سلب نعمت‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید: وقتی خود شما به کسی رحم نمی‌کنید، نباید از ما انتظار ترحم داشته باشید. شما یتیمان را اکرام نمی‌کنید، در سیرکردن گرسنگان همیاری نمی‌کنید، در مقابل، به سهم دیگران دست‌یازی کرده و دل‌باخته مال دنیا یید.

۱. «لَمًّا» جمع کردن. در اینجا یعنی شخص سهم خود را با سهم وارث دیگر جمع کند. «أَكْلًا لَمًّا» یعنی جمع کردن مال روی مال.

۲. کلمه‌ی «جَمًّا» به معنای چیز زیاد و شدید است و «حُبًّا جَمًّا» به معنای محبت زیاد و شدید است.



بیشتر بدانیم

آیات فوق چه پیامی برای توانمندان در جامعه اسلامی دارد؟

کسانی که از توانایی مالی بهره‌مند هستند و خود را ملتزم به شرع و قرآن می‌دانند، با خواندن آیات فوق، در قبال جامعه، وظایفی را بر دوش خویش احساس می‌کنند. مانند:

- ❖ تشکیل انجمن حمایت از یتیمان و بی‌سرپرستان
- ❖ تشکیل جمعیت اطعام نیازمندان و برنامه ریزی برای زدودن گرسنگی از جامعه
- ❖ به گردش درآوردن اموال خویش در بازار کسب کار و حمایت از افراد مستعدی که نیازمند مساعدت مالی هستند.
- ❖ و ...

به عبارت دیگر، کسانی که به دنبال کسب رضایت الهی هستند نبایستی به واجبات شرعی مالی مانند خمس و زکات اکتفا کنند. بلکه متناسب با وظیفه‌ای که نسبت به جامعه اسلامی دارند، از دارایی‌ها و توانایی‌های خود در رفع نیازهای جامعه بکوشند.

آموزه‌های زندگی

۱. افراد متوسط و ضعیف جامعه چگونه می‌توانند در امور خیر مشارکت نمایند؟
مثالهای عملی ارائه دهید.
۲. به نظر شما برای جلوگیری از زیاد شدن محبت به مال چه باید کرد؟ راه کار عملی ارائه بفرمایید.



قرائت سوره

نکات کاربردی حفظ قرآن (۵)

تاکنون با مراحل حفظ و تثبیت و مرور محفوظات آشنا شدیم. برای ماندگاری و انس بیشتر با آیات حفظ شده، چند نکته تکمیلی و کاربردی پیشنهاد می‌شود:

۱. مباحثه

از مهم‌ترین شیوه‌هایی که می‌توان برای ماندگار کردن محفوظات استفاده کرد، خواندن از حفظ برای شخص دیگر است. این شیوه به دلیل درگیر کردن تمام توان حافظه، بیشترین تأثیر را در تثبیت محفوظات دارد. شخص دیگر ممکن است استاد حفظ، هم‌درس، یا حتی شخصی غیر حافظ باشد که از روی قرآن، صحت قرائت حافظ را کنترل می‌کند.

اما بهترین حالتی که در این شیوه پیشنهاد می‌شود، تحویل دادن به هم‌درس است که به آن مباحثه می‌گوییم. در مباحثه می‌توان حفظ درس جدید، تثبیت محفوظات قبلی و یا مرور سوره‌های قبل را گنجانید و به صحت آن مطمئن شد. برای مباحثه، روش‌های مختلفی وجود دارد که با مراجعه به اساتید حفظ یا کتاب‌های راهنما می‌توان به صورت متنوع از آن‌ها استفاده کرد، مانند: آیه به آیه، صفحه به صفحه، سوره به سوره و ...

۲. نوشتن

برخی از حافظان قرآن، از نوشتن آیات قرآن از حفظ، به عنوان یکی از روش‌های تثبیت یا مرور استفاده و از این راه به تسلط بسیار خوبی بر محفوظات خود رسیده‌اند. البته، باید مراقب بود که احترام آیات نوشته شده حفظ شده و زیر دست و پا نیافتد.



ارزیابی قرائت توسط استاد

سوره‌های «اعلی»، «لیل» و «فجر» را در محضر استاد، قرائت کرده و نکات و تذکرات ایشان را یادداشت و سپس با تمرین‌های تکمیلی برای اصلاح آن‌ها تلاش کنید.

نکات و تذکرات استاد

.....

.....

.....

در محضر آیات سوره

هرگز چنین نیست؛ هنگامی که زمین (با ضربه‌ای،) کاملاً خرد (و هموار) می‌شود، و (فرمان) پروردگارت و فرشتگان صف به صف فرا می‌رسند،

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

و در آن روز جهنم آورده شود؛ در آن روز انسان متذکر می‌شود؛ و [الی] تذکر کجا برای او (سود) دارد؟!

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾

می‌گوید: «ای (مردم) کاش من برای زندگی‌ام (در رستاخیز، چیزی) از پیش فرستاده بودم!»

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾

و در آن روز هیچ کس [همانند] عذاب او عذاب نمی‌کند؛

فِيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

و هیچ کس [همانند] به بند کشیدن او به بند نمی‌کشد

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ﴿٢٧﴾

ای جان آرام یافته!

به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که
 (تو از او) خشنودی [او] مورد رضایت (او)
 هستی؛

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

پس در (سلک) بندگان (ویژه‌ی) من در
 آی،

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

و در بهشت (ویژه) من وارد شو

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

درسی از سوره

۱. «نفس مطمئنه» به چه معناست؟ (آیه ۲۷)

انسان در مسیر تکامل و تعالی ممکن است دچار اضطراب شده و در باورها و رفتارهای خود غیر استوار باشد، اما به تدریج شک‌ها و تردیدها کنار رفته و به حالت ثبات می‌رسد و از اضطراب رها می‌شود. قرآن این مرحله را «نفس مطمئنه» نامیده است.

انسان در جایگاه نفس مطمئنه، با بهره‌مندی از ساختمان فکری جامع و ریشه‌دار، همه‌ی حوادث را به‌نیکی تحلیل کرده و در میان خلجان‌های پیش رو، با کنترل نفس خویش از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود.

در صحنه قیامت نیز در حالی که انسان‌ها، در وحشت و اضطراب‌اند، این فرد با جانی آرام و سرشار از رضایت، به‌سوی پروردگار فراخوانده شده و در جمع بندگان خاص خدا در بهشت جای می‌گیرد.

۲. چه کسانی به مقام نفس مطمئنه رسیده‌اند؟

مطابق روایات، پیامبر اکرم ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام، به‌ویژه امام حسین علیهم‌السلام و امام سجاد علیهم‌السلام و جمعی از اصحاب پاک، چون حمزه سید الشهداء مصادیقی از نفس مطمئنه شمرده شده‌اند.



علاوه بر ایشان، مؤمنان پاک سیرت نیز می‌توانند به این مقام نائل شوند. چنان‌که مطابق برخی روایات، مؤمن هنگام مرگ، چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان را می‌بیند و ندا داده می‌شود: ای نفسی که به محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام مطمئنی، در حالی که راضی به ولایت هستی به سوی پروردگارت بازگرد.^۱

یکی از مصادیق نفس مطمئن در عصر حاضر، امام خمینی رحمته الله علیه بود که پس از عمری مجاهدت خستگی ناپذیر، با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا به سوی جایگاه ابدی خود سفر کرد.

آموزه زندگی

بررسی کنید امام خمینی رحمته الله علیه چگونه به این درجه از اطمینان نفس رسید؟

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۲، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۵۷.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ۳

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «عصر» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- آیا صدای کسره در بخش‌های مختلف کلمه با هم تفاوتی دارد؟

یکی از اشتباهات رایج در قرائت عموم مردم، کشش صدای کسره، به خصوص در آخر کلمات است. با دقت در قرائت الگو، در می‌یابیم که هیچ تفاوتی بین صدای کسره در ابتدا، وسط و آخر کلمه وجود ندارد. مانند:

وَالْعَصْرِ إِنَّ الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا

در صورت کشش، صدای کسره تبدیل به یاء مدی شده و ساختار کلمه تغییر

می‌کند. مانند:

وَالْعَصْرِ	←	وَالْعَصْرِ
الصَّالِحَاتِ	←	الصَّالِحَاتِ



نکته: در مواردی که کلمه بعدی با ساکن یا تشدید شروع می‌شود، معمولاً این اشکال پیش نمی‌آید. این‌گونه موارد الگوی مناسبی برای تلفظ صحیح کسره در آخر کلمات است. مانند:

ذَاتِ الْعِمَادِ نَفَعَتِ الذِّكْرَى

مهارت افزایی

۱. مثال‌های زیر را بخوانید و به تلفظ کسره در ابتدا، وسط و آخر کلمه توجه

کنید:

وَالسَّعْفِ وَالْوَتْرِ - وَاللَّيْلِ إِذَا - عَلَيْهِ رِزْقُهُ - رَبِّكَ رَاضِيَةً - وَاللَّيْلِ إِذَا
وَالنَّهَارِ إِذَا - وَجْهَ رَبِّهِ - صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ - وَالصُّبْحِ إِذَا - ذِي الْعَرْشِ مَكِينِ
۲. اکنون بار دیگر، سوره «عصر» را با دقت در فتحه آخر کلمات، همراه با قرائت الگوزمزه و سپس هم‌خوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

نام‌های سوره	وجه تسمیه	مکی یا مدنی	آیات استثنایی	سوره در مصحف	سوره در نزول	تعداد آیات سوره
العصر والعصر	بکار رفتن این کلمه در آیه اول	مکی	ندارد	ردیف: ۱۰۳ بعد از نکاثر قبل از همزه جزء ۳۰، صفحه ۶۰۱	ردیف: ۱۳ بعد از فجر قبل از عادیات	۳ آیه

۲. غرض سوره

ارائه راه‌کاری جهت جلوگیری از نابودی سرمایه‌های وجودی انسان.

۳. گزارش محتوای سوره

سوره یک بخش دارد که با تأکید بر فرورفتن انسان در خسران راه‌کار رهایی از

خسران را بیان می‌کند:

یک. اطمینان خاطر به غیب

دو. عمل شایسته،

سه. توصیه‌ی دائمی یک‌دیگر به حق

چهار. توصیه‌ی دائمی یک‌دیگر به صبر

۴. ارتباط سوره

در سوره‌های گذشته بیان شد که خواسته ذاتی هر انسان، رهایی از شقاوت و رنج‌هاست (قلم (نزل ۲) آیه ۵۲ و تکویر (نزل ۷) آیات ۲۷ و ۲۸). به این منظور باید استعداد‌های انسانی، شکوفا و به کارگرفته شود. در سوره‌های گذشته، راه‌های شکوفایی استعداد‌های انسانی بیان شد. مانند: تهذیب نفس از راه‌های بخشش، تقوا و تصدیق نیکی‌ها، (لیل (نزل ۹) آیات ۵ تا ۷). در سوره‌ی فجر (نزل ۱۰) از نقش پروردگار در شکوفا سازی استعداد‌های انسان سخن گفت. سپس در سوره‌ی ضحی (نزل ۱۱) پیامبر ﷺ را برانجام اعمال شایسته‌ای چون غلبه نکردن بر ایستام و نراندن درخواست‌کننده و بیان نعمت‌های پروردگار توصیه کرد و در سوره‌ی شرح (نزل ۱۲)، وی را به تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آسانی‌ها، امر فرمود.

اکنون در سوره‌ی عصر (نزل ۱۳) راه‌های جلوگیری از فساد و نابودی این

سرمایه‌های انسانی را متذکر می‌شود.



در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوگند به عصر!

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

قطعاً [هر] انسان در زیانکاری است،^۱

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و

(کارهای) شایسته انجام داده‌اند

و یک‌دیگر را به حق سفارش

کرده و هم‌دیگر را به شکیبایی

سفارش نموده‌اند.^۲

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

درسی از سوره

چه کسانی از خسران نجات یافته‌اند؟

همه انسان‌ها در حال هدر دادن سرمایه انسانی خود هستند، تنها گروهی استثنای می‌گردند که چهار ویژگی داشته باشند:

یک. ایمان: به غیب اطمینان داشته و امنیت برای آن‌ها حاصل شده باشد.

دو. انجام اعمال صالح: تمام کارهایی را که به حقیقت شایسته و نیکوست،^۳ انجام دهند.

۱. «خُسْر» مقابل «رُحْب» به معنی نقص و کم شدن اصل سرمایه است که هم در مورد نفس انسان و هم در مورد عمل او به کار می‌رود.

۲. «تواصوا» از مصدر «تواصی» به معنی سفارش کردن به یکدیگر است. در اصل از «وصی» به معنی عهد در به سرانجام رساندن امری است، و رفتن آن در باب «تفاعل» و ماضی آمدن آن، تداوم و ثبات و ملکه شدن این صفت را در انسان نشان می‌دهد.

۳. برخی اعمال به ظاهر نیک، پیامدهای منفی دارند مانند تأمین بیش از حد نیازهای فرزند که منجر به عدم استقلال شخصیت وی شود. این اعمال را عمل صالح نمی‌گویند.

سه. توصیه یکدیگر به حق: یکایک مؤمنان با توصیه به یکدیگر و هم‌افزایی، اجازه ندهند حق در اجتماعشان ناشناخته یا متروک گردد.

چهار. توصیه یکدیگر به صبر: یکایک مؤمنان با توصیه به یکدیگر و هم‌افزایی، تحمل عمومی اجتماعشان را افزایش داده و مانع تباهی سرمایه‌های جمعی شوند.

بیشتر بدانیم

نگاه تربیتی قرآن، فردی است یا اجتماعی؟

سوره‌ی عصر نمایان می‌سازد که اسلام و فرهنگ قرآن از همان آغاز بر نقش سازنده‌ی جامعه‌ی ایمانی در گسترش حق و ثبات قدم بر آن تأکید کرده است. به عبارت دیگر، شکوفایی استعدادها و رهایی از زیان‌باری، تنها به تربیت و اصلاح افراد نیست، بلکه در کنار آن، به شکل‌گیری و اصلاح جامعه‌ای ایمانی نیز وابسته است.

آموزه‌های زندگی

۱. برای هم‌افزایی رفتار و گفتار حق‌مدار در جامعه اسلامی چه راه‌کارهای عملی پیشنهاد می‌دهید؟ (مانند: تشکیل انجمن حمایت از آمران به معروف، سلسله جلسات بررسی مشکلات رفتاری زنان محل یا ...)

۲. با توجه به نقش ویژه خانم‌ها در خانواده و اهمیت صبوری ایشان در تحمل مشکلات زندگی، گفتگو کنید چگونه می‌توان روحیه هم‌افزایی و توصیه به صبر را در جمع خانم‌ها ترویج کرد؟ (به عنوان نمونه: هنگامی که دوست ما از مشکلات زندگی خود می‌گوید، به جای هم‌راهی و بازکردن ابعاد دیگر مشکل، کسانی را مثال بزنیم که با سلاح صبر بر مشکل خود پیروز شده، به آسایش دست یافتند یا ...)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ﴿١﴾ فَالْمُورِبَاتِ قَدْحًا ﴿٢﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿٣﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمًا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿١١﴾

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره «عادیات» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- نماد « ے » در «بِه» نشانه چیست و چگونه ادا می‌شود؟
- این نماد، نشانه یاء مدی است که در برخی کلمات قرآن^۱ علامت‌گذاری شده و در تلفظ هیچ تفاوتی با «-ی» ندارد.

بار دیگر سوره «عادیات» را با دقت گوش کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید:

- بخش پایانی کلمه «يَوْمَئِذٍ» چگونه خوانده می‌شود؟

۱. این کلمات عبارت‌اند از:

یک. موارد اشباع‌ه‌اء ضمیر مکسور. مانند: لِرَبِّهِ

دو. مواردی که یاء مدی در کتابت مصحف حذف شده است. مانند: مَا آتَيْنَاهُ

إِلَيْهِ

در قرائت الگو شنیدیم، بخش پایانی کلمه « **يَوْمِيذٍ** »، « **ذِن** » خوانده می‌شود. در آخر برخی کلمات قرآن، پس از صدای کسره، « **ن** » ساکنی خوانده می‌شود که در علامت‌گذاری به صورت تکرار کسره (**ـَـ**) نوشته شده است. این علامت را تنوین کسره می‌نامند.

تنوین کسره: **كِرَامِنَ** ← **كِرَامٍ** (**نَ** ← **ـَـ**)

در برخی موارد، برای اشاره به قواعد تجویدی، تنوین کسره به شکل **ـَـ** نوشته می‌شود. مانند: **يَوْمِيذٍ**
تذکره: تنوین کسره در کیفیت ادا، همانند کسره همراه با نون ساکن تلفظ می‌شود.

مهارت افزایی

۱. در سوره‌های «فجر» و «تکویر» کلمات دارای تنوین کسره را نوشته و با رعایت تلفظ صحیح آن‌ها را بخوانید:

وَلِيَالٍ

۲. سوره «عادیات» را با رعایت نکات این درس و درس‌های گذشته، همراه با قرائت الگوزمزمه و سپس همخوانی کنید.



آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۱۱ آیه	ردیف: ۱۴ بعد از عصر قبل از کوثر	ردیف: ۱۰۰ بعد از زلزال قبل از قارعه جزء ۳۰، صفحه ۵۹۹	ندارد	مکی	بکار رفتن در آیه اول	العادیات

۲. غرض سوره

هشدار به مردم و پرهیزایشان از ناسپاسی پروردگار

۳. گزارش محتوای سوره

سوره یک بخش دارد. ابتدا با سوگند بر ناسپاسی انسان در برابر پروردگارش تأکید می‌کند، سپس دربارهٔ عواقب این ناسپاسی‌ها در قیامت هشدار می‌دهد.

۴. ارتباط سوره

در سوره‌های گذشته به نعمت‌ها و استعدادهایی اشاره شد که خدای متعال در اختیار انسان قرار داده تا به کمک آن‌ها در مسیر تعالی گام بردارد. بدیهی است، عدم بهره‌برداری از این موهبات، خسارت محض است.

در سوره عصر (نزول ۱۳)، جهت بهره‌برداری صحیح از این موهبات و پرهیز از خسران، دستور العملی را بیان نمود.

اکنون در سوره عادیات، یکی از موانع اجرایی شدن این دستور العمل را ناسپاسی و کفران نعمت دانسته و انسان را از آن برحذر می‌دارد.

در محضر آیات سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا ۱

به نام خدای گسترده مهر مهرورز
سوگند به [اسبان] دونده نفس زن!

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا ۲

و افروزندگان جرعه آتش،^۱

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ۳

و شبیخون زندگان در صبح،^۲

فَأَتْرَنَ بِهِ نَقْعًا ۴

و (اسبانی که) بوسیله آن (دویدن)
غبار را برانگیزند،

فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ۵

و بوسیله آن (دویدن) در میان جمع
(دشمن، ظاهر) شوند،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ۶

قطعاً انسان نسبت به پروردگارش
بسیار ناسپاس است؛^۳

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ۷

و مسلماً او بر آن (مطلب) گواه
است؛

وَإِنَّهُ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۸

و قطعاً او سخت، دوستدار (مال)
خوب است.

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمًا فِي الْقُبُورِ ۹

و آیا نمی‌دانند در زمان (رستاخیز) آنچه
در قبرهاست برانگیخته می‌شود،

۱. یا اسبانی که با درگیر شدن سمشان با سنگ‌ها آتش برپا می‌کنند.

۲. مراد این است که این رزمندگان ورزیده، بامدادان که هنوز دشمنان در خواب غفلتند، به آنها یورش برده و شکست می‌دهند.

۳. «کنود»: بسیار ناسپاس؛ از ریشه «کند» در اصل به معنی فقدان توجه و اشتیاق به امری و عدم اعتناء و اهتمام به آن است؛ ناسپاسی و قدر ناشناسی فراوان و شدید، انکار و بخل بارزترین مصادیق آن‌هاست.

و آنچه در سینه هاست بدست آورده
(و آشکارا) شود؟

قطعاً در آن روز پروردگارشان به
(حال) آنان آگاه است.

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿۱۰﴾

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿۱۱﴾

درسی از سوره

در این سوره چه درمانی برای ناسپاسی انسان بیان شده است؟ (آیات ۹-۱۱)
خدای متعال برای درمان ناسپاسی انسان، او را متوجه قبر و قیامت و برملا شدن
حقیقت اعمال کرده و با ادبیات توبیخ آمیز می پرسد:

آیا نمی داند که روزی آن چه در قبرها رفته، برانگیخته می شود؟ آیا نمی داند در آن
روز، آن چه در دل داشته، کاملاً هویدا گشته و چهره‌ی انسان مطابق حقیقت
باطنی او تغییر می یابد؟ این انسانِ ناسپاس، نمی داند که پروردگار در آن روز، به
ایشان رفتارهایشان کاملاً آگاه است؟

آموزه‌های زندگی

۱. آیا جلوه‌هایی از ناسپاسی در برابر پروردگار را در میان جمع خود مشاهده
می‌کنید؟ نمونه‌هایی را ذکر کنید.
۲. چه راه‌کارهایی برای درمان این ناسپاسی‌ها پیشنهاد می‌دهید؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ ۱ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۲ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

۳ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۵

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۶ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۷ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۸

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «تکاثر» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- مصوت‌های «-» و «- و» چگونه ادا می‌شوند؟

همان‌گونه که در قرائت الگوشنیدیم، صدای ضمه «-» ، با تلفظ فارسی آن متفاوت است. صدای ضمه در قرآن مشابه صدای «او» در فارسی ولی به صورت کوتاه (معادل یک ضرب) ادا می‌شود. اما واو مدی «- و» ، به صورت ضمه‌ای که دو برابر کشیده شده (معادل دو ضرب) و همانند گویش فارسی ادا می‌شود. مانند:

۱. حرف دارای ضمه را مضموم می‌نامند.

۲. واو مدی، واوی علامتی است که پس از حرف مضموم قرار می‌گیرد. در برخی از شیوه‌های علامت‌گذاری قرآن، ضمه حذف می‌شود. مانند (یُعیدو)

۲. کلمات زیر را با دقت در تفاوت بین ضمه و واو مدی قرائت کنید.

عَالِمٌ عَالِمُونَ	جَاعِلٌ لَجَاعِلُونَ	يَقُومُ يَقُومُونَ
كَافِرٌ كَافِرُونَ	يَرِثُ يَرِثُونَ	يُعِيدُ يُعِيدُونَ

۳. در سوره «مدرثر» کلمات زیر را با رعایت تلفظ فصیح ضمه و واو مدی

بخوانید:
 نَقُومُ - تُحْصَوُهُ - سَيَكُونُ - يَقْتُلُونَ - نُقَدِّمُوا - نَجِدُوهُ - يَسْطُرُونَ -
 وَيُصِرُّونَ فَيُدْهِمُونَ - أَخْرَطُوهُمْ - تَحْكُمُونَ - تَدْرُسُونَ - تَحْكُمُونَ - أَلَسْجُودِ -
 مَثَلُونَ - يَكْتُمُونَ

۴. اکنون بار دیگر، سوره «تکواثر» را با رعایت تلفظ فصیح ضمه و واو مدی،

همراه با قرائت الگوزمزه و سپس هم خوانی کنید.

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام های سوره
۸ آیه	ردیف: ۱۶ بعد از کوثر قبل از ماعون	ردیف: ۱۰۲ بعد از قارعه قبل از عصر جزء ۳۰، صفحه ۶۰۰	ندارد	مکی	بکار رفتن این دو کلمه در آیه اول	التکائر الهاکم



۲. غرض سوره

برحذر داشتن مردم از اشتغال به فزون طلبی های باطل

۳. گزارش محتوای سوره

سوره، یک بخش دارد. در آغاز دنیازدگان را از عمق فاجعه ای که به آن دچارند، آگاه می کند و عواقب آن را در آتش جهنم، یاد کرده و در پایان به لزوم پاسخگویی ایشان در برابر نعمت ها تأکید می کند.

۴. ارتباط سوره

خدای متعال در سوره عصر (نزول ۱۳) راه کارهایی از تباهی سرمایه ها را تبیین نمود. در سوره عادیات (نزول ۱۴) به نخستین آفت این راه کار که شدت ناسپاسی است پرداخت. اکنون در سوره تکاثر به آفت دوم که دنیازدگی و دنیا طلبی افراطی است می پردازد.

لازم به ذکر است، پیش از این، سوره کوثر (نزول ۱۵)، با خطاب خاص به پیامبر ﷺ و برای بشارت اعطای خیر فراوان به ایشان و ترغیب وی به عبادت شاکرانه، نازل شده است.

در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده مهر مهرورز

فزون طلبی و فخر فروشی شما را

سرگرم ساخت.

تا اینکه به دیدار قبرها رفتید.

هرگز چنین نیست، در آینده

خواهید دانست!

سپس هرگز چنین نیست، در

آینده خواهید دانست!

هرگز چنین نیست، اگر (بر

فرض) با علم یقینی می دانستید.

حتماً دوزخ را می دیدید.

سپس مسلماً با دیده یقین آن را

می دیدید.

سپس در آن روز قطعاً از

نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد.^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾

ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

۱. «تکاثر» افزون طلبی، استفاده از باب تفاعل احتمالا اشاره به افزون طلبی همراه با چشم و هم چشمی دارد.

۲. «نعمت» جمع نعمت است.



درسی از سوره

در این سوره چه درمانی برای روحیه فزونی طلبی انسان بیان شده است؟
 خدای متعال در ادامه گام‌های تحول‌آفرین خود، در این سوره به مخاطب هشدار می‌دهد که زیاده‌خواهی‌های افسارگسیخته، باعث از دست رفتن فرصت‌ها و بروز گرفتاری‌ها خواهد شد. سپس برای درمان این روحیه می‌فرماید: شاید اکنون به دلیل دل‌مشغولی‌های دنیا، روز و حساب و کتاب و قیامت را نبینید، اما به زودی به آنجا رفته و بر همه چیز واقف خواهید شد و از همه نعمت‌هایی که دلبسته به آن‌ها شده بودید، مورد بازخواست قرار خواهید گرفت.

بیشتر بدانیم

فزون‌طلبی در چه عرصه‌هایی بروز می‌کند؟

دل‌مشغولی به فزون‌طلبی‌ها مصادیق گوناگونی دارد و مخصوص امور مادی نیست. به عنوان نمونه رفتن به قبرستان که به طور طبیعی باعث یادآوری مرگ و بی‌رغبتی به دنیا است، برای انسان فزون‌طلب مایه تفاخر و رغبت به دنیا است. حتی گاه، کارهای خیر، علوم اسلامی یا شغل‌های معنوی نیز موضوعی برای فزون‌طلبی و تفاخر می‌گردد.

آموزه‌های زندگی

۱. نمونه‌هایی از تکاثر را که در جامعه دینی ما به چشم می‌خورد، بازگو نمایید.
۲. برای درمان روحیه فزون‌طلبی در جامعه دینی، راه کارهای عملیاتی ارائه دهید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللَّيْنِ ① فَذَلِكَ الَّذِي
يَدْعُ آلَيْتِهِ ② وَلَا يُحِصُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ③
فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ④ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
⑤ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ⑥ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑦

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره مبارکه «ماعون» به سؤال زیر پاسخ دهید:

• آیا صدای ضمه در بخش‌های مختلف کلمه با هم تفاوتی دارد؟

یکی از اشتباهات رایج در قرائت عموم مردم، کشش صدای ضمه،

به خصوص در آخر کلمات است. با دقت در قرائت الگو، در می‌یابیم که هیچ

تفاوتی بین صدای ضمه در ابتدا، وسط و آخر کلمه وجود ندارد. مانند:

يُحِصُّ عَلَىٰ

يُكَذِّبُ بِاللَّيْنِ



در صورت کشش، صدای ضمه تبدیل به واو مدی شده و ساختار کلمه تغییر می‌کند. مانند:

يَكْذِبُ ← يَكْذَبُ
يَحْضُو ← يَحْضُ

نکته: در مواردی که کلمه بعدی با ساکن یا تشدید شروع می‌شود، معمولاً این اشکال پیش نمی‌آید. این‌گونه موارد الگوی مناسبی برای تلفظ صحیح ضمه در آخر کلمات است. مانند:

يَدْعُ الْيَتِيمَ اَلْهَكْمُ التَّكَاثُرُ

بار دیگر سوره مبارکه «ماعون» را با دقت گوش کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید:

- بخش پایانی کلمه « فَوَيْلٌ » چگونه خوانده می‌شود؟

در قرائت الگو شنیدیم، بخش پایانی کلمه « فَوَيْلٌ »، «لُن» خوانده می‌شود. در آخر برخی از کلمات قرآن، پس از صدای ضمه، «ن» ساکنی خوانده می‌شود که در علامت‌گذاری به صورت دو ضمه ترکیب شده (ه) نوشته می‌شود. این علامت را تنوین ضمه می‌نامند.

تنوین ضمه: عَائِدُنْ ← عَائِدُ (عُن ← ه)

در برخی موارد، برای اشاره به قواعد تجویدی، تنوین ضمه به شکل (^{هـ}) نوشته می‌شود. مانند: فَوَيْلٌ

تذکر: تنوین ضمه در کیفیت اداء، همانند ضمه همراه با نون ساکن تلفظ می‌شود.

مهارت افزایی

۱. مثال‌های زیر را بخوانید و به تلفظ ضمه در ابتدا، وسط و آخر کلمه توجه کنید:

عَبْرٌ لَّيْسَ - خَلَقْتُ وَحِيدًا - وَجَعَلْتُ لَهُ - وَمَهَّدْتُ لَهُ - يَطْمَعُ أَنْ - أَرَادَ
 اللَّهُ بِهَذَا - يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ - يَشَاءُ وَيَهْدِي - يَعْلَمُ جُنُودَ - لَمْ تَكُ مِنْ - نَحْوُضُ مَعَ -
 نَكَذِبُ بِيَوْمٍ - يُرِيدُ كُلُّ - مِنْهُ قَلِيلًا - وَأَقَوْمٌ قِيَلًا - فَأَتَّخِذُهُ وَكَيْلًا -
 الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا

۲. در سوره «مدثر» کلمات دارای تنوین ضمه را نوشته و با رعایت تلفظ صحیح آن‌ها را بخوانید:

..... یوم

۳. سوره «مَاعُون» را با دقت در نکات این درس و درس‌های گذشته، همراه با قرائت الگوزمزه و سپس هم‌خوانی کنید.



آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

تعداد آیات سوره	سوره در نزول	سوره در مصحف	آیات استثنایی	مکی یا مدنی	وجه تسمیه	نام‌های سوره
۷ آیه	ردیف: ۱۷ بعد از تکاثر قبل از کافرون	ردیف: ۱۰۷ بعد از قریش قبل از کوثر جزء ۳۰، صفحه ۶۰۲	طبق قول صحیح، آیه استثنایی ندارد	مکی	به کار رفتن این کلمات در این سوره بطور اختصاصی	ماعون أرایت الدین

۲. غرض سوره

برحذر داشتن مردم از عدم خضوع در برابر معارف و دستورات الهی

۳. گزارش محتوای سوره

سوره به دو بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول. آیات ۱-۳؛ پیامدهای منفی عدم خضوع در برابر معارف و دستورات الهی و نقش آن در قساوت قلب انسان؛

بخش دوم. آیات ۴-۷؛ پیامدهای منفی انکار دستورات الهی در بین نمازگزاران

۱. برخی آیات چهارتا هفت را به دلیل خطاب عتاب‌آلود به اهل نماز، مدنی می‌دانند. اما با توجه به وجود نماز در ادیان گذشته و در دین اسلام از ابتدا (علق (نزول ۱) آیه ۱۲، مدثر (نزول ۴) آیه ۴۴ و اعلیٰ (نزول ۸) آیه ۱۶) و وجود برخی بیماردلان میان مؤمنان در ابتدای دعوت پیامبر ﷺ (مدثر (نزول ۴) آیه ۳۱) می‌توان یک پارچگی نزول این سوره را تقویت کرد.

۴. ارتباط سوره

پروردگار متعال در سوره‌های گذشته به آسیب‌شناسی عوامل رستگاری انسان پرداخت: ترجیح دنیا بر آخرت در سوره اعلیٰ (نزل ۸)، بخل، استغنائی به مال و تکذیب نیکی‌ها در سوره لیل (نزل ۹)، زیاده‌روی در فساد اجتماعی و اقتصادی در سوره فجر (نزل ۱۰)، ناسپاسی شدید در برابر پروردگار در سوره عادیات (نزل ۱۴)، فزون‌خواهی و سرگرم شدن به دنیا در سوره تکاثر (نزل ۱۶)

اکنون برای کامل شدن حلقه معرفی عوامل آسیب‌زا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کند که عبارت است از عدم خضوع در برابر معارف و دستورات الهی.

در محضر آیات سوره

به نام خدای گسترده‌مهرپوروز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا دیدی کسی را که (معارف و دستورات) دین را دروغ می‌انگارد؟!

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ﴿١﴾

پس آن کسی است که یتیم را به سختی می‌راند؛

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾

و بر غذا دادن به یتیم (یا) تشویق نمی‌کند

وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

پس وای بر نمازگزاران!

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾

(همان) کسانی که آنان از نمازشان غافل‌اند؛

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾

۱. «وَيْلٌ»: سخنی که به شخص گرفتار در مهلکه گفته می‌شود. اصل آن عذاب و هلاکت است.



(همان) کسانی که ایشان ریاکاری
می‌کنند؛^۱

و چیزهای اندک (وسایل زندگی را از
دیگران) دریغ می‌کنند.^۲

الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ ﴿٦﴾

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

درسی‌هایی از سوره

۱. دین چیست؟

ریشه «دین» انقیاد و خضوع است و معانی طاعت، تعبد، محکومیت و مقهوریت، تسلیم در برابر امر، حکم، قانون و جزاء، از معانی نزدیک آن است، و به همین اعتبار این واژه به برخی مصادیق اصلی خود یعنی جزاء، حساب، دین، طاعت و... معنی می‌شود. «دین» در اصطلاح به معنی معارف و دستورات الهی است که پیامدهای دنیوی و یا اخروی به دنبال دارد.

برخی انسان‌ها در برابر دین خاضع شده و پیامدهای آن را باور دارند. اما برخی دیگر آن را نپذیرفته و پیامدهای آن را هم چون بهشت و جهنم دروغ می‌انگارند.

۲. کدام نمازگزاران به هلاکت می‌افتند؟

کسانی که در برابر معارف و دستورات الهی و پیامدهای آن خاضع نشوند، به هلاکت خواهند افتاد؛ حتی اگر در صف نمازگزاران باشند. زیرا صفاتی دارند که با حقیقت نماز ناسازگار است:

• بی‌اعتنایی به نماز؛ نماز در زندگی ایشان جایگاه و اولویتی ندارد. (عَنْ

صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)

۱. «یراءون» از «رأء» باب مفاعله و به معنی نشان دادن است؛ به این معنا که شخص آن چه را که در قلبش باور ندارد، اظهار می‌کند، تا دیگری او را ببیند و اعتقاد و اعتماد به او پیدا کند.

۲. «الْمَاعُونَ»: از «مَعْن» به معنای چیزی که دلالت بر ملامت و اعتدال در امور دارد. امور معتاد و متعارف.



• ریا کاری؛ اینان نماز خود را نه به قصد تحکیم میثاق بندگی، بلکه به نیت ریاکاری و فریب مردم انجام می دهند. (يُرَاءُونَ)

• کمک نکردن به همنوعان؛ اینان از هر کمک ساده و متعارفی که اهل دین و نماز به برادران خود می رسانند، امتناع می ورزند. (وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ)

آموزه های زندگی

۱. چه مشکلات و ناهنجاری هایی را در اطراف خود می شناسید که برآمده از عدم خضوع در برابر معارف و دستورات الهی است؟
۲. سه نشانه نمازگزار دروغین، تا چه میزان در جامعه نمازگزار ما وجود دارد؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ① اللَّهُ الصَّمَدُ ② لَمْ يَكِدْ وَلَمْ
 يُوَلَدْ ③ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ④

قرائت سوره

پس از استماع دقیق سوره «توحید» به سؤال زیر پاسخ دهید:

- نماد « و » در « لَهُ، » نشانه چیست و چگونه ادا می‌شود؟

این نماد نشانه واو مدی است که در برخی کلمات قرآن^۱ علامت‌گذاری شده و در تلفظ هیچ تفاوتی با « - و » ندارد.

مهارت افزایی

سوره «توحید» را با رعایت نکات این درس و درس‌های گذشته، همراه با قرائت الگوزمزه و سپس همخوانی کنید.

۱. این کلمات عبارت‌اند از:

یک. موارد اشباع هاء ضمیر مضموم مانند:

إِنَّهُ سَأَرْهَقُهُ ذِكْرُهُ

دو. مواردی که واو مدی در کتابت مصحف حذف شده است. مانند عَاوُنَ وِوِرِي دَاوُدُ

آشنایی با سوره

۱. شناسه سوره

نام‌های سوره	وجه تسمیه	مکی یا مدنی	آیات استثنایی	سوره در مصحف	سوره در نزول	تعداد آیات سوره
توحید اخلاص الاساس	بدلیل معارف توحیدی والای سوره	مکی	ندارد	ردیف: ۱۱۲ بعد از مسد قبل از فلق جزء ۳۰، صفحه ۶۰۴	ردیف: ۲۲ بعد از ناس قبل از نجم	۴ آیه

۲. غرض سوره

بیان وظیفه‌ی پیامبر ﷺ مبنی بر ابلاغ توحید ناب در جامعه شرک‌زده‌ی مکه و دفع پیرایه‌ها از اندیشه‌ی توحیدی.

۳. گزارش محتوای سوره

سوره، یک بخش دارد. امر به پیامبر ﷺ برای اعلام توحید ذات و صفات پروردگار و نبود زاد و ولد و همتا برای خدای تبارک و تعالی

۴. ارتباط سوره

پیامبر اکرم ﷺ، در سوره کافرون (نزول ۱۸) مأمور شد تا به صراحت، صف خود را از کافران، و صف کافران را از خود جدا کند. پس از آن، دغدغه‌هایی برای پیامبر ﷺ به وجود آمد که در سوره‌های فیل، فلق و ناس، راهکار رفع آن، بیان شد. در سوره فیل (نزول ۱۹) نگرانی از آسیب دشمنان، در سوره فلق (نزول ۲۰) نگرانی از خطرات اجتماعی و در سوره ناس (نزول ۲۱) نگرانی از وسوسه‌گران جن و انس برطرف شد.



اکنون در سوره توحید، زمان آن است که پیامبر ﷺ معبود خود را که از معبود مشرکان کاملاً جداست، روشن تر معرفی کند.

در محضر آیات سوره

به نام خدای

گسترده مهر مهرورز

بگو آن خدای

یکتاست،^۱

خدای کاملی که همه

به او روی می آورند.

نه زاییده و نه زاده شده

است؛

و هیچ کس برای او همتا

نبوده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ①

اللَّهُ الصَّمَدُ ②

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ③

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ④

درسی از سوره

ویژگی های معبود پیامبر ﷺ چیست؟

پیامبر مکرم اسلام ﷺ معبود خود را این گونه معرفی می کند:

یک. یگانه است و برای او نه در ذات و نه در صفات و نه در عبادت، شریکی

وجود ندارد. (أَحَدٌ)

دو. وجود کامل و بی نیازی دارد که همه به او نیازمندند و به سوی او روی می آورند.

(الصَّمَدُ)

۱. «أَحَدٌ»: وصفی که از «وحدت» گرفته شده است، مثل «واحد»؛ با این تفاوت که «واحد» در مقابل دو و سه و ...

قرار دارد. به عبارتی دوم و سوم برای او قابل فرض است. برخلاف «احد» که دوم ندارد و تک و یگانه است.



سه. فرزندی نزیاییده است. (لَمْ يَكِدْ)

چهار. زاییده نشده است. یعنی هستی اش را از ذات خود دارد و نیازمند به هیچ

چیزی نبوده است. (وَ لَمْ يُولَدْ)

پنج. هیچ موجودی در جهان هستی در ویژگی‌های گفته شده، همتای خدا

نیست و از هر لحاظ یگانه و بی‌مانند است. (وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

أَحَدٌ)

بیشتر بدانیم

قرآن چه فرایندی را در طرح مسئله توحید پیش گرفته است؟

از مجموعه آیات و سوره‌های گذشته معلوم می‌شود که قرآن در مطرح ساختن مسأله‌ی توحید، روش ویژه‌ای را تعقیب نموده است. مراحل معرفی خدای یگانه در قرآن بدین قرار است:

۱. خدا را با صفت ربوبیت در منظومه‌ی زندگی بشر وارد ساخت و تبدیل به مفهومی عینی و واقعی و مرتبط با زندگی بشر کرد و اضطرار و فقر انسان را به پروردگار ثابت کرد، (سوره‌های علق، قلم، مزمل، و مدثر).

۲. به جایگاه بندگی انسان نسبت به پروردگار پرداخت و راه و رسم بندگی را به او آموخت (سوره‌ی حمد).

۳. با تکیه بر رابطه انسان با خدا، ارتباط انسان با خود، دیگران و جهان هستی را تبیین فرمود (سوره‌های عصر، عادیات، تکوین و ماعون)

۴. هرگونه همسانی میان خدا و دیگر معبودها و پروردگارهای ادعایی را نفی کرد (سوره کافرون).



۵. پس از این مقدمات مخاطبان را با ویژگی‌های ذاتی و صفاتی کامل‌تری از معبود یگانه، آشنا کرده و پیرایه‌های ذهنی آن‌ها را در این زمینه می‌زداید. این مهم در سوره نجم ادامه پیدا خواهد کرد.

آموزه‌های زندگی

۱. چرا در جامعه اسلامی، با وجودی که مردم روزانه بارها خدا را با صفت احدیت و صمدیت می‌خوانند، باز برای رفع نیازهای خود به این دروآن در می‌زنند؟
۲. راه کارهای عملی برای تبدیل صمدیت خدا به باور عمومی جامعه ارائه کنید، به گونه‌ای که به طور کامل در رفتار آحاد جامعه نمود پیدا کند؟

